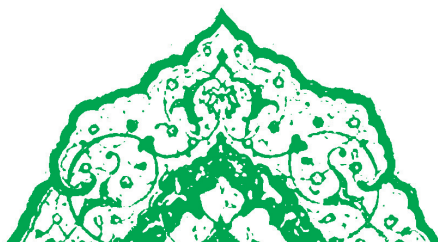






سرشناسه: کلینی، محمد بن یعقوب، ۳۲۹ق -
عنوان قراردادی: الکافی. اصول - فارسی - عربی. برگزیده
عنوان و نام پدید آور: گزیده اصول کافی / محمد بن یعقوب بن اسحاق
کلینی؛ ترجمه محمدمهدی رضایی؛ تنظیم و نظارت نهاد نمایندگی مقام معظم
رهبری در دانشگاه ها، معاونت مطالعات راهبردی، دفتر نشر معارف
مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها،
دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص؛ ۱۲×۱۹ سم.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۳۶۷-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: فارسی - عربی
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع: احادیث شیعه - قرن ۴ق.
شناسه افزوده: رضایی، محمدمهدی، -۱۳۵۱، مترجم
شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها،
معاونت مطالعات راهبردی
شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها،
دفتر نشر معارف
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۴۲۱۴۲ ۲۲۰ ک ۸ / ۱۲۹ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۵۰۲۲۱



مُكْتَبَةُ الْكَافِي

ثقة الاسلام محمد بن يعقوب بن اسحاق كليني

ترجمه: محمد مهدي رضايي



گزیده اصول کافی

تنظیم و نظارت: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
- معاونت مطالعات راهبردی - دفتر نشر معارف

مترجم: محمدمهدی رضایی

حروف چینی و صفحه آرایی: محمد فراهانی - نشر فقه
ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۱

تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۳۸۲-۹

مراکز پخش

دفتر نشر معارف: قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، پلاک ۳،

تلفن و نمابر: ۷۷۴۰۰۰۴

فروشگاه شماره ۱ (باتوق کتاب): قم، خیابان شهدا، روبروی

دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۷۷۳۵۴۵۱

فروشگاه شماره ۲ (باتوق کتاب): تهران، خیابان انقلاب، چهارراه کالج،

جنب بانک ملت، پلاک ۷۱۵، تلفن ۸۸۹۱۱۲۱۲،

نمابر ۸۸۰۹۳۸۶

پست الکترونیکی: info@ketabroom.ir

نشانی اینترنتی: www.ketabroom.ir

©تمام حقوق محفوظ است



فهرست

۱۰	مقدمه
۱۱	سخنی کوتاه درباره مؤلف کتاب کافی.
۱۴	ابتلای مؤمن
۱۸	ارزش دنیا
۱۸	استغفار
۲۰	امید به خدا
۲۲	اطاعت الهی
۲۲	انصاف
۲۲	ایمان
۲۴	بداخلاقی
۲۴	برآوردن حاجت مؤمن
۳۰	برادری
۳۲	بصیرت
۳۴	بلا
۳۴	پاداش نیکی و بدی
۳۶	پوشش گناهان
۳۸	تحقیر مؤمن
۳۸	تقوی
۳۸	تواضع
۴۰	توبه
۴۰	تهمت





- ۴۰ حرص به دنیا
- ۴۲ حزن و اندوه
- ۴۲ حب دنیا
- ۴۲ حُسن ظن به خدا
- ۴۴ حسنه
- ۴۶ حق مسلمان بر برادر دینی اش
- ۴۸ حق مؤمن بر مؤمن دیگر
- ۴۸ حکمت
- ۴۸ خاموشی
- ۵۲ خوش خلقی
- ۵۴ خوش رفاقتی
- ۵۴ خوف از خدا
- ۵۶ خوف و رجاء
- ۵۶ خیر
- ۵۸ درخواست خیر
- ۵۸ دروغ
- ۵۸ دروغ گویی
- ۵۸ دشنام دهنده
- ۶۰ دشنام دادن
- ۶۰ دشنام گو
- ۶۰ دعا
- ۶۶ دعا در غیاب برادر دینی
- ۶۸ دعای مستجاب
- ۶۸ دعای مظلوم علیه ظالم





۶۸ دنیا
۷۰ دنیای مذموم
۷۰ دین داری
۷۲ ذکر
۸۰ ذکر قرآنی
۸۲ راست گویی
۸۲ راضی بودن به خواست خداوند
۸۴ رزق
۸۶ رضا به قضای الهی
۸۶ رفاقت
۸۶ زیارت یکدیگر رفتن
۸۸ زیان
۸۸ سرزنش
۹۰ سودمندترین مردم
۹۰ شاد کردن مؤمن
۹۶ شاهد اعمال انسان
۹۶ شکر
۱۰۰ شیعه
۱۰۲ شیعه واقعی
۱۰۴ صبر
۱۰۴ صبر جمیل
۱۰۴ صدقه (خاموشی)
۱۰۶ صلوات
۱۰۸ صله رحم





۱۱۲	ظلم
۱۱۲	عالم
۱۱۶	عبادت
۱۱۸	عذاب زبان
۱۱۸	عفت
۱۱۸	عفو و گذشت
۱۲۰	عقل
۱۳۲	علم
۱۳۶	عمل اندک
۱۳۸	عیب جویی
۱۳۸	غذا دادن به برادران دینی
۱۴۰	غذا دادن به مسلمان
۱۴۰	فرو خوردن خشم
۱۴۰	فقر
۱۴۴	فقر و غنا
۱۴۶	قرآن
۱۵۰	قلب
۱۵۰	قلب (حب و بغض)
۱۵۰	قناعت
۱۵۲	قهقهه
۱۵۴	کافر
۱۵۴	کردار حرام
۱۵۴	کفاف
۱۵۶	کلام





۱۵۶	گریه
۱۶۰	گناه
۱۶۴	لعن
۱۶۴	لغزش
۱۶۴	متکبر
۱۶۶	مدارا
۱۶۶	مرگ مؤمن
۱۶۶	مسلمان فقیر
۱۶۶	مصافحه
۱۶۸	مصیبت
۱۶۸	مؤمن
۱۷۲	مؤمن فقیر
۱۷۲	نکوهش نفس
۱۷۴	نفاق
۱۷۴	نیت پاک
۱۷۴	نیکی به والدین
۱۷۸	واگذاری امور به خدا
۱۷۸	ورع
۱۷۸	هدایت و گمراهی
۱۸۰	هم نشینی
۱۸۰	یاری برادر دینی
۱۸۰	یقین





مقدمه

از جمله میراث های معنوی شیعه که جام جان مشتاقان را از شراب حکمت سرشار می کند، سنت معصومان علیهم السلام است که در روشنای قدسی آن، حق جویان خداطلب به پاکی ها و نیکی ها ره برده اند. به همین دلیل است که می بینیم سنت معصومین علیهم السلام پس از کلام وحی به عنوان دومین منبع متقن دینی مسلمانان، سهمی عظیم در بالندگی حقایق دینی و شکوه علوم اسلامی داشته است.

رویکرد روزافزون انسان معاصر و به ویژه جوانان و نسل نو به معنویت و اخلاق، تلاشی در خور می طلبد تا در قالبی نو احادیث اهل بیت علیهم السلام در اختیار آنان قرار گیرد و آنان را به استفاده هایی فراگیرتر رهنمون شود.

مجموعه حاضر گزیده ای از کتاب باعظمت اصول کافی است که با هدف فوق آماده گردیده و در انتخاب احادیث آن حتی الامکان معیارهای زیر در نظر گرفته شده است:

الف. عموم و به ویژه نسل جوان به آن نیازمند باشند.

ب. گویا و کاربردی باشد.

ج. بیشتر ناظر به یکی از مسائل اعتقادی، اخلاقی، تربیتی باشد و مکارم اخلاقی را در وجود فرد تثبیت نماید.

احادیث گزیده شده تیتراژ گذاری گردیده و بر اساس عنوان و به ترتیب حروف الفبا مرتب شده اند تا مراجعه به آنها با سهولت بیشتر صورت گیرد. همچنین به منظور رعایت اختصار، اسناد احادیث به جز یکی دو گوینده آخرین، ذکر نگردید.

منبع مورد استفاده، کتاب اصول کافی تألیف ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی است که به وسیله انتشارات «دارالکتب الاسلامیه» در سال ۱۳۸۷ هـ ش چاپ گردیده و به وسیله آقای علی اکبر غفاری تصحیح شده است.





سخنی کوتاه درباره مؤلف کتاب کافی^۱

ثقة الاسلام محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، معروف به شیخ کلینی دانشمند و فقیه و محدث نامی شیعه در نیمه اول قرن چهارم هجری است. وی ایرانی الاصل و از روستای کلین واقع در ۳۸ کیلومتری شهرری و ناحیه جنوب غربی جاده قم به تهران نزدیک حسن آباد کنونی است. به همین جهت او را به لقب «رازی» منسوب به «ری» نیز می خوانند. وی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام متولد گشت و با چهار سفیر و نماینده خاص امام زمان علیه السلام در طول غیبت صغری هم عصر بود. کلینی مشهورترین شخصیتی بود که در آن زمان میان شیعه و سنی زندگی می کرد و به طور آشکار به ترویج مذهب شیعه امامیه و نشر معارف و فضائل اهل بیت عصمت علیهم السلام همت می گماشت.

او در امانت و عدالت، تقوی و فضیلت، حفظ و ضبط احادیث که همه از شرایط یک فرد محدث موثق جامع شرایط بوده است، مانند و نظیر نداشت.

دانشمندان بزرگ شیعه مانند شیخ طوسی، نجاشی، ابن شهر آشوب، سید بن طاووس، شیخ بهایی، میرداماد، علامه مجلسی و... هر جا به نام کلینی برخورد کرده یا از کتاب بزرگ و نامدارش کافی نام برده اند از وی به عنوان موثق ترین دانشمند شیعه در فهم و نقل و ضبط حدیث و حسن ترتیب و تنظیم کتابش «کافی» یاد کرده اند.

همچنین دانشمندان اهل سنت، خصوصاً مورخان آنها که بعد از او آمده اند همگی از وی تجلیل کرده و او را به عظمت

۱. برگرفته از کتاب مفاخر الاسلام ج ۳، ص ۲۷-۴۷، تألیف علی دوانی.



و فقاہت و بزرگواری ستوده اند. کتاب با عظمت «الکافی» که مهم ترین اثر کلینی، بلکه جامعه شیعه است، شامل سه بخش است: اصول کافی، فروع کافی و روضه کافی و در مجموع دارای ۱۶۱۹۹ حدیث است که با سلسله سند از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام روایت شده است.

کافی نخستین کتاب از کتب چهارگانه (اربعه) و معتبر حدیث و منبع فقه شیعه است که تقریباً از یازده قرن پیش تا کنون مأخذ نخستین کتب فقه و حدیث ما و مدرک و مرجع محدثین و فقها و مستند مجتهدین بزرگ شیعه امامیه در استنباط احکام شرعی است.

سه کتاب دیگر عبارتند از: من لا یحضره الفقیه تألیف شیخ صدوق و تهذیب و استبصار هر دو تألیف شیخ طوسی.

کلینی برای جمع آوری اخبار و احادیث کتاب کافی مسافرت‌ها نموده و به شهرها و نقاط شیعه نشین کشورهای دور و نزدیک اسلامی رفته و در مدت ۲۰ سال کتاب کافی را به انجام رسانده است.

کتاب گران قدر کافی تا کنون بیش از ۶۰ بار به وسیله بزرگان محدثین و فقهای شیعه به عربی و فارسی شرح، ترجمه، تلخیص و حاشیه نویسی شده است. بهترین و مشهورترین شروح کافی که مورد توجه علما و دانشمندان شیعه است پنج شرح ذیل است:

۱. شرح اصول کافی، تألیف فیلسوف نامی صدرالمتألهین شیرازی.
۲. ترجمه و شرح کافی به فارسی به قلم محدث بزرگوار ملا خلیل قزوینی.
۳. شرح اصول کافی، تألیف فقیه بزرگوار ملا صالح مازندرانی.
۴. شرح کافی و سایر کتب اربعه، تألیف حکیم و محدث و فقیه عالیقدر ملامحسن فیض کاشانی.





۵. شرح اصول کافی، تألیف علامه محمدباقر مجلسی، به نام مرآت العقول که دانشمندان شیعه آن را بهترین شرح اصول کافی دانسته اند.

ثقه الاسلام کلینی سرانجام در سال ۳۲۸هـ ق در شهر بغداد چشم از جهان فرو بست و به خاک سپرده شد. آرامگاهش امروز در ناحیه شرقی نهر دجله، کنار پل قدیم بغداد معروف و زیارتگاه مسلمانان است.



ابتلاى مؤمن



١. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ مِنْ خَالِصِ عِبَادِهِ مَا يُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِخْفَةً
 إِلَى الْأَرْضِ إِلَّا صَرَفَهَا عَنْهُمْ إِلَىٰ غَيْرِهِمْ وَلَا بَلِيَّةَ إِلَّا صَرَفَهَا إِلَيْهِمْ^١.

٢. عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا عَتَّهُ بِالْبَلَاءِ عِتًّا وَنَجَّهَ بِالْبَلَاءِ نَجًّا فَإِذَا
 دَعَاهُ قَالَ لَتَبَيْتَكَ عَبْدِي لَئِنْ عَجَلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ إِنِّي عَلَىٰ ذَلِكَ لَقَادِرٌ وَلَئِنْ
 ادَّخَرْتُ لَكَ فَمَا ادَّخَرْتُ لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ^٢.

٣. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
 الْمُؤْمِنُ لَا يَمُضِي عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً إِلَّا عَرَّضَ لَهُ أَمْرٌ يَحْزُنُهُ يَذْكَرُ بِهِ^٣.

٤. عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
 إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِبِأَفْضَلِ مَكَانٍ ثَلَاثًا إِنَّهُ لَيَبْتَلِيهِ بِالْبَلَاءِ ثُمَّ يَنْزِعُ
 نَفْسَهُ عُضْوًا عُضْوًا مِنْ جَسَدِهِ وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ عَلَىٰ ذَلِكَ^٤.

٥. عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِبْتِلَاءِ فِي جَسَدِهِ^٥.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٣، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ٥.
 ٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٣، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ٧.
 ٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٤، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ١١.
 ٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٤، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ١٣.
 ٥. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٥، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ١٤.





۱. از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
خدای عزوجل را در بین بندگان، بندگان است که هر تحفه‌ای و نعمتی از آسمان به زمین فرود آید، آن را از ایشان باز دارد و به دیگران دهد، و هر گرفتاری که نازل شود، بر ایشان فرود آورد.

۲. از حماد، از پدرش، از امام باقر علیه السلام که فرمود:
خدای تبارک و تعالی چون بنده‌ای را دوست بدارد، در بلا و مصیبتش غرقه سازد و باران گرفتاری بر سرش فرو بارد و آنگاه که این بنده، خدا را بخواند، فرماید: لبیک بنده من! بی شک اگر بخواهم خواسته‌ات را زود اجابت کنم، می‌توانم، اما اگر بخواهم آن را برایت اندوخته سازم، این برای تو بهتر است.

۳. از محمد بن مسلم که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
چهل شب بر بنده مؤمن نگذرد، مگر اینکه واقعه‌ای برایش رخ دهد و او را غمگین سازد و به واسطه آن، متذکر گردد.

۴. از عبید بن زراره که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
جایگاه مؤمن نزد خدای عزوجل برترین جایگاه است - و این جمله را سه بار فرمود - چرا که گاه بنده‌ای را خداوند به گرفتاری مبتلا می‌سازد و می‌آزماید و آنگاه جانش را عضو به عضو از پیکرش بیرون می‌کشد، در حالی که وی بر این پیشامد خداوند را حمد و ستایش می‌گوید [و زبان به شکایت نمی‌گشاید].

۵. از فضیل بن عثمان، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
در بهشت مقام و منزلتی وجود دارد که هیچ بنده‌ای به آن نرسد، مگر به درد و بیماری‌ای که در بدنش حادث شود.



ابتلاى مؤمن



٦. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ شَكَوتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَكَانَ مِسْقَامًا فَقَالَ لِي يَا عَبْدَ اللَّهِ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ
مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَتَّى أَنَّهُ قُرْصٌ بِالْمَقَارِيطِ!.

٧. عَنْ حُرَّانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ مِنَ
الْغَيْبَةِ وَيَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي الطَّيِّبُ الْمَرِيضَ!.

٨. عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِيئُهَا الرِّيحُ كَذَا وَكَذَا
وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِيئُهُ الْأَوْجَاعُ وَالْأَمْرَاضُ وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَةِ
الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفُهُ قِصْفًا!.

٩. عَنْ سَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام أَنْ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْوَصِيُّونَ ثُمَّ الْأُمَثَلُ
فَالْأُمَثَلُ وَإِنَّمَا يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ فَمَنْ صَحَّ دِينُهُ وَحَسَنَ
عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِلْمُؤْمِنِ وَلَا
عُقُوبَةً لِلْكَافِرِ وَمَنْ سَخَفَ دِينَهُ وَصَعَفَ عَمَلَهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ وَأَنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعُ
إِلَى الْمُؤْمِنِ التَّقِيِّ مِنَ الْمَطْرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ!.



١. اصول كافي، ج ٢، ص ٢٥٥، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ١٥.
٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٢٥٥، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ١٧.
٣. اصول كافي، ج ٢، ص ٢٥٧، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ٢٥.
٤. اصول كافي، ج ٢، ص ٢٥٩، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ٢٩.



۶. عبدالله بن ابی یعفور - که پیوسته بیمار بود - گفت: به امام صادق علیه السلام از دردهایی که داشتم، شکایت کردم، فرمود: ای عبدالله! اگر مؤمن می دانست که پاداش مصائب و گرفتاری هایش چه اندازه است، آرزو می کرد با قیچی تکه تکه شود.

۷. از حمران، از امام باقر علیه السلام که فرمود: خدای عزوجل از بنده مؤمنش با رنج و بلا دلجویی می کند، همچنان که شخص با هدیه ای که از سفر آورده، از خانواده اش دلجویی می کند، و خدا مؤمن را از دنیا پرهیز می دهد، همچنان که طیب، بیمار را [از بعضی خوردنی ها و آشامیدنی ها] پرهیز می دهد.

۸. از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام که فرمود: حکایت مؤمن، حکایت ساقه گیاه است که بادها آن را به این سو و آن سو کج و راست می کنند. مؤمن هم به واسطه بیماری ها و دردها کج و راست می شود. اما حکایت منافق، حکایت عصای آهنین بی انعطافی است که هیچ آسیبی به آن نمی نرسد، تا اینکه مرگش به سراغ می آید و کمرش را در هم می شکنند.

۹. از سماعه، از امام صادق علیه السلام که فرمود: در کتاب علی علیه السلام آمده: شدیدترین بلاها در بین آفریدگان، نخست به پیامبران و سپس به اوصیاء می رسد و آنگاه به شبیه ترین و شبیه ترین مردم به آنها. مؤمن به مقدار نیکی هایش آزموده می شود. هر که دینش درست و کارش نیک باشد، بلایش شدیدتر است، چرا که خدای عز و جل دنیا را مایه پاداش مؤمن قرار نداده و نه وسیله عذاب کافر. اما آن که دینش نادرست و کارش سست باشد، بلایش اندک است. بلا به انسان مؤمن پرهیزگار زودتر می رسد تا باران به سطح زمین.



ابتلاى مؤمن

١٠. عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا لِأَصْحَابِهِ مَلْعُونٌ كُلُّ مَالٍ لَا يُزَكِّي مَلْعُونٌ كُلُّ جَسَدٍ لَا يُزَكِّي وَلَوْ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا مَرَّةً فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا زَكَاةُ الْمَالِ فَقَدْ عَرَفْنَاهَا فَمَا زَكَاةُ الْأَجْسَادِ فَقَالَ لَهُمْ أَنْ تُصَابَ بِآفَةٍ قَالَ فَتَعَبَّرْتَ وَجُوهَ الَّذِينَ سَمِعُوا ذَلِكَ مِنْهُ فَلَمَّا رَأَهُمْ قَدْ تَعَبَّرْتَ أَلْوَانُهُمْ قَالَ لَهُمْ أَ تَدْرُونَ مَا عَنَيْتُ بِقَوْلِي قَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ بَلَى الرَّجُلُ يُحْدِثُ الْحُدُثَةَ وَيُنْكَبُ التَّنْكِبَةَ وَيَعْتُرُ الْعُتْرَةَ وَيُمْرُضُ الْمُرْضَةَ وَيُشَاكُ الشُّوَكَةَ وَمَا أَشْبَهَ هَذَا حَتَّى ذَكَرَ فِي حَدِيثِهِ اخْتِلَاجَ الْعَيْنِ^١

١١. عَنْ مُفَضَّلٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

كَلِمًا ارْذَادَ الْعَبْدِ إِيْمَانًا ارْذَادَ ضَيْقًا فِي مَعِيشَتِهِ^٢.

ارزش دنیا

١٢. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِجُدِيٍّ أَسَاكَ مُلْقَى عَلَى مَرْبَلَةٍ مَيْتًا فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ كَمْ يُسَاوِي هَذَا فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دِرْهَمًا فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا الْجُدِيِّ عَلَى أَهْلِهِ^٣

استغفار

١٣. عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَهِيَ تَتَلَأَلُ^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٨، باب شدة ابتلاء المؤمن، حدیث ٢٦.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦١، باب فضل فقراء المسلمين، حدیث ٤.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ١٢٩، باب ذم الدنيا والزهد فيها، حدیث

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٠٤، باب الاستغفار، حدیث ٢.



۱۰. از مسعده بن صدقه، از امام صادق علیه السلام که فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود: از رحمت خدا دور است هر مالی که زکاتش داده نشود؛ از رحمت خدا به دور است هر بدنی که زکاتش داده نشود، اگر چه هر چهل روز یک بار باشد. گفته شد: ای رسول خدا! زکات مال را بی شک می‌دانیم چیست؛ اما زکات بدن‌ها کدام است؟ به آنها فرمود: اینکه بدن‌ها آسیبی ببیند. امام علیه السلام فرمود: پس رنگ از رخ کسانی که آن سخن را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدند، پرید. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون دید رنگ رخساره‌شان تغییر کرده، به آنها فرمود: می‌دانید منظورم چه بود؟ گفتند: نه، ای رسول خدا. فرمود: این بود که گاه بر بدن شخص خراشی بیفتد یا پایش به جایی بخورد، یا بلغزد یا به بیماری مبتلا شود یا خاری به تنش فرو رود و مانند این - تا آنجا که حضرت در سخن خود موردی چون پریدن چشم را نیز متذکر شد - .



۱۱. از مفضل که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: هر اندازه که ایمان بنده افزون گردد، تنگ‌دستی‌اش بیشتر و زندگی‌اش سخت‌تر شود.

۱۲. از امام صادق علیه السلام که فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار بزغاله گوش بریده مرده‌ای که در زباله‌دان افتاده بود، گذر می‌کرد. پس رو به اصحاب کرد و فرمود: این، به چند می‌ارزد. گفتند: شاید اگر زنده بود، یک درهم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خدایی که جانم در دست او است، دنیا در پیشگاه خدا، بی‌ارزش‌تر است از این بزغاله نزد صاحبش.

۱۳. از عبید بن زراره که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه بنده فراوان استغفار کند، نامه عملش در حالی بالا رود که می‌درخشد.

١٤. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ قَالَ:

كُنَّا فِي مَجْلِسٍ نَظْلُبُ فِيهِ الْعِلْمَ وَ قَدْ نَفَدَتْ نَفَقَتِي فِي بَعْضِ الْأَسْفَارِ، فَقَالَ لِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا مَنْ تُؤَمِّلُ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ؟ فَقُلْتُ فُلَانًا، فَقَالَ إِذَا وَاللَّهِ لَا تُسْعَفُ حَاجَتُكَ وَلَا يَبْلُغُكَ أَمْلُكَ وَلَا تُنْجِحُ طَلِبَتُكَ! قُلْتُ: وَمَا عَلَّمَكَ رَحِمَكَ اللَّهُ؟ قَالَ: إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام حَدَّثَنِي أَنَّهُ قَرَأَ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: وَ عِزِّي وَ جَلَالِي وَ مَجْدِي وَ ارْتِفَاعِي عَلَى عَرْشِي لَا قَطْعَنَّ أَمَلٌ كُلُّ مُؤَمِّلٍ [مِنَ النَّاسِ] غَيْرِي بِالْيَأْسِ، وَلَا كُسُوتُهُ تَوْبَ الْمَدْلَةِ عِنْدَ النَّاسِ، وَلَا تُحَيِّنُهُ مِنْ قُرْبِي، وَلَا بَعْدَهُ مِنْ فَضْلِي. أَيْؤَمِّلُ غَيْرِي فِي السَّدَائِدِ وَ السَّدَائِدِ بِيَدِي. وَ يَرْجُو غَيْرِي وَ يَفْرَعُ بِالفِكْرِ بَابَ غَيْرِي؟ وَ بِيَدِي مَفَاتِيحَ الْأَبْوَابِ وَ هِيَ مُغْلَقَةٌ وَ بَابِي مَفْتُوحٌ لِمَنْ دَعَانِي. فَمَنْ ذَا الَّذِي أَمَلَنِي لِتَوَائِبِهِ فَقَطَعْتُهُ دُونَهَا؟! وَ مَنْ ذَا الَّذِي رَجَانِي لِعَظِيمَةٍ فَقَطَعْتُ رَجَاءَ مَيِّ؟ جَعَلْتُ أَمَالَ عِبَادِي عِنْدِي مَحْمُوظَةً فَلَمْ يَرْضَوْا بِحِفْظِي، وَ مَلَأْتُ سَمَاوَاتِي مِمَّنْ لَا يَمَلُ مِنْ تَسْبِيحِي وَ أَمَرْتُهُمْ أَنْ لَا يُغْلِقُوا الْأَبْوَابَ بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي فَلَمْ يَتَّقُوا بِقَوْلِي. أَلَمْ يَعْلَمْ [أَنَّ] مَنْ طَرَفْتُهُ نَائِبَةً مِنْ نَوَائِبِي أَنَّهُ لَا يَمْلِكُ كَشْفَهَا أَحَدٌ غَيْرِي إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِي، فَمَا لِي أَرَاهُ لَاهِيًا عَنِّي أَعْظِيئُهُ بِجُودِي مَا لَمْ يَسْأَلْنِي، ثُمَّ انْتَزَعْتُهُ عَنْهُ فَلَمْ يَسْأَلْنِي رَدَّهُ وَ سَأَلَ غَيْرِي. أَفَيْرَانِي أَبَدًا بِالْعَطَاءِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ ثُمَّ أَسْأَلَ فَلَا أُجِيبُ سَائِلِي؟! أَلْبَخِيلُ أَنَا فَيُبْخَلُنِي عَبْدِي؟ أَوْ لَيْسَ الْجُودُ وَ الْكِرْمُ لِي؟ أَوْ لَيْسَ الْعَفْوُ وَ الرَّحْمَةُ بِيَدِي؟ أَوْ لَيْسَ أَنَا مَحَلُّ الْأَمَالِ فَمَنْ يَقْطَعُهَا دُونِي؟ أَوْ فَلَا يَخْشَى الْمُؤَمِّلُونَ أَنْ يُؤَمِّلُوا غَيْرِي؟ فَلَوْ أَنَّ أَهْلَ سَمَاوَاتِي وَ أَهْلَ أَرْضِي أَمَلُوا جَمِيعًا ثُمَّ أُعْطِيتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مِثْلَ مَا أَمَلَّ الْحَاجِيعُ مَا انْتَقَصَ مِنْ مُلْكِ مِثْلٍ عَضْوِ ذَرَّةٍ، وَ كَيْفَ يَنْقُصُ مُلْكُ أَنَا قِيَمُهُ، فَيَا بُؤْسًا لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِي وَ يَا بُؤْسًا لِمَنْ عَصَانِي وَ لَمْ يَرَأُونِي!

١٠١. اصول کافی، ج ٢، ص ٦٦، باب التَّوْبِيعِ إِلَى اللَّهِ وَ التَّوَكُّلِ عَلَيْهِ، حَدِيث ٧.



۱۴. از حسین بن علوان که گفت: روزی در مجلسی به طلب علم، نشسته بودیم. پیش از آن در مسافرتی، هزینه زندگی ام را از کف داده بودم. یکی از دوستانم به من گفت: برای رفع این مشکل به که امید داری؟ گفتم: فلائی. گفت: به خدا قسم در این صورت، نیازت بر آورده نخواهد شد، به آرزویت نمی‌رسی و خواسته‌ات تحقق نمی‌یابد. گفتم: از کجا می‌دانی؟ خدایت رحمت کناد! گفت: امام صادق علیه السلام برایم روایت کرد که در کتابی خوانده است که خدای تبارک و تعالی فرموده: به عزت و عظمت و بزرگواری و بالانشینی‌ام بر عرش سوگند که امید هر که را به غیر من امید بندد، به ناامیدی قطع کنم، و نزد مردمان لباس خواری و ذلت بر او بپوشانم و او را از درگاه خود برانم و از فضل و عنایت خود دور گردانم. آیا در مشکلات و گرفتاری‌ها به غیر من امید می‌بندد، در حالی که سختی‌ها به دست من است؟ و آیا به دیگری امیدوار است و به فکر و اندیشه، دری غیر درگاه مرا می‌کوبد، حال آنکه کلید درهای بسته نزد من است و درگاه من برای آن که مرا بخواند، باز است؟ کیست که برای رفع گرفتاری‌هایش به من امید بندد و من ناامیدش گردانم و کیست که در کارهای بزرگش به من امیدوار باشد و من رشته امیدش را از خود قطع نمایم؟ من آرزوهای بندگانم را نزد خود نگاه داشته‌ام، اما آنها به حفظ کردن من راضی نیستند، و آسمان‌هایم را از فرشتگانی که از تسبیح من خسته نمی‌شوند، پُر کرده‌ام و فرمانشان داده‌ام که درهای بین من و بندگانم را هرگز نبندند، اما ایشان به سخن من اعتماد ندارند. آیا انسان نمی‌داند که هر گاه حادثه‌ای از حوادث من او را در هم بکوبد، هیچ کس جز من نمی‌تواند آن را برطرف نماید، مگر پس از اجازه من. پس چه شده است که می‌بینم روی گردان است؟ به جود و بخشش خود به او نعمت‌هایی داده‌ام که از من درخواست نکرده، آنگاه آنها را از او بازپس گرفته‌ام، اما از من نخواستند آنها را به او باز گردانم، و از دیگری درخواست نموده است. آیا چنین می‌اندیشد که من پیش از درخواست، به بندگانم می‌بخشم، اما چون از من چیزی بخواهند، درخواست کننده را جواب نمی‌گویم؟ آیا من بخیلیم که بنده‌ام مرا بخیل می‌داند؟ آیا جود و کرم از من نیست؟ و آیا گذشت و رحمت به دست من نیست؟ آیا من محل آرزوها نیستم؟ پس که می‌تواند مانع رسیدن آنها به من شود. آیا آرزوداران، از امید بستن به غیر من بیمناک نیستند؟ بی‌شک اگر تمام آسمانیان و زمینیان امید ببندند و من به هر کلام آنها به اندازه تمام آنچه همگان آرزو دارند، بدهم، به قدر عضو مورچه‌ای از دارائی من کاسته نمی‌شود و چگونه کاسته شود آن ملک و دارایی که من سرپرست آنم، پس بدا به حال ناامیدان از رحمت من، و بدا به حال کسی که نافرمانیم کند و پروای من نکند.



طاعات الهى

١٥. عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّي مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِذَا أُطِغْتُ رَضِيْتُ وَإِذَا رَضِيْتُ بَارَكْتُ
وَلَيْسَ لِبِرْكَتِي نَهَائَةٌ وَإِذَا غَضِبْتُ غَضِبْتُ وَإِذَا غَضِبْتُ لَعْنْتُ وَلَعْنَتِي تَبْلُغُ
السَّاعِ مِنَ الْوَرَى!

انصاف

١٦. عَنِ الْحَسَنِ الْبَرَّازِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ثَلَاثٌ قُلْتُ بَلَى قَالَ إِنْصَافُ النَّاسِ
مِنْ نَفْسِكَ وَمُؤَاوَاتِكَ أَخَاكَ وَذِكْرُ اللَّهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ سُبْحَانَ
اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَإِنْ كَانَ هَذَا مِنْ ذَاكَ وَلَكِنْ ذِكْرُ
اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا هَجَمْتَ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ عَلَى مَعْصِيَةٍ!

ايمان

١٧. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
لَا يَجِدُ أَحَدَكُمْ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَمَا
أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ!

١٨. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرًا مَا يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ! دِينَكُمْ
دِينُكُمْ فَإِنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي عَيْرِهِ وَالسَّيِّئَةَ فِيهِ تُغْفَرُ وَالْحَسَنَةَ
فِي عَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ!

١. اصول كافي، ج ٢، ص ٢٧٥، باب الذنوب، حديث ٢٦.
٢. اصول كافي، ج ٢، ص ١٤٥، باب الانصاف والعدل، حديث ٨.
٣. اصول كافي، ج ٢، ص ٥٨، باب فضل اليقين، حديث ٤.
٤. اصول كافي، ج ٢، ص ٤٦٥، باب ان الایمان لا یضر...، حديث ٢.



۱۵. از سلیمان بن جعفری، از امام رضا علیه السلام که فرمود:
خدای عزوجل به یکی از پیغمبران وحی فرستاد که: چون اطاعت شوم،
خورسند گردم و چون خورسند گردم، برکت دهم و برای برکت من
پایانی نیست. و هر گاه عصیان شوم، به خشم آیم و چون به خشم آیم،
لعنت کنم و لعنت من به هفت پشت برسد.

۱۶. از حسن بزاز که گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود:
آیا به سه چیز از سخت ترین اموری که خدا بر بندگانش واجب کرده،
آگاهت نکنم؟ گفتم: چرا؟

فرمود: منصفانه برخورد کردن تو با مردم، هم‌دردی با برادرت، به یاد
خدا بودن در هر جا. منظور من از یاد خدا «سبحان الله و الحمد لله و
لا اله الا الله و الله اکبر» گفتن نیست؛ اگر چه این هم یاد خدا است، اما
ذکر خدا، به یاد خدا بودن است آنگاه که به اطاعت یا معصیتی اقدام
می‌کنی.

۱۷. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:
هیچ یک از شما مزه ایمان را نخواهد چشید تا اینکه بداند، آنچه به
او رسیده، نمی‌توانست خطا باشد و به او نرسد، و آنچه به او نرسیده،
ممکن نبود به او اصابت کند و برسد.

۱۸. از محمد بن ریّان بن صلت، به سند مرفوع از امام صادق علیه السلام که فرمود:
امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه خود، بسیار می‌فرمود: ای مردم! دینتان را
پباید، دینتان را. بی‌شک بدی در این دین، بهتر است از نیکی در
دین‌های دیگر. گناه و بدی در این دین آمرزیده است و نیکی در غیر
آن، پذیرفته نمی‌شود.





١٩. عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
فُلْتُ لَهُ مَا الَّذِي يُثَبِّتُ الْإِيمَانَ فِي الْعَبْدِ قَالَ الْوَرَعُ وَالَّذِي يُخْرِجُهُ مِنْهُ قَالَ الظَّمْعُ^١.

بداخلاقي

٢٠. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْحَلُّ الْعَسَلَ^٢.

برآوردن حاجت مؤمن

٢١. عَنْ صَدَقَةَ الْأَحْدَبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَتَقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ مُخْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ^٣.

٢٢. عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
مَنْ ظَافَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ
سِتَّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ دَرَجَةٍ قَالَ وَ زَادَ فِيهِ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ وَ
قَضَى لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَاجَةٍ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ
وَ طَوَافٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا^٤.

٢٣. عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَا قَضَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ قَوْلًا بَكَ وَ لَا أَرْضَى
لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ^٥.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ٣٢٠، باب الطمع، حديث ٤.

٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٣٢١، باب سوء الخلق، حديث ١.

٣. اصول كافي، ج ٢، ص ١٩٣، باب قضاء حاجة المؤمن، حديث ٣.

٤. اصول كافي، ج ٢، ص ١٩٤، باب قضاء حاجة المؤمن، حديث ٦.

٥. اصول كافي، ج ٢، ص ١٩٤، باب قضاء حاجة المؤمن، حديث ٧.





۱۹. از سعدان که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه چیز ایمان را در بنده استوار می‌سازد؟ فرمود: پرهیز از محرّمات. [گفتم:] و چه چیز بنده را از ایمان خارج می‌کند؟ فرمود: طمع.

۲۰. از عبدالله بن سنان، از امام صادق علیه السلام که فرمود: بد اخلاقی، عمل را تباه می‌کند، همچنان که سرکه غسل را.

۲۱. از صدقة الاحدب، از امام صادق علیه السلام که فرمود: بر آوردن نیاز انسان مؤمن بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و بهتر است از تجهیز کردن هزار اسب برای جهاد در راه خدا.

۲۲. از ابان بن تغلب که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس هفت شوط گرد کعبه طواف کند، خدای عزوجل برایش شش هزار نیکی می‌نویسد و شش هزار گنااهش را می‌زداید و مرتبه‌اش را شش هزار درجه می‌افزاید - و اسحاق بن عمار این عبارت را افزوده است: و شش هزار حاجش را برآورده می‌کند - آنگاه فرمود: نیاز مؤمن را بر آوردن، از یک طواف و دو طواف - و تا ده طواف شمرد - با فضیلت تر است.

۲۳. از بکر بن محمد، از امام صادق علیه السلام که فرمود: هیچ مسلمانی نیاز مسلمانی را برآورده نکند مگر اینکه خدای تبارک و تعالی او را ندا دهد: پاداش تو بر عهده من است، و من به کمتر از بهشت برای تو راضی نخواهم بود.



برآوردن حاجت مؤمن

٢٤. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

تَنَافَسُوا فِي الْمَعْرُوفِ لِإِخْوَانِكُمْ وَ كُونُوا مِنْ أَهْلِهِ فَإِنَّ لِلْحَيَّةِ بَاباً يُقَالُ لَهُ الْمَعْرُوفُ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا مَنْ اصْطَنَعَ الْمَعْرُوفَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَمِشِي فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَيُوَكِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مَلَكَئِينَ وَاحِدًا عَنْ يَمِينِهِ وَ آخَرَ عَنْ شِمَالِهِ يَسْتَغْفِرَانِ لَهُ رَبَّهُ وَ يَدْعُوَانِ بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ لَرَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَسْرُ بِقَضَاءِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْهِ مِنْ صَاحِبِ الْحَاجَةِ ١.

٢٥. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى عليه السلام أَنْ مِنْ عِبَادِي مَنْ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْحَسَنَةِ فَأَحْكَمُهُ فِي الْحَيَّةِ فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ وَ مَا تِلْكَ الْحَسَنَةُ قَالَ يَمِشِي مَعَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ فُضِبَتْ أَوْ لَمْ تُقْضَ ٢.

٢٦. عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخُرَازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ طَلَبَ وَجْهَ اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ يَغْفِرُ فِيهَا لِأَقْرَبِيهِ وَ جِيرَانِيهِ وَ إِخْوَانِيهِ وَ مَعَارِفِيهِ وَ مَنْ صَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفًا فِي الدُّنْيَا فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قِيلَ لَهُ ادْخُلِ النَّارَ فَمَنْ وَجَدْتُهُ فِيهَا صَنَعَ إِلَيْكَ مَعْرُوفًا فِي الدُّنْيَا فَأَخْرَجَهُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاصِبًا ٣.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ١٩٥، باب قضاء حاجة المؤمن، حديث ١٠.
٢. اصول کافی، ج ٢، ص ١٩٥، باب قضاء حاجة المؤمن، حديث ١٢.
٣. اصول کافی، ج ٢، ص ١٩٧، باب السعي في حاجة المؤمن، حديث ٦.



۲۴. از ابوبصیر که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:
در نیکی کردن به برادران خود، با هم مسابقه بگذارید و اهل این کار
باشید که برای بهشت دری است به نام «معروف» و جز آنان که در
زندگی دنیایشان خیر و نیکی کرده‌اند، از آن در وارد بهشت نشوند.
آنگاه که بنده به راه می‌افتد تا نیاز برادر مؤمنش را برآورد، خداوند
عزوجل دو فرشته را، یکی از طرف چپ و یکی از طرف راست، بر
او می‌گمارد، که برای او از پروردگارش آمرزش بطلبند و دعا کنند که
حاجتش روا گردد.
سپس فرمود: به خدا سوگند! چون مؤمن به حاجت خود برسد، رسول
خدا صلی الله علیه و آله از او خوشحال تر خواهد شد.



۲۵. از محمد بن قیس، از امام باقر علیه السلام که فرمود:
خدای عزوجل به موسی علیه السلام وحی فرستاد که: بعضی بندگان من، با کار
نیک به من تقرب می‌جویند، من چنین بنده‌ای را در بهشت صاحب
اختیار قرار می‌دهم.
موسی علیه السلام گفت: پروردگارا! آن کار نیک چیست؟ فرمود: با برادر مؤمنش
همراه می‌شود تا نیازش را برآورد. چه بر آورده بشود چه نشود.

۲۶. از ابویوب خزّاز، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر کس به خاطر خدا، در روا کردن حاجت برادر مسلمان خود سعی
نماید، خدای عزوجل هزار هزار نیکی برایش ثبت کند و بدین سبب،
نزدیکان و همسایگان و برادران و آشنایانش آمرزیده شوند. و هر کس
در دنیا به این بنده نیکی کرده باشد، چون روز قیامت شود، به او گویند
وارد آتش شو و هر که را یافتی که در دنیا به تو نیکی کرده است، به
اذن خدا، از آتش خارج کن، مگر آنکه دشمن اهل بیت علیهم السلام باشد.

برآوردن حاجت مؤمن

٢٧. عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُتَحِفُ أَحَاهُ التُّحْفَةَ قُلْتُ وَ أَيُّ شَيْءٍ التُّحْفَةُ قَالَ مِنْ مَجْلِسٍ وَ مُتَّكَأٍ وَ طَعَامٍ وَ كِسْوَةٍ وَ سَلَامٍ فَتَطَاوَلَ الْجَنَّةُ مُكَافَأَةً لَهُ وَ يُوجِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهَا أَيُّ قَدْ حَرَمْتُ طَعَامَكَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَّا عَلَى نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهَا أَنْ كَافِي أَوْلِيَائِي بِتُحْفِهِمْ فَيُخْرِجُ مِنْهَا وَصَفَاءً وَ وَصَائِفَ مَعَهُمْ أَطْبَاقُ مَعْطَاةٍ بِمَنَادِيلٍ مِنْ لَوْلُؤٍ فَإِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ وَ هَوَّلَهَا وَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَا فِيهَا طَارَتْ عُقُولُهُمْ وَ امْتَنَعُوا أَنْ يَأْكُلُوا فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ حَرَّمَ جَهَنَّمَ عَلَى مَنْ أَكَلَ مِنْ طَعَامِ جَنَّتِهِ فَيَمُدُّ الْقَوْمُ أَيْدِيَهُمْ فَيَأْكُلُونَ^١.

٢٨. عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي يَا مُفَضَّلُ! اسْمَعْ مَا أَقُولُ لَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ الْحَقُّ وَ أَفْعَلُهُ وَ أَخْبِرْ بِهِ عِلِّيَّةَ إِخْوَانِكَ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا عِلِّيَّةُ إِخْوَانِي قَالَ: الرَّاعِبُونَ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِهِمْ. قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ مِنْ ذَلِكَ أَوْلَهَا الْجَنَّةُ وَ مِنْ ذَلِكَ أَنْ يُدْخَلَ قَرَابَتَهُ وَ مَعَارِفَهُ وَ إِخْوَانُهُ الْجَنَّةَ بَعْدَ أَنْ لَا يَكُونُوا نَصَابًا وَ كَانَ الْمُفَضَّلُ إِذَا سَأَلَ الْحَاجَةَ أَخَا مِنْ إِخْوَانِهِ قَالَ لَهُ أَمَا تَشْتَهِي أَنْ تَكُونَ مِنْ عِلِّيَّةِ الْإِخْوَانِ^٢.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٠٧، باب فی الطاف المؤمن، حدیث ٧.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ١٩٢، باب قضاء حاجة المؤمن، حدیث ١.



۲۷. از مفضل، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

مؤمن به برادرش پیشکش می‌دهد. گفتیم: آن پیشکش چیست؟ فرمود: جای نشستن، متکا، خوراک، پوشاک و سلام. و بهشت به پاداش این عمل، برای مؤمن گردن می‌کشد و خدای عزوجل به بهشت وحی می‌فرستد که: من خوراک تو را بر اهل دنیا حرام کردم مگر بر پیامبر و وصی پیامبر.

در روز قیامت، خدای عزوجل بهشت را مخاطب می‌سازد که: دوستان مرا به تحفه‌هاشان پاداش ده. پس غلامان و حوریان بهشتی از آن بیرون آیند در حالی که طبق‌هایی با سرپوش مروارید همراه دارند. اولیاء خدا چون به جهنم و وحشتش نگرند و بهشت و آنچه در آن است را مشاهده کنند، عقل از سرشان بپرد و از خوردن امتناع ورزند. در این وقت، از فرودست عرش منادی ندا دهد: خدای عزوجل جهنم را بر آن که از خوردنی‌های بهشت تناول کند، حرام گردانیده. پس ایشان دست دراز کنند و بخورند.



۲۸. از مفضل که گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

ای مفضل! آنچه می‌گوییم، بشنو و بدان که حق است. خود آن را انجام ده و برادران بزرگوارت را نیز از آن آگاه ساز. گفتیم: فدایتان شوم! برادران بزرگوار من کیانند؟ فرمود: آنان که به روا ساختن حاجات برادران خویش رغبت می‌ورزند.

سپس فرمود: هر کس یک نیاز برادر مؤمن خود را برآورد، خدای عزوجل در قیامت، صد هزار حاجت او را برآورده می‌کند که یک نمونه‌اش بهشت است و نمونه دیگرش آن که نزدیکان و آشنایان و برادران آن مؤمن را به بهشت وارد می‌کند، البته اگر از دشمنان اهل بیت علیهم السلام نباشد. و رسم مفضل این بود که چون از یکی از برادرانش درخواست حاجتی می‌کرد به او می‌گفت: آیا نمی‌خواهی که از برادران بزرگوار باشی؟

برآوردن حاجت مؤمن

۲۹. عَنْ صَدَقَةَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ حُلْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَأَنْ أُمَشِيَّ فِي حَاجَةِ أَخٍ لِي مُسْلِمٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ وَأَحْمَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ مُسْرَجَةٍ مُلْجَمَةٍ!

برادری

۳۰. عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ تَبَبَّضْتُ بَيْنَ يَدَيْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ رَبِّمَا حَزَنْتُ مِنْ غَيْرِ مُصِيبَةٍ تُصِيبُنِي أَوْ أَمْرٍ يَنْزِلُ بِي حَتَّى يَعْرِفَ ذَلِكَ أَهْلِي فِي وَجْهِهِ وَصَدِيقِي فَقَالَ نَعَمْ يَا جَابِرُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينَةِ الْحِثَّانِ وَاجْرَى فِيهِمْ مِنْ رِيحِ رُوحِهِ فَلِذَلِكَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ فَإِذَا أَصَابَ رُوحًا مِنْ تِلْكَ الْأَرْوَاحِ فِي بَلَدٍ مِنَ الْبُلْدَانِ حُزْنٌ حَزَنْتَ هَذِهِ لِأَنَّهَا مِنْهَا!

۳۱. عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَيْبِيءُ أَحَدَكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيُدْخِلُ يَدَهُ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ فَقُلْتُ مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فِينَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فَلَا شَيْءَ إِذَا قُلْتَ فَأَلْهَأَكَ إِذَا فَقَالَ إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا أَحْلَامَهُمْ بَعْدُ!

۳۲. عَنْ أَبِي حَمزة عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ زَارَ أَخَاهُ لِلَّهِ لَا لِقَبْرِهِ التَّمَّاسِ مَوْعِدِ اللَّهِ وَتَنْجَرَ مَا عِنْدَ اللَّهِ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُتَادُونَهُ أَلَّا طَبَّتْ وَطَابَتْ لَكَ الْحِجَّةُ!

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۷، باب السعی فی حاجه المؤمن، حدیث ۴.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۶، باب اخوة المؤمنین، حدیث ۲.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۴، باب حق المؤمن، حدیث ۱۳.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۵، باب زیارة الاخوان، حدیث ۱.



۲۹. از صدقه، از مردی حُلوانی، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
اینکه در برآوردن حاجت برادر مسلمان خود قدمی بردارم، برایم بهتر
است از آزادکردن هزار بنده و تجهیز نمودن هزار اسب، با زین و لجام،
برای جهاد و در راه خدا.

۳۰. از جابر جعفی که گفت: پیش روی امام باقر علیه السلام نشستم و گفتم:
فدایتان شوم! گاه بی آنکه مصیبتی به من برسد یا مشکلی پیش آید،
غمگین می شوم، چندان که اهل خانه و دوستانم آثار اندوه را در
چهره‌ام می بینند!

امام فرمود: آری! ای جابر! خدای عزوجل مؤمنان را از خاک بهشت
آفرید و روح خود را در آنان جاری ساخت. از این رو، مؤمن برادر
تنی مؤمن دیگر است و هر گاه در جایی، یکی از ارواح مؤمنان محزون
گردد، روح دیگر نیز غمگین می شود، چون از یک اصل و ریشه‌اند.

۳۱. از سعید بن حسن که گفت: امام باقر علیه السلام فرمود:
آیا چنین است که شما نزد برادر خود می روید و دست در جیب او
می کنید و به قدر نیاز خود بر می دارید و او مانع نمی شود؟
گفتم: چنین چیزی را در بین خود سراغ نداریم. فرمود: پس هیچ. گفتم:
پس هلاکت و عذاب؟ فرمود: این مردم، هنوز عقل هاشان کامل نشده
است.

۳۲. از ابو حمزه، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر که به خاطر خدا و نه چیز دیگر، و برای درخواست وعده‌های الهی و
دریافت آنچه نزد خدا است، برادر خود را دیدار کند، خداوند هفتاد هزار
فرشته بر او بگمارد که ندا دهند: پاک شدی و بهشت خوشایندت باد.



برادری

۳۳. عَنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ زَارَ أَحَاهُ فِي اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنِّي زُرْتُ وَتَوَائِبُكَ عَلَيَّ وَ لَسْتُ أَرْضَى
لَكَ تَوَاباً دُونَ الْحَيَّةِ!

۳۴. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُخْرَجُ إِلَى أَحْيِيهِ يَزُورُهُ فَيُؤَكِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكًا فَيَضَعُ جَنَاحًا
فِي الْأَرْضِ وَ جَنَاحًا فِي السَّمَاءِ يُظِلُّهُ فَإِذَا دَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ نَادَى الْجَبَّارُ تَبَارَكَ
وَتَعَالَى أَيُّهَا الْعَبْدُ الْمُعْظَمُ لِحَقِّي الْمُتَّبِعِ لِأَثَارِ نَبِيِّ حَقِّ عَلَيَّ إِعْظَامُكَ سَلْنِي
أُعْطِكَ ادْعُنِي أُجِيبَكَ اسْكُتْ أَبْتَدِئُكَ فَإِذَا انْصَرَفَ شَيَعَهُ الْمَلِكُ يُظِلُّهُ بِجَنَاحِهِ
حَتَّى يَدْخُلَ إِلَى مَنْزِلِهِ ثُمَّ يُنَادِيهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَيُّهَا الْعَبْدُ الْمُعْظَمُ لِحَقِّي حَقِّ عَلَيَّ
إِكْرَامُكَ قَدْ أُوجِبْتُ لَكَ جَنَّتِي وَ شَفَعْتُكَ فِي عِبَادِي!

بصیرت

۳۵. عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا
بُعْدًا!

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۶، باب زیارة الاخوان، حدیث ۴.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۸، باب زیارة الاخوان، حدیث ۱۲.
۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴، باب مَنْ عَمِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ، حدیث ۱.



۳۳. از حصین، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر که برای خدا برادرش را زیارت کند، خدای عزوجل فرماید: به زیارت من آمدی و پاداش تو بر عهده من است و من غیر از بهشت برای تو، به پاداش دیگری راضی نمی شوم.

۳۴. از عبدالله بن محمد جعفی، از امام باقر علیه السلام که فرمود:
گاه شخص مؤمن برای دیدن برادرش، خارج می شود، پس خدای عزوجل فرشته ای می گمارد تا یک بال خود را در زمین و دیگری را در آسمان بالای سر آن شخص، بگستراند. چون مؤمن وارد خانه برادرش شود، خدای تبارک و تعالی فرماید: ای بنده ای که حق مرا بزرگ داشتی و آثار پیامبر مرا تبعیت کردی، بر من لازم آمد که تو را بزرگ بدارم، اکنون بخواه تا بدهم و دعا کن تا اجابت نمایم و خاموش باش تا به نفع تو آغاز کنم. چون برگردد، همان فرشته در حالی که بال خود را سایه سر او قرار داده، بدرقه اش کند تا به خانه اش وارد شود. آنگاه خدای تبارک و تعالی ندا دهد: ای بنده ای که حق مرا بزرگ داشتی! واجب است که تو را اکرام کنم. اینک بهشتم را بر تو حتمی ساختم و شفاعت تو در حق بندگانم را پذیرا شدم.

۳۵. از طلحة بن زید که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: آن که بدون بصیرت و فهم درست، عمل می کند، همچون کسی است که بیراهه می رود و تند رفتنش جز به دور شدن از راه نمی انجامد.



٣٦. عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرْقِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

دُعِيَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى طَعَامٍ فَلَمَّا دَخَلَ مَنْزِلَ الرَّجُلِ نَظَرَ إِلَى دَجَاجَةٍ فَوْقَ حَائِطٍ قَدْ بَاصَتْ فَتَقَعُ الْبَيْضَةَ عَلَى وَتِدٍ فِي حَائِطٍ فَتَبَّتْ عَلَيْهِ وَ لَمْ تَسْقُطْ وَ لَمْ تَنْكَسِرْ فَتَعَجَّبَ النَّبِيُّ ﷺ مِنْهَا فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ أَعْجِبْتِ مِنْ هَذِهِ الْبَيْضَةِ فَوَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا زُرْتُ شَيْئاً قَطُّ قَالَ فَتَهَضَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ لَمْ يَأْكُلْ مِنْ طَعَامِهِ شَيْئاً وَقَالَ مَنْ لَمْ يُرْزَأْ فَمَا لِلَّهِ فِيهِ مِنْ حَاجَةٍ!

٣٧. عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَوْ لَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فِي قَلْبِهِ لِعَصَبَتْ رَأْسَ الْكَافِرِ بِعِصَابَةِ حَدِيدٍ لَا يُصَدِّعُ رَأْسُهُ أَبَداً.

پاداش نیکی و بدی

٣٨. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَدَمَ فِي ذُرِّيَّتِهِ مِنْ هَمٍّ بِحَسَنَةٍ وَ لَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَ مِنْ هَمٍّ بِحَسَنَةٍ وَ عَمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ بِهَا عَشْرًا وَ مِنْ هَمٍّ بِسَيِّئَةٍ وَ لَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَ مِنْ هَمٍّ بِهَا وَ عَمَلْهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ^٣

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٦، باب شدة ابتلاء المؤمن، حدیث ٢٠.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٧، باب شدة ابتلاء المؤمن، حدیث ٢٤.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٢٨، باب من هبهم بالحسنة او السيئة، حدیث ١.



۳۶. از ابوداود مسترق، در حدیث مرفوع از امام صادق علیه السلام که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به خوردن طعامی دعوت شد. چون به خانه میزبان در آمد، نگاهش به مرغی بالای دیوار افتاد که تخم گذاشته بود و آن تخم، زیر پای او، روی یک میخ دیوار قرار گرفته بود، بی آنکه بیفتد و بشکند. پیامبر صلی الله علیه و آله شگفت زده شد. میزبان به آن حضرت عرض کرد: از این تخم مرغ تعجب کردید؟! به خدایی که به حق تو را برانگیخته است سوگند که تا به حال امر ناگواری برای من پیش نیامده است. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله بی آنکه چیزی تناول کند، برخاست و فرمود: آن که بلایی نبیند، خدا را به او نیازی نیست (لطف و توجهی نیست).



۳۷. از ابواسامه، از امام صادق علیه السلام که فرمود: خدای عزوجل فرماید: اگر بنده مؤمن من دل آزرده نمی‌شد، سر انسان کافر را با دستمالی آهنین می‌بستم، تا هرگز سر درد نشود.

۳۸. از زراره، از امام باقر یا صادق علیه السلام که فرمود: خدای تبارک و تعالی این قانون را در فرزندان آدم گذاشت که هر کس به کار خیری مصمم شود؛ اما آن را انجام ندهد، برایش یک ثواب بنویسد، و هر کس تصمیم به کار خیری گرفت و آن را انجام داد، برایش ده ثواب قرار دهد، و هر کس خواست گناهی بکند و نکرد، آن گناه را ننویسد و هر کس عزم بر گناهی نمود و انجامش داد، یک گناه برایش ثبت کند.



پاداش نیکی و بدی

۳۹. عَنْ فَضْلِ بْنِ عُمَانَ الْمُرَادِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ لَمْ يَهْلِكْ عَلَى اللَّهِ بَعْدَهُنَّ إِلَّا هَالِكٌ بِهِمُ الْعَبْدُ بِالْحَسَنَةِ فَيَعْمَلُهَا فَإِنْ هُوَ لَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً بِحُسْنِ نِيَّتِهِ وَإِنْ هُوَ عَمِلَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرًا وَبِهِمُ بِالسَّيِّئَةِ أَنْ يَعْمَلَهَا فَإِنْ لَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ هُوَ عَمِلَهَا أَجَلَ سَبْعِ سَاعَاتٍ وَقَالَ صَاحِبُ الْحَسَنَاتِ لِصَاحِبِ السَّيِّئَاتِ وَهُوَ صَاحِبُ الشَّمَالِ لَا تَعْجَلْ عَسَى أَنْ يُتْبِعَهَا بِحَسَنَةٍ تَمْحُوهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ أَوْ الْإِسْتِغْفَارِ فَإِنْ هُوَ قَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ الْغَفُورِ الرَّحِيمِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَاتُّوبُ إِلَيْهِ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ مَضَتْ سَبْعُ سَاعَاتٍ وَلَمْ يُتْبِعَهَا بِحَسَنَةٍ وَاسْتَغْفَرَ قَالَ صَاحِبُ الْحَسَنَاتِ لِصَاحِبِ السَّيِّئَاتِ اكْتُبْ عَلَى الشَّقِيِّ الْمَحْرُومِ

پوشش گناهان

۴۰. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ جُنَّةً حَتَّى يَعْمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً فَإِذَا عَمِلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً انْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجُنُنُ فَيُوجِي اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَنْ اسْتُرُوا عَبْدِي بِأَجْنِحَتِكُمْ فَتَسْتُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا قَالَ فَمَا يَدْعُ شَيْئًا مِنَ الْقَبِيحِ إِلَّا قَارَفَهُ حَتَّى يَمْتَدِّحَ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئًا إِلَّا رَكِبَهُ وَإِنَّا لَنَسْتَحْيِي مِمَّا يَصْنَعُ فَيُوجِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ أَنْ ارْفَعُوا أَجْنِحَتِكُمْ عَنْهُ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَحَدٌ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْهَيْتُكَ سِتْرُهُ فِي السَّمَاءِ وَ سِتْرُهُ فِي الْأَرْضِ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوكَ السِّرِّ فَيُوجِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ لَوْ كَانَتْ لِلَّهِ فِيهِ حَاجَةٌ مَا أَمَرَكُمْ أَنْ تَرْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ ۲.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۹، باب من یسّم بالحسنة او السيئة، حدیث ۴.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۹، باب الكبائر، حدیث ۹.





۳۹. از فضل بن عثمان مرادی که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چهار ویژگی است که در هر کس باشد، در پیشگاه خداوند هلاک نخواهد شد مگر آنکه از هالکین باشد: گناه بنده‌ای قصد کار نیک می‌کند که آن را انجام دهد، اگر آن کار را نکند، خداوند به جهت نیت نیک او، یک حسنه برایش می‌نویسد و اگر انجامش دهد، برایش ده حسنه بنویسد. و گاه آهنگ کار بد می‌کند که انجام دهد؛ اگر آن کار را نکند، چیزی برایش نوشته نخواهد شد و اگر انجامش دهد، هفت ساعت به او مهلت دهند، و فرشته موکل خوبی‌ها به فرشته موکل بدی‌ها که طرف چپ است گوید: شتاب مکن، شاید کار نیکی انجام دهد و آن بدی را از بین ببرد، که خدای عزوجل می‌فرماید: «خوبی‌ها، بدی‌ها را می‌برد»، یا آمرزش بخواهد و بگوید: «آمرزش می‌طلبم از خدایی که جز او خدایی نیست و او دانای نهانی‌ها و امور آشکار و عزتمند و حکیم و بخشنده و بخشایشگر و دارای عظمت و بزرگواری است، و از گناه به سوی او باز می‌گردم»، در این صورت چیزی برای او نوشته نمی‌شود. و اگر آن هفت ساعت بگذرد و پس از بدی، کار نیکی انجام ندهد و استغفار نکند، فرشته موکل خوبی‌ها به فرشته موکل بدی‌ها گوید: بنویس گناه را بر این تیره بختِ محروم».



۴۰. از عبدالله بن مسکان، از امام صادق علیه السلام که فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه چهل پرده بر او کشیده شده است تا اینکه چهل گناه کبیره انجام دهد و آن پرده‌ها از او برداشته شود. پس خدای تعالی به فرشته‌ها فرماید: بنده‌ام را با بال‌های خود بپوشانید. فرشتگان نیز چنین کنند. پس آن بنده هر کار زشتی را انجام دهد و به زشتکاری خود، بر مردم فخر بفروشد؛ فرشتگان گویند: «پروردگارا! این بنده تو هر بدی و گناه را انجام داد و از آنچه می‌کند، شرم داریم. پس خداوند به آنها وحی می‌فرماید که «بال‌های خود را از او بردارید». چون این اتفاق بیفتد، آن بنده دچار دشمنی ما اهل بیت علیهم السلام شود و در این حالت، در آسمان و زمین پرده‌ها از او برداشته شود و رسوا گردد. فرشتگان گویند: «پروردگارا! این بنده تو رسوا مانده است» پس خدای عزوجل به آنها وحی کند: «اگر خدا به او نیاز و عنایتی می‌داشت به شما نمی‌فرمود که بال‌هایتان را از او بردارید».

تحقير مؤمن

٤١. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مَسْكِينًا أَوْ غَيْرَ مَسْكِينٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَاقِرًا لَهُ مَا قَاتَا
حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مُحَقَّرَتِهِ إِلَيْهَا^١.

تقوى

٤٢. عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
مَا نَقَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدًا مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى إِلَّا أَعْنَاهُ مِنْ غَيْرِ
مَالٍ وَأَعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ وَأَنْسَهُ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ^٢.

تواضع

٤٣. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكَئِينَ مُوَكَّلَيْنِ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَمَنْ
تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ^٣.

٤٤. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام يَا دَاوُدُ كَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ
الْمُتَوَاضِعُونَ كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَكَبِّرُونَ^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٣٥١، باب من اذى المسلمين...، حديث ٤.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٧٦، باب اطاعة التقوى، حديث ٨.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ١٢٢، باب التواضع حديث ٢.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ١٢٣، باب التواضع، حديث ١١.



۴۱. از محمد بن ابی حمزه، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر کس مؤمن بینوا یا غیر بینوا را تحقیر نماید، خدای عزوجل، پیوسته
او را خوار و دشمن می‌دارد، تا اینکه از کوچک شمردن مؤمن دست
بردارد.

۴۲. از یعقوب بن شعیب که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
خدای عزوجل بنده‌ای را از خواری گناهان به عزت تقوا منتقل نمی‌کند،
مگر اینکه بدون مال و ثروت، بی‌نیازش می‌سازد و بدون خویشان و
بستگان عزیزش می‌گرداند و بی‌وجود آدمی، او را (با خود) مأنوس
قرار می‌دهد.

۴۳. از امام صادق علیه السلام که فرمود: [راوی گوید:] شنیدم آن
حضرت علیه السلام می‌فرماید: در آسمان دو فرشته موکل بندگان خدایند. هر
کس فروتنی کند برای خدا، آن دو او را بالا ببرند، و هر کس تکبر
ورزد، خوار و ذلیلش کنند.

۴۴. از امام صادق علیه السلام که فرمود: از جمله وحی‌های خدای عزوجل
به داود علیه السلام این بود: ای داود! همچنان که نزدیک‌ترین مردم به خدا،
انسان‌های فروتن هستند، دورترین مردم از خدا نیز متکبران‌اند.





٤٥. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِسَنَةٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ السَّنَةَ لَكَثِيرَةٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِشَهْرٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الشَّهْرَ لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِجُمُعَةٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْجُمُعَةَ لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِيَوْمٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ يَوْمًا لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ يُعَايِنَ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ.

٤٦. عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِذَا تَابَ الْعَبْدُ تَوْبَةً نَصُوحًا أَحَبَّهُ اللَّهُ فَسَتَرَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَقُلْتُ وَكَيْفَ يَسْتُرُ عَلَيْهِ قَالَ يُنْسِي مَلَكِيهِ مَا كَتَبَا عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ يُوجِي إِلَى جَوَارِحِهِ أَكْثِي عَلَيْهِ ذُنُوبَهُ وَ يُوجِي إِلَى بَقَاعِ الْأَرْضِ أَكْثِي مَا كَانَ يَعْمَلُ عَلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ فَيَلْقَى اللَّهَ حِينَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنَ الذُّنُوبِ^٢.

تهمت

٤٧. عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو السَّيِّئِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انْتِمَاتُ الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ^٣.

حرص به دنيا

٤٨. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُوْدَةَ الْقَرِّ كَلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْقَرِّ عَلَى نَفْسِهَا لَقَاءً كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ عَمًا^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٤٠، باب فيما اعطى الله...، حديث ٢.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٣٠، باب التوبه، حديث ١.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٣٦١، باب التهمة و سوء الظن، حديث ١.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٣١٦، باب حب الدنيا و حرص عليها، حديث ٧.





۴۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که یک سال پیش از مردن، توبه نماید؛ خدا توبه‌اش را می‌پذیرد (سپس فرمود): یک ماه مدت زیادی است. هر کس یک جمعه قبل از مردن، توبه نماید خدا توبه‌اش را می‌پذیرد (سپس فرمود): یک جمعه زیاد است، هر کس یک روز پیش از مردن توبه کند، خدا توبه‌اش را می‌پذیرد. (سپس فرمود): یک روز مدت زیادی است، هر کس پیش از مشاهده علائم مرگ، توبه کند، خدا توبه‌اش را می‌پذیرد.

۴۶. از معاویه بن وهب که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرماید: گاه بنده توبه‌ای خالص و بی بازگشت انجام دهد، خدایش دوست بدارد و در دنیا و آخرت گناهانش را بپوشاند [راوی می‌گوید]: گفتم: چگونه می‌پوشاند؟ فرمود: فرشته‌ها، گناهی که از او نوشته‌اند، فراموش می‌کنند و خداوند به اعضای پیکر آن شخص وحی می‌فرستد که: «گناهانش را بپوشانید» و به مکان‌های مختلف زمین وحی می‌فرستد که: «گناهی را که بر شما انجام داده، پنهان کنید» پس آن بنده در حالی با خدا ملاقات می‌کند که چیزی گواه بر گناهان او وجود ندارد.

۴۷. از ابراهیم بن عمر یمانی، از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر گاه مؤمن برادر خود را متهم نماید، ایمان از قلبش زدوده می‌شود، چنان که نمک در آب از بین می‌رود.

۴۸. از امام صادق علیه السلام که فرمود: امام باقر علیه السلام فرمود: حکایت انسان حریص به دنیا، حکایت کرم ابریشم است، هر چه بیشتر بر خود می‌تند، بیرون آمدنش از پیله بعیدتر می‌شود تا اینکه از غم و اندوه می‌میرد.



حزن و اندوه

٤٩. عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يُكَفِّرُهَا ابْتَلَاهُ
بِالْحُزْنِ لِيُكَفِّرَهَا

حب دنیا

٥٠. عَنِ الزُّهْرِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ قَالَ:
سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ قَالَ: مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ
مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ صلى الله عليه وآله أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ لِدَلِكِ
لَشَعْبًا كَثِيرَةً وَ لِلْمَعَاصِي شَعْبٌ فَأَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ الْكِبْرُ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ
أَتَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ثُمَّ الْحِرْصُ وَ هِيَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَ حَوَاءَ عليهما السلام حِينَ
قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمَا فَكَلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا
مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ بِهِمَا إِلَيْهِ فَدَخَلَ ذَلِكَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ وَ ذَلِكَ أَنْ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ ثُمَّ الْحَسَدُ وَ هِيَ
مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ حَيْثُ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ حُبُّ النِّسَاءِ وَ حُبُّ
الدُّنْيَا وَ حُبُّ الرِّئَاسَةِ وَ حُبُّ الرَّاحَةِ وَ حُبُّ الْكَلَامِ وَ حُبُّ الْعُلُوقِ وَ التَّرَوُّهُ فَصِرَنَ
سَبْعَ خِصَالٍ فَاجْتَمَعْنَ كُلُّهُنَّ فِي حُبِّ الدُّنْيَا فَقَالَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَعْدَ مَعْرِفَةِ
ذَلِكَ حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ الدُّنْيَا دُنْيَا إِنْ دُنْيَا بَلَغَ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٌ ٢.

حسن ظن به خدا

٥١. عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ أَنْ لَا تَرْجُو إِلَّا اللَّهَ وَ لَا تَخَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ ٣

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٤٤، باب تعجيل عقوبة الذنب، حديث ٢.
٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٣١٧، باب حب الدنيا و حرص عليها، حديث ٨.
٣. اصول کافی، ج ١، ص ٧٢، باب حُسْنِ الظَّنِّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، حديث ٤.



۴۹. از حکم بن عتیبه که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه گناهان بنده‌ای زیاد شود و عملی که آن گناهان را بپوشاند، نداشته باشد، خداوند او را به غم و اندوه مبتلا کند، تا کفاره گناهانش شود.

۵۰. از حضرت علی بن الحسین علیه السلام سؤال شد:

برترین کارها نزد خدا کدام است؟ فرمود: پس از شناخت خدای عزوجل و رسولش صلی الله علیه و آله کاری بافضیلت‌تر از مبعوض داشتن دنیا وجود ندارد. برای آن شعبه‌هایی است، همچنین برای گناهان. نخستین چیزی که خدا به آن معصیت شد، تکبر بود، همان گناه ابلیس آنگاه که از سجده بر آدم خودداری کرد و استکبار ورزید و از کافران شد. پس از آن، حرص و آز است که گناه آدم و حوا علیهم السلام بود هنگامی که خدای عزوجل به آن دو فرمود: «هر چه خواهید بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود» اما آن دو به دنبال چیزی رفتند که نیازشان نبود و این ویژگی‌ها تا روز قیامت، در فرزندان آنان باقی ماند، چرا که بیش‌تر مطالبات و خواست‌های انسان، اموری است که به آنها محتاج نیست. گناه بعدی، حسادت است، گناه فرزند آدم علیه السلام آنگاه که به برادرش حسادت ورزید و او را کُشت.

و آن گناه چند شاخه می‌شود: دوستی زنان، دوستی دنیا، دوستی مقام، راحت‌طلبی، دوستی سخن و گفتار، دوستی برتر بودن از دیگران و دوستی ثروت. اینها هفت خصلت است که همه‌شان در دوستی دنیا جمع شده‌اند.

از این رو، پیامبران و عالمان پس از شناخت این موارد، گفته‌اند که محبت دنیا، اساس همه خطاها و گناهان است و دنیا دو بخش است: دنیای بلاغ و رسیدن به آخرت، و دنیای نفرین شده.

۵۱. از سفیان بن عیینه که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: گمان نیک به خداوند آن است که جز به او امیدوار نباشی و جز از گناه خودت نهراسی.



حُسن ظن به خدا

۵۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَرَجَائِهِ لَهُ وَحُسْنِ خُلُقِهِ وَالْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ. وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَتَقْصِيرِهِ مِنْ رَجَائِهِ وَسُوءِ خُلُقِهِ وَاعْتِيَابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ. وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُحْسِنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ بِيَدِهِ الْخَيْرَاتُ يَسْتَحْيِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ ثُمَّ يُخْلِفَ ظَنَّهُ وَرَجَاءَهُ فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنَّ وَارْعَبُوا إِلَيْهِ

حسنه

۵۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي أَمَا تَدْخُلُ السُّوقَ أَمَا تَرَى الْفَاكِهَةَ تُبَاعُ وَالشَّيْءَ مِمَّا تَشْتَهِيهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ أَمَا إِنَّ لَكَ بِكُلِّ مَا تَرَاهُ فَلَا تُقْدِرُ عَلَى شِرَائِهِ حَسَنَةً^۱.

۵۴. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْعَبْدَ مِنْ عِبَادِي لَيَأْتِينِي بِالْحَسَنَةِ فَأُبِيحُهَا جَنَّتِي فَقَالَ دَاوُدُ يَا رَبِّ وَمَا تِلْكَ الْحَسَنَةِ قَالَ يُدْخِلُ عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ سُورًا وَ لَوْ بِتَمْرَةٍ قَالَ دَاوُدُ يَا رَبِّ حَقٌّ لِمَنْ عَرَفَكَ أَنْ لَا يَقْطَعَ رَجَاءَهُ مِنْكَ^۳.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۱، باب حُسنِ الظَّنِّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، حدیث ۲.
 ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۴، باب فضلِ فقراءِ المسلمین، حدیث ۱۷.
 ۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۹، باب ادخالِ السور، حدیث ۵.



۵۲. از امام باقر علیه السلام که فرمود: در کتاب علی علیه السلام دیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بود: به کسی که جز او خدایی نیست سوگند که خیر دنیا و آخرت به مؤمن داده نمی‌شود مگر به گمان نیک او به خدا و امیدواری اش به او، و به خوش اخلاقی و خودداری اش از غیبت کردن مؤمنان. به او که جز او خدایی نیست سوگند که خداوند هیچ مؤمنی را پس از توبه و آمرزش خواهی عذاب نکند، مگر به واسطه بدگمانی اش به خدا و کوتاهی اش در امید جستن به او، و بد اخلاقی و غیبت مؤمنان کردن. به او که جز او خدایی نیست سوگند که گمان بنده مؤمن به خدا نیک نشود مگر آنکه خداوند با آن گمان نیک همراه گردد، چرا که او کریم است و تمام نیکی‌ها و خیرات به دست او است و او شرم دارد که چون بنده مؤمنش به او گمان نیک ببرد، بر خلاف آن گمان و امید عمل نماید. پس گمان خویش را به خدا نیکو سازید و به او رغبت نمایید.



۵۳. محمد بن حسین بن کنیز خزاز گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا به بازار نمی‌روی و میوه‌های فروشی و دلخواه خود را نمی‌بینی؟ گفتم: چرا. فرمود: به عوض هر چه ببینی و توان خرید آن را نداشته باشی، حسنه‌ای برایت ثبت می‌شود.

۵۴. از عبدالله بن سنان، از امام صادق علیه السلام که فرمود: خدای عزوجل به حضرت داود علیه السلام وحی فرستاد که: گاه بنده‌ای از بندگانم برای من کار نیکی انجام می‌دهد و من بهشتم را برایش مباح می‌گردانم، داود علیه السلام گفت: پروردگارا! آن کار نیک چیست؟ فرمود: بنده مؤمن مرا خوشحال کند، گر چه با یک دانه خرما. داود علیه السلام گفت: پروردگارا! هر که تو را بشناسد سزاوار است که امید خویش را از تو نبرد.

حق مسلمان بر برادر دینی اش

۵۵. عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ مَا حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ قَالَ لَهُ سَبْعُ حُقُوقٍ وَاجِبَاتٍ مَا مِنْهُنَّ حَقٌّ إِلَّا وَهُوَ عَلَيْهِ وَاجِبٌ إِنْ صَبَّحَ مِنْهَا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَطَاعَتِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ فِيهِ مِنْ نَصِيبٍ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هِيَ قَالَ يَا مُعَلَّى إِنِّي عَلَيْكَ شَفِيقٌ أَخَافُ أَنْ تُضَيِّعَ وَلَا تَحْفَظَ وَتَعْلَمَ وَلَا تَعْمَلَ قَالَ قُلْتُ لَهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَتَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ الْحَقُّ الثَّانِي أَنْ تُجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَتَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ وَتُطِيعَ أَمْرَهُ وَ الْحَقُّ الثَّلَاثُ أَنْ تُعِينَهُ بِنَفْسِكَ وَ مَالِكَ وَ لِسَانِكَ وَ يَدِكَ وَ رِجْلِكَ وَ الْحَقُّ الرَّابِعُ أَنْ تَكُونَ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ وَ مِرَاتَهُ وَ الْحَقُّ الْخَامِسُ أَنْ لَا تَشْبَعَ وَ يَجُوعَ وَ لَا تَرُوى وَ يَظْمَأُ وَ لَا تَلْبَسَ وَ يَغْرَى وَ الْحَقُّ السَّادِسُ أَنْ يَكُونَ لَكَ خَادِمٌ وَ لَيْسَ لِأَخِيكَ خَادِمٌ فَوَاجِبٌ أَنْ تَبْعَثَ خَادِمَكَ فَيَغْسِلَ ثِيَابَهُ وَ يَصْنَعَ طَعَامَهُ وَ يُمَهِّدَ فِرَاشَهُ وَ الْحَقُّ السَّابِعُ أَنْ تُبْرِقَ قَسَمَهُ وَ تُجِيبَ دَعْوَتَهُ وَ تَعُودَ مَرِيضَهُ وَ تَشْهَدَ جَنَازَتَهُ وَ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ حَاجَةً تُبَادِرُهُ إِلَى قَضَائِهَا وَ لَا تُلْجِئُهُ أَنْ يَسْأَلَكَهَا وَ لَكِنْ تُبَادِرُهُ مُبَادِرَةً فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَ لَا يَتَكَ بِوَلَايَتِهِ وَ وَلَا يَتَهُ بِوَلَايَتِكَ^۱

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۰، باب حق المؤمن، حدیث ۲.



۵۵. از معلی بن خنیس: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود: هفت حق واجب بر عهده او است که باید آنها را به جای آورد و هر کدام را که تباہ کند، از سایه ولایت و اطاعت خدا خارج می شود و خدا را در او بهره ای (از اطاعت و بندگی) نیست. گفتم: فدایتان شوم، آن حقوق کدام است؟ فرمود: ای معلی! من دلسوز توأم، می ترسم آنها را ضایع کنی و از یاد ببری و یاد بگیری و عمل ننمایی.

گفتم: لاقوة الا بالله؛ هیچ نیرویی جز به یاری خدا حاصل نشود. فرمود: آسان ترین حق آن است که برای برادرت چیزی را بخواهی که برای خود می خواهی و برای او چیزی را ناپسند بداری که برای خود نمی پسندی. دوم اینکه از خشم او بپرهیزی و خشنودی اش را به دست آوری، و فرمانش ببری. حق سوم آن است که با جان و مال و زبان و دست و پا او را یاری کنی. حق چهارم آن که چشم و راهنما و آئینه او باشی. پنجم آنکه تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه و تو پوشیده نباشی و او برهنه. ششم آن که تو خدمتکار داشته باشی و او نداشته باشد. در این صورت باید خدمتکار خود را بفرستی لباس های او را بشوید، خوراکش را آماده نماید و جای خوابش را بگستراند. هفتم آن که سوگندش را تصدیق کنی و دعوتش را بپذیری و بیمارش را عیادت کنی و در تشییع جنازه اش حاضر شوی و چون فهمیدی که نیازی دارد، بی درنگ آن را برطرف نمایی و مجبورش مکن نیازش را با تو در میان بگذارد، بلکه پیشدستی کن (و ذلت درخواست کردن را بر او مپسند) هر گاه این حقوق را مراعات کنی، دوستی خود را به دوستی او، و دوستی او را به دوستی خود پیوند زده ای.





حق مؤمن بر مؤمن دیگر

۵۶. عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ:

كُنْتُ أَطُوفُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَعَرَّضَ لِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا كَانَ سَأَلَنِي
الدَّهَابَ مَعَهُ فِي حَاجَةٍ فَأَشَارَ إِلَيَّ فَكَرِهْتُ أَنْ أَدْعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَذْهَبَ
إِلَيْهِ فَبَيَّنَّا أَنَا أَطُوفُ إِذْ أَشَارَ إِلَيَّ أَيْضاً فَرَأَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ يَا أَبَانُ إِيَّاكَ
يُرِيدُ هَذَا فُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَمَنْ هُوَ فُلْتُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالَ هُوَ عَلَى مِثْلِ مَا
أَنْتَ عَلَيْهِ فُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَادْهَبْ إِلَيْهِ فُلْتُ فَأَقْطَعُ الطَّوَافَ قَالَ نَعَمْ فُلْتُ وَإِنْ
كَانَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَدْهَبْتُ مَعَهُ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ فَسَأَلْتُهُ
فَقُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ فَقَالَ يَا أَبَانُ دَعَاهُ لَا تَرُدَّهُ فُلْتُ بَلَى
جُعِلَتْ فِدَاكَ فَلَمْ أَزَلْ أُرَدُّ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا أَبَانُ تَقَاسِمُهُ شَطْرَ مَالِكَ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ
فَرَأَى مَا دَخَلَنِي فَقَالَ يَا أَبَانُ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى
أَنْفُسِهِمْ فُلْتُ بَلَى جُعِلَتْ فِدَاكَ فَقَالَ أَمَّا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤْثِرْهُ بَعْدَ إِثْمَا
أَنْتَ وَهُوَ سَوَاءٌ إِثْمَا تُؤْثِرُهُ إِذَا أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ مِنَ التَّصْفِ الْأَخْرَى

حکمت

۵۷. كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ:

رَوْحُوا أَنْفُسَكُمْ بِبَدِيحِ الْحِكْمَةِ فَإِنَّهَا تَكِيلُ كَمَا تَكِيلُ الْأَبْدَانُ^۱

خاموشی

۵۸. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام:

مِنْ عَلَامَاتِ الْفُتُوهِ الْجُلْمُ وَالْعِلْمُ وَالصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ
إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ^۲

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۲، باب حق المؤمن، حدیث ۸.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۸، بَابُ التَّوَادُّعِ، حدیث ۱.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۳، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ۱.





۵۶. از ابان بن تغلب که گفت: با امام صادق علیه السلام مشغول طواف بودم که مردی شیعی نزد من آمد و خواست برای کاری با او همراه شوم. به من اشاره کرد، اما من از اینکه امام صادق علیه السلام را تنها بگذارم و با او بروم، خرسند نبودم. به طواف خود ادامه دادم و او بار دیگر به من اشاره کرد. امام صادق علیه السلام متوجه شد و فرمود: ابان! با تو کار دارد؟ گفتم: آری! فرمود: کیست؟ گفتم: از دوستان ما است. فرمود: مذهب و عقیده تو را دارد؟ گفتم: آری. فرمود: نزدش برو. گفتم: یعنی طواف را رها کنم؟ فرمود: آری. گفتم: اگر چه طواف واجب باشد؟ فرمود: آری.

پس با آن مرد رفتم و ساعتی بعد چون بازگشتم خدمت امام علیه السلام رسیدم و پرسیدم: برای من بگوئید حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ فرمود: بگذار برای بعد. گفتم: فدایتان شوم، چرا؟ «و اصرار ورزیدم». فرمود: ای ابان! باید نیمی از مالت را به او ببخشی. پس به من نگاهی افکند و چون حال تعجبم را دید، فرمود: ای ابان! مگر نمی دانی خدای عزوجل از کسانی که دیگران را بر خود ترجیح می دهند، یاد کرده است؟ گفتم: می دانم. فرمود: بدان هر گاه تو نیمی از مالت را به او بدهی، او را بر خود ترجیح نداده‌ای، بلکه تو و او مساوی شده‌اید. در صورتی او را بر خود ترجیح می دهی که از نیم دیگر نیز به او عطا کنی.

۵۷. امیرالمؤمنین علیه السلام بارها می فرمود: جان‌هایتان را با حکمت‌های تازه طراوت بخشید که جان‌ها نیز مثل بدن‌ها خسته و ملول می شوند.

۵۸. از احمد بن محمد بن ابی نصر که گفت: امام رضا علیه السلام فرمود: از نشانه‌های فهم عمیق و درست، بردباری، دانش و سکوت است؛ سکوت دری از درهای حکمت است. سکوت محبت می آورد و راهنمای هر خیری است.





۵۹. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ إِنْ كُنْتَ رَعِمْتَ أَنْ الْكَلَامَ مِنْ فِضَّةٍ فَإِنَّ السُّكُوتَ
مِنْ ذَهَبٍ^۱.

۶۰. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ: قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:
كَانَ أَبُو دَرَّجٍ رَحِمَهُ اللَّهُ يَقُولُ يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ خَيْرٍ وَمِفْتَاحُ
شَرٍّ فَاخْتِمْ عَلَى لِسَانِكَ كَمَا تَخْتِمْ عَلَى ذَهَبِكَ وَوَرِقِكَ^۲.

۶۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ الْمَسِيحُ عليه السلام يَقُولُ لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ الَّذِينَ يُكْثِرُونَ
الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَاسِيَةٌ قُلُوبُهُمْ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ^۳.

۶۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَكُلُّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَاءِ الْجَسَدِ يُكْفِّرُ اللِّسَانَ يَقُولُ دَسَدْتُكَ اللَّهُ
أَنْ نَعْدَبَ فِيكَ^۴.

۶۳. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ:
إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يَشْرَفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ
فَيَقُولُونَ بخيرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا وَ يَقُولُونَ اللَّهُ اللَّهُ فِينَا وَ يُتَاشَدُّونَهُ وَ يَقُولُونَ إِنَّمَا
نُنَابُ وَ نَعَاقِبُ بِكَ^۵.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۴، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ۶.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۴، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ۱۰.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۴، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ۱۱.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۵، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ۱۲.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۵، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ۱۳.





۵۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
لقمان به فرزندش گفت: فرزندم! اگر گمان می کنی که سخن گفتن،
فضّه است، در این صورت، خاموشی طلا خواهد بود.

۶۰. از ابوبصیر که گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود:
ابوذر - خدایش رحمت کناد - می گفت: ای دانش پژوه! این زبان، کلید
خیر است و کلید شر، پس زبانت را قفلی بزن، چنان که بر طلا و مالت
قفل می زنی.

۶۱. امام صادق علیه السلام فرمود: مسیح علیه السلام می فرمود:
دامن سخن را جز در ذکر خدا، مگسترانید؛ زیرا کسانی که در غیر ذکر
خدا، سخن به زیاده می گویند، قلب هاشان از سنگ است، اما نمی دانند.

۶۲. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
روزی نیست مگر اینکه هر یک از اعضای بدن در برابر زبان فروتنی
کنند و بگویند: تو را به خدا، مبدا به سبب تو عذاب شویم.

۶۳. از علی بن الحسین علیه السلام که فرمود:
هر بامداد زبان آدمی سراغ تمام اعضای دیگر رود و گوید: در چه
حالید؟
گویند: به سلامت، اگر رهایمان کنی. (و گویند): درباره ما خدا را بپای،
خدا را.
و او را سوگند دهند و گویند: به سبب تو است که ما پاداش می بینیم
و عذاب می شویم.





۶۴. عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ قَيْسِ أَبِي إِسْمَاعِيلَ:
وَذَكَرَ أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ احْفَظْ
لِسَانَكَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ وَتَحْكَمْ وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ
عَلَى مَنَاجِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ^۱.

۶۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُكْتَبُ مُحْسِنًا مَا دَامَ سَاكِنًا فَإِذَا تَكَلَّمَ كُتِبَ مُحْسِنًا أَوْ
مُسِيئًا^۲.

خوش خلقی

۶۶. عَنْ عَبَسَةَ الْعَابِدِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
مَا يَفْقَدُ الْمُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعَمَلٍ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ
أَنْ يَسَعَ النَّاسَ بِخُلُقِهِ^۳.

۶۷. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ صَاحِبَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ^۴.

۶۸. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
ثَلَاثٌ مَنْ أَتَى اللَّهُ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ: الْإِنْفَاقُ مِنْ إِقْتَارٍ وَالْيَشْرُ
لِجَمِيعِ الْعَالَمِ وَالْإِنصَافُ مِنْ نَفْسِهِ^۵.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۵، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ۱۴.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۶، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ۲۱.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۰، باب حسن الخلق، حدیث ۴.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۰، باب حسن الخلق، حدیث ۵.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۳، باب حسن البشر، حدیث ۲.





۶۴. از ابراهیم بن عبدالحمید، از قیس ابی اسماعیل - و یاد آور شده که این حدیث مشکلی ندارد در نظر علمای شیعه - در حدیث مرفوع گفت: مردی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و گفت: ای رسول خدا! مرا سفارشی کنید. حضرت ﷺ فرمود: زبانت را نگاه دار. گفت: ای رسول خدا! مرا وصیتی کنید. فرمود: زبانت را نگاه دار. گفت: ای رسول خدا! مرا سفارشی نمایید. فرمود: زبانت را نگاه دار، وای بر تو مگر مردم را جز محصول زبان هایشان به رو در آتش می افکند!

۶۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

بنده مؤمن مادام که خاموش است جزء نیکان شمرده می شود، پس هر گاه زبان بگشاید، یا نیکوکار است یا بدکردار.

۶۶. از عنبسه عابد که گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

مؤمن بعد از واجبات، نزد خدای عزوجل کاری محبوب تر از این نیاورد که از اخلاق او در راحتی و آسایش باشند.

۶۷. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا ﷺ فرمود: آن که اخلاق نیکو دارد، او را پاداش انسان روزه دار شب زنده دار است.

۶۸. از امام صادق علیه السلام که فرمود: سه خصلت است که اگر کسی با یکی از آنها نزد خدا رود، خدا بهشت را بر او واجب گرداند: انفاق کردن با وجود تنگدستی، گشاده رویی با همگان، و منصفانه برخورد کردن با دیگران.



خوش خلقی

۶۹. عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ كَامِلٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا خَالَطْتَ النَّاسَ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تُخَالِطَ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ إِلَّا كَأَنَّكَ يَدُكَ الْعُلْيَا عَلَيْهِ فَاذْعَلْ فَإِنَّ الْعَبْدَ يَكُونُ فِيهِ بَعْضُ التَّقْصِيرِ مِنَ الْعِبَادَةِ وَ يَكُونُ لَهُ حُسْنُ خُلُقٍ فَيَبْلُغُهُ اللَّهُ بِـ [حُسْنِ] خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ^۱.

خوش رفاقتی

۷۰. عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام صَاحِبَ رَجُلًا ذِمِّيًّا فَقَالَ لَهُ الدَّجِّيُّ أَيْنَ تُرِيدُ يَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ أُرِيدُ الْكُوفَةَ فَلَمَّا عَدَلَ الطَّرِيقَ بِالدَّجِّيِّ عَدَلَ مَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ لَهُ الدَّجِّيُّ أَلَسْتَ رَعِمْتَ أَنَّكَ تُرِيدُ الْكُوفَةَ فَقَالَ لَهُ بَلَى فَقَالَ لَهُ الدَّجِّيُّ فَقَدْ تَرَكْتَ الطَّرِيقَ فَقَالَ لَهُ قَدْ عَلِمْتُ قَالَ فَلِمَ عَدَلْتَ مَعِي وَقَدْ عَلِمْتَ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام هَذَا مِنْ تَمَامِ حُسْنِ الصُّحْبَةِ أَنْ يُسَيِّعَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ هُنَيْئَةً إِذَا فَارَقَهُ وَ كَذَلِكَ أَمَرْنَا بَيْنَنَا عليهم السلام فَقَالَ لَهُ الدَّجِّيُّ هَكَذَا قَالَ قَالَ نَعَمْ قَالَ الدَّجِّيُّ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَبِعَهُ مَنْ تَبِعَهُ لِأَفْعَالِهِ الْكَرِيمَةِ فَأَنَا أُشْهَدُكَ أَنِّي عَلَى دِينِكَ وَ رَجَعِ الدَّجِّيُّ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَلَمَّا عَرَفَهُ أَسْلَمَ^۲.

خوف از خدا

۷۱. عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ خَافَ اللَّهَ أَحَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَحَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ^۳.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۲، باب حسن الخلق، حدیث ۱۴.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷۰، باب حسن الصحابة...، حدیث ۵.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۸، باب الخوف و الرجاء، حدیث ۳.



۶۹. از علاء بن کامل که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:
هر گاه با مردم معاشرت نمایی، اگر می توانی، کاری کن دست بالاتر
از کسی باشد که با او معاشرت می کنی. چرا که گاهی بنده در عبادت
کوتاهی می کند؛ اما اخلاق نیکویی دارد و خداوند به این اخلاق، او را
تا مرتبه انسان روزه دار شب زنده دار بالا می برد.

۷۰. از مسعدة بن صدقه، از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام: امیر
مؤمنان علیه السلام با مردی ذمی همراه شد. ذمی به آن حضرت علیه السلام گفت: کجا
می روی: ای بنده خدا! فرمود: کوفه. چون ذمی از امام جدا شد و به
راه دیگری رفت، امیر مؤمنان نیز راه خود را کج کرد. ذمی گفت: مگر
نگفتی قصد کوفه داری؟ فرمود: چرا. گفت: از راه کوفه جدا شدی.
فرمود: می دانم. گفت: پس چرا با من همراهی می کنی؟ امیر مؤمنان علیه السلام
به ذمی گفت: کمال خوب همراهی کردن با دیگران این است که
شخص هر گاه خواست از او جدا شود، چند قدمی او را مشایعت
نماید. پیامبر صلی الله علیه و آله ما را به این شیوه مصاحبت امر فرموده است.

ذمی به حضرت علیه السلام گفت: واقعاً چنین است؟ فرمود: آری. ذمی گفت:
بی شک هر که از او پیروی کرده، به جهت همین کارهای با عظمت و
بزرگوارانه بوده است. من تو را گواه می گیرم که به دین تو در آمدم.
مرد ذمی با امیر مؤمنان علیه السلام بازگشت و چون او را شناخت، مسلمان شد.

۷۱. از هیثم بن واقد که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:
هر که از خدا ترسد، خدا همه چیز را از او می ترساند و هر که از خدا
ترسد، خدا او را از همه چیز می ترساند.



خوف ورجاء

٧٢. عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ أَوْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا كَانَ فِي وَصِيَّةِ لُقْمَانَ؟ قَالَ: كَانَ فِيهَا الْأَعَاجِيبُ وَكَانَ أَعْجَبَ مَا كَانَ فِيهَا أَنْ قَالَ لِابْنِهِ: خَفِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خِيفَةً لَوْ حِثَّتُهُ بَيْرُ الثَّقَلَيْنِ لَعَدَّ بَكَ، وَ ارْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَوْ حِثَّتُهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ لَرَحِمَكَ. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَانَ أَبِي يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا أَوْ فِي قَلْبِهِ نُورَانِ، نُورٌ خِيفَةٍ وَ نُورٌ رَجَاءٍ، لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا، وَ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا^١.

٧٣. عَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ بِالْمَعَاصِي وَ يَقُولُونَ نَرْجُو فَلَا يَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْمَوْتُ فَقَالَ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ يَتَرَجَّحُونَ فِي الْأَمَانِيِّ. كَذَبُوا لَيْسُوا بِرَاجِحِينَ إِنَّ مَنْ رَجَا شَيْئًا طَلَبَهُ وَ مَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ^٢.

خير

٧٤. حَمَّزَةُ بْنُ حَمْرَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِخَيْرٍ فَلَا يُؤَخِّرْهُ فَإِنَّ الْعَبْدَ رَبِّمَا صَلَّى الصَّلَاةَ أَوْ صَامَ الْيَوْمَ فَيَقَالَ لَهُ اعْمَلْ مَا شِئْتَ بَعْدَهَا فَقَدْ عَفَرَ اللَّهُ لَكَ^٣.

٧٥. عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ هَمَّ بِخَيْرٍ فَلْيُعَجِّلْهُ وَ لَا يُؤَخِّرْهُ فَإِنَّ الْعَبْدَ رَبِّمَا عَمِلَ الْعَمَلَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ عَفَرْتُ لَكَ وَ لَا أَكْتُبُ عَلَيْكَ شَيْئًا أَبَدًا وَ مَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَا يَعْمَلْهَا، فَإِنَّهُ رَبِّمَا عَمِلَ الْعَبْدَ السَّيِّئَةَ فَيَرَاهُ سُبْحَانَهُ فَيَقُولُ: لَا وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَعْفِرُ لَكَ بَعْدَهَا أَبَدًا^٤.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ٦٧، بَابُ الْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ، حَدِيثٌ ١.
٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٦٨، بَابُ الْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ، حَدِيثٌ ٥.
٣. اصول كافي، ج ٢، ص ١٤٢، بَابُ تَعْجِيلِ فِعْلِ الْخَيْرِ، حَدِيثٌ ١.
٤. اصول كافي، ج ٢، ص ١٤٢، بَابُ تَعْجِيلِ فِعْلِ الْخَيْرِ، حَدِيثٌ ١.



۷۲. از حارث بن مغیره یا پدرش که گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: در وصیت لقمان چه سفارش هایی بود؟ فرمود: شگفتی های متعدد. از جمله شگفت ترین آنها این بود که به فرزندش گفت: از خدای عزوجل چنان بترس که اگر تمام نیکی های جن و انس را نزد او ببری، عذابت کند و چنان به او امیدوار باش که اگر با همه گناهان جن و انس به درگاهش روی، بر تو رحمت آورد. آنگاه امام علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست مگر اینکه در قلبش دو نور وجود دارد: نور ترس، نور امید. هر کدام را بسنجی بر دیگری افزون نیست و هر دو به یک اندازه اند.

۷۳. از ابن ابی نجران که گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم: عده ای گناه می کنند و می گویند ما امیدواریم و این شیوه آنها است تا اینکه می میرند. فرمود: این جماعت کسانی هستند که در گلزار آرزوها می لولند. دروغ می گویند، آنها امیدوار نیستند. هر که به چیزی امید داشته باشد، آن را طلب می کند و هر که از چیزی بیم نماید، از آن می گریزد.

۷۴. حمزه بن حمران گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کدام از شما که خواست کار خیری انجام دهد، نباید آن را به تأخیر اندازد. چرا که بنده گاه نمازی می گزارد یا روزه ای می گیرد، و به او گفته می شود: پس از این هر چه خواهی بکن که خدایت آمرزیده است.

۷۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر که تصمیم به کار خیری گرفت، زود آن را انجام دهد و به تأخیر نیندازد، چرا که گاه بنده کار خیری می کند، پس خدای تبارک و تعالی می فرماید: تو را آمرزیدم و هیچ بر تو معصیتی نخواهم نوشت. و هر که خواست گناهی بکند، باید آن را رها کند چرا که گاه بنده گناهی مرتکب می شود و خدا او را می ببندد و می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که از این پس، تو را نخواهم آمرزید.





درخواست خیر

۷۶. عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ رَبَّهُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ فَلْيَتَأَسَّ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ
 وَلَا يَكُونُ لَهُ رَجَاءٌ إِلَّا عِنْدَ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ يَسْأَلِ
 اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ

دروغ

۷۷. عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
 لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعَمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرَكَ الْكُذِبَ هَزْلَهُ وَجِدَّهُ^۲.

دروغ گوئی

۷۸. عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ لَوْلِيهِ اتَّقُوا الْكُذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ
 جِدٍّ وَهَزْلِ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَى عَلَى الْكَبِيرِ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ
 رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ مَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَصْدُقُ حَتَّى يَكْتُتِبَهُ اللَّهُ صِدْقًا وَمَا يَزَالُ
 الْعَبْدُ يَكْذِبُ حَتَّى يَكْتُتِبَهُ اللَّهُ كَذَابًا^۳.

دشنام دهنده

۷۹. عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لِي مُبْتَدَأًا:
 يَا سَمَاعَةُ مَا هَذَا الَّذِي كَانَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ جَمَالِكَ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ فَحَاشًا أَوْ
 صَخَابًا أَوْ لَعَانًا فَقُلْتُ وَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ ذَلِكَ أَنَّهُ ظَلَمَنِي فَقَالَ إِنْ كَانَ ظَلَمَكَ
 لَقَدْ أَرَبَيْتَ عَلَيْهِ إِنَّ هَذَا لَيْسَ مِنْ فِعَالِي وَلَا أَمْرٌ بِهِ شِعْيِي اسْتَغْفِرُ رَبِّيَ وَلَا
 تَعُدُّ قُلْتُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَلَا أَعُودُ^۴.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۸، باب الاستغناء عن الناس، حدیث ۲.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۰، باب الکذب، حدیث ۱۱.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۸، باب الکذب، حدیث ۲.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۶، باب البذاء، حدیث ۱۴.





۷۶. از حفص بن غیاث که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که می خواهد خواستش از سوی پروردگار رد نشود، باید از همه مردمان ناامید گردد و جز به آن چه نزد خدا است امیدوار نباشد و چون خداوند این معنا را در قلب شخص بیابد، آن بنده هر دعایی بکند، دعایش را اجابت نماید و عطایش بخشد.

۷۷. از اصبع بن نباته که گفت: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: بنده مزه ایمان را نمی چشد تا اینکه دروغ را، چه شوخی باشد و چه جدی، ترک نماید.

۷۸. از سیف بن عمیره از کسی این روایت را ذکر کرده، از امام باقر علیه السلام که فرمود: علی بن حسین علیه السلام فرمود: از دروغ، چه کوچک و چه بزرگ، در مقام جدی یا شوخی بپرهیزید، چرا که شخص چون دروغ کوچک بگوید، به دروغ بزرگ جرأت می یابد. آیا نمی دانید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنده مدام راست می گوید تا آنجا که خدا او را از صدیقان می نویسد، و گاه مدام دروغ می گوید تا اینکه خدا او را دروغ گو و کذاب می نویسد.

۷۹. از سماعه که گفت: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، بی آنکه چیزی بگویم، فرمود: ای سماعه! این چه مشاجره ای بود که بین تو و شتربانت در گرفت؟! مبادا دشنام گو، بدزبان و نفرین کننده باشی! گفتم: به خدا سوگند! سبب آن بود که او بر من ستم نمود فرمود: اگر او ستم کرده، پس تو از او پیش افتاده ای. من از این دست کارها نمی کنم و پیروانم را به چنین اعمالی فرمان نمی دهم. از پروردگارت آمرزش بخواه و دیگر چنین مکن. گفتم: آمرزش می خواهم و تکرار نمی کنم.





دشنام دادن

۸۰. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ عَنْ بَعْضِ رَجَالِهِ قَالَ:
قَالَ مَنْ فَحَشَ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَ
أَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ^۱

دشنام گو

۸۱. عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدِيءٍ قَلِيلِ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي
مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ فَإِنَّكَ إِنْ فَتَشْتَهُ لَمْ تَجِدْهُ إِلَّا لِعِيَّةٍ أَوْ شِرْكَ شَيْطَانٍ فَقِيلَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ وَ فِي النَّاسِ شِرْكَ شَيْطَانٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمَا تَقْرَأُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ
وَ جَلَّ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ^۲.

۸۲. عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ يَرْفَعُهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ يُبْعِضُ الْفَاحِشَ الْمَتَفَحِّشَ^۳.

دعا

۸۳. عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
إِنِّي أَتَّبَاكَ فِي الدُّعَاءِ وَ لَيْسَ لِي بُكَاءٌ قَالَ نَعَمْ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الدُّبَابِ^۴.

۸۴. عَنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَاطِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
أَسْرَعُ الدُّعَاءِ نُجْحًا لِلْإِجَابَةِ دُعَاءُ الْأَخِ لِأَخِيهِ يَظْهَرُ الْعَيْبُ يَبْدَأُ بِالدُّعَاءِ لِأَخِيهِ
فَيَقُولُ لَهُ مَلِكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ آمِينَ وَ لَكَ مِثْلَاهُ^۵.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۶، باب البذاء، حدیث ۱۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۳، باب البذاء، حدیث ۳.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۴، باب البذاء، حدیث ۴.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۳، باب البكاء، حدیث ۹.

۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۷، باب الدعاء للاخوان... حدیث ۴.





۸۰. از احمد بن محمد، از یکی از راویان، از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر که به برادر مسلمان خود دشنام بگوید، خدا برکت روزی اش را از او می‌گیرد و او را به خودش وا می‌گذارد و زندگی اش را تباه می‌سازد.

۸۱. از سلیم بن قیس، از امیر مؤمنان علیه السلام که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند بهشت را بر هر انسان دشنامگوی بدزبان بی حیایی که از آنچه می‌گوید و درباره اش می‌گویند باکی ندارد، حرام کرده است. اگر حالش را جستجو کنی یا از زنا است یا از شرکت شیطان پدید آمده. گفته شد: ای رسول خدا! در وجود مردمان، شراکت شیطان است؟

رسول خدا فرمود: مگر سخن خدای عزوجل را نخوانده‌اید که «و شارکه‌م فی الاموال و الاولاد؛ با آنان در اموال و فرزندانشان مشارکت کن!»!

۸۲. از ابو جمیل، در حدیث مرفوع، از امام باقر علیه السلام که فرمود: خداوند دشمن می‌دارد دشنام گوی دشنام جوی را.

۸۳. از سعد بن یسار که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من در حال دعا، بی آنکه بگیریم، خود را به گریستن بزنم؟ فرمود: آری. اگر چه به اندازه سر مگسی اشک بیاید.

۸۴. از ابو خالد قماط که گفت: امام باقر علیه السلام فرمود: سریع‌ترین دعا در رسیدن به اجابت، دعای برادر برای برادر است پشت سر او. چون نخست برای برادرش دعا کند، فرشته‌ای که بر او گمارده شده است گوید: آمین. و برای تو است دو برابر (آنچه برای برادرت خواسته‌ای).





٨٥. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ دَعَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، إِنَّ الْعَبْدَ لَيَوْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَسْحَبُ فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ: يَا رَبِّ هَذَا الَّذِي كَانَ يَدْعُو لَنَا فَشَقَعْنَا فِيهِ فَيَشْفَعُهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ فَيَنْجُو!

٨٦. عَنْ مُيَسَّرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي يَا مُيَسَّرُ ادْعُ وَ لَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِعَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِسَأَلَةٍ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئاً فَسَلْ تُعْطِ يَا مُيَسَّرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُقْرَعُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ^٢.

٨٧. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ:

دَعْوَةُ الْعَبْدِ بِيَرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً^٣.

٨٨. عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله خَيْرُ وَقْتٍ دَعَوْتُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ الْأَسْحَارُ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ عليه السلام سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي وَ قَالَ أَخْرَهُمْ إِلَى السَّحْرِ^٤.



١. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٠٧، باب الدعاء للاخوان، ...، حديث ٥.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٦٦، باب فضل الدعاء، ...، حديث ٣.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٧٦، باب اخفاء الدعاء، حديث ١.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٧٧، باب الاوقات و...، حديث ٦.



۸۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مؤمنی نیست که چون برای مردان و زنان مؤمن دعا کند، خداوند مثل آنچه او برای دیگران خواسته، به او برگرداند. به شمار هر مرد و زن مؤمن که از آغاز روزگار آمده و تا روز قیامت خواهند آمد. گاه در روز قیامت درباره بنده‌ای دستور رسد که به آتش افکنده شود. در این هنگام مردان و زنان مؤمن گویند: پروردگارا! این شخص بود که برای ما دعا می‌کرد، پس شفاعت ما را درباره او بپذیر، و خدای عزوجل شفاعت آنها در حق آن شخص را می‌پذیرد و نجات می‌یابد.

۸۶. میسر بن عبدالعزیز گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

ای میسر! دعا کن و مگو کار گذشته و همه چیز مقدر شده است. نزد خدای عزوجل مقام و منزلتی است که به درخواست و دعا به آن نتوان رسید و اگر بنده‌ای دهانش را ببندد و نیاز نخواهد، چیزی به او داده نشود، بخواد تا بدهند. ای میسر! هیچ دری کوبیده نشود مگر اینکه امید باز شدنش باشد.

۸۷. از امام رضا علیه السلام که فرمود:

یک دعای سری و پنهانی بنده، برابر است با هفتاد دعای آشکار.

۸۸. از فضل بن ابی قره، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین وقتی که خدای عزوجل را در آن بخوانید، هنگام سحر است و این آیه را از قول یعقوب علیه السلام تلاوت فرمود: «و برای شما از پروردگارم آموزش می‌خواهم» و فرمود که آن جناب دعای خود را تا سحر به تأخیر افکند.





٨٩. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلَائِكَةِ قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَ لَكِنِ احْبُسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَجَلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أَبْغِضُ صَوْتَهُ^١.

٩٠. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُسْتَجَابُ لِلرَّجُلِ الدُّعَاءُ ثُمَّ يُؤَخَّرُ قَالَ نَعَمْ عِشْرِينَ سَنَةً^٢.

٩١. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ بَيْنَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا وَ بَيْنَ أَخْذِ فِرْعَوْنَ أَرْبَعِينَ عَامًا^٣.

٩٢. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِنَّ الْعَبْدَ الْوَالِيَّ لِلَّهِ يَدْعُو اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَمْرِ يَنْوِبُهُ فَيَقُولُ لِلْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِهِ أَفْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَلَا تُعَجِّلْهَا فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَ صَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ الْعُدُوَّ لِلَّهِ لَيَدْعُو اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَمْرِ يَنْوِبُهُ فَيُقَالُ لِلْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِهِ أَفْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَ عَجِّلْهَا فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَ صَوْتَهُ قَالَ فَيَقُولُ النَّاسُ مَا أُعْطِيَ هَذَا إِلَّا لِكِرَامَتِهِ وَ لَا مُنِعَ هَذَا إِلَّا لِهَوَانِهِ^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٨٩، باب من ابطات عليه الاجابة، حديث ٣.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٨٩، باب من ابطات عليه الاجابة، حديث ٤.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٨٩، باب من ابطات عليه الاجابة، حديث ٥.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٩٠، باب من ابطات عليه الاجابة، حديث ٧.





۸۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
گاه بنده‌ای دعا می‌کند و خدای عزوجل به دو فرشته موکل او می‌فرماید:
دعایش را اجابت کردم و لکن نیازش را نگهدارید که من دوست دارم
صدای این بنده را بشنوم و بنده‌ای نیز دعا می‌کند و خدای تبارک و
تعالی می‌فرماید: زود حاجتش را بدهید که از صدایش نفرت دارم.

۹۰. از اسحاق بن عمار که گفت:
به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا دعای انسان اجابت می‌شود و به
تأخیر می‌افتد؟ فرمود: آری، تا بیست سال.

۹۱. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
بین گفته خدای عزوجل «قد اجیبت دعوتکما؛ بی شک دعای شما را
اجابت کردم» تا ستاندن جان فرعون، چهل سال فاصله بود.

۹۲. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
بنده دوستدار خدا، خدای عزوجل را در پیش آمدی که برایش رخ
داده، می‌خواند، پس خداوند به فرشته موکل او می‌فرماید: حاجت بنده
مرا روا کنید، ولی شتاب نکنید که می‌خواهم ندا و صدایش را بشنوم.
و بنده دشمن خدا نیز خدای عزوجل را در گرفتاری اش می‌خواند
و خداوند به فرشته موکل او می‌فرماید: زود، حاجت بنده‌ام را بدهید
که من از شنیدن ندا و صدایش کراهت دارم. پس مردم می‌گویند:
او به خاطر کرامتش، به حاجت خود رسید و این به جهت پستی و
خواری اش، از آن باز ماند.





٩٣. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَحْرُوا إِجَابَتَهُ شَوْقًا إِلَى صَوْتِهِ وَدُعَائِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدِي دَعَوْتِي فَأَحْرْتُ إِجَابَتَكَ وَتَوَابُكَ كَذَا وَكَذَا وَدَعَوْتِي فِي كَذَا وَكَذَا فَأَحْرْتُ إِجَابَتَكَ وَتَوَابُكَ كَذَا وَكَذَا قَالَ فَيَتَمَتَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حُسْنِ التَّوَابِ^١.

٩٤. عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

جُعِلَتْ فِدَاكَ عَلَيَّ دُعَاءً جَامِعًا فَقَالَ لِي أَحْمَدُ اللَّهُ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى أَحَدٌ يُصَلِّي إِلَّا دَعَا لَكَ يَقُولُ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ^٢.

دعا در غياب برادر دینی

٩٥. عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

رَأَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جُنْدَبٍ فِي الْمَوْقِفِ فَلَمْ أَرْ مَوْقِفًا كَانَ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِهِ مَا زَالَ مَاذَا يَدِيهِ إِلَى السَّمَاءِ وَدُمُوعُهُ تَسِيلُ عَلَى خَدَيْهِ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَرْضَ فَلَمَّا صَدَرَ النَّاسُ قُلْتُ لَهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! مَا رَأَيْتُ مَوْقِفًا قَطُّ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِكَ. قَالَ وَاللَّهِ مَا دَعَوْتُ إِلَّا لِإِخْوَانِي وَذَلِكَ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام أَخْبَرَنِي أَنَّ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بَطَّحَ الْعَيْبُ نُودِي مِنَ الْعَرْشِ وَلَكَ مِائَةٌ أَلْفِ ضِعْفٍ فَكْرِهْتُ أَنْ أَدْعَ مِائَةَ أَلْفِ مَضْمُونَةٍ لِوَأَحَدَةٍ لَا أَذْرِي دُستَجَابُ أُمَّ لَا^٣.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٩٠، باب من ابطات عليه الاجابة، حديث ٩.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٠٣، باب التحميد و التمجيد، حديث ١.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٠٨، باب الدعا للاخوان، حديث ٦.





۹۳. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

گاه مؤمن، حاجت خود را به دعا از خدای عزوجل می‌طلبد و خداوند می‌فرماید: اجابتش را به تأخیر افکنید؛ چون به شنیدن صدایش مشتاقم و در روز قیامت خدای عزوجل گوید: بنده من! تو مرا خواندی و من اجابتت را به تأخیر انداختم، حال این مقدار و این مقدار پاداش تو است. نیز در آن مورد و آن مورد دعا کردی و باز به تأخیر انداختم، حال ثواب تو این است و این. آنجا است که مؤمن آرزو می‌کند ای کاش هیچ دعای او در دنیا به اجابت نمی‌رسید؛ به خاطر پاداش نیکویی که مشاهده می‌کند.

۹۴. از مفضل که گفت:

به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایتان شوم، به من دعایی جامع بیاموزید. پس فرمود: خدا را ستایش کن؛ زیرا هیچ نمازگزاری نیست مگر اینکه برای تو دعا می‌کند، آنجا که می‌گوید: «سمع الله لمن حمده؛ خدایا! سخن آن که تو را می‌ستاید، بشنو».

۹۵. علی، از پدرش که گفت:

عبدالله بن جندب را در موقف عرفات دیدم. تا آن روز، توفقی چون توقف او در عرفات ندیده بودم که پیوسته دست‌هایش به آسمان بلند بود و اشک‌هایش بر گونه‌ها جاری، و به زمین می‌ریخت. چون مردم رفتند و خلوت شد، به او گفتم: ای ابامحمد! بهتر از توقف تو در عرفات ندیدم. گفت: به خدا که جز برای برادرانم دعا نکردم، چرا که موسی بن جعفر علیه السلام به من خبر داد که هر کس پشت سر برادرش، برای او دعا کند، از عرش خدا او را ندا دهند: صد هزار برابرش از آن تو است، و من نخوام صد هزار دعای تعهد شده بی‌شک را به خاطر یک دعا که نمی‌دانم اجابت می‌شود یا نه، رها کنم.





دعا در غیاب برادر دینی

۹۶. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ إِجَابَةً مِنْ دَعْوَةِ غَائِبٍ لِغَائِبٍ.

دعاى مستجاب

۹۷. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ حَتَّى تُفْتَحَ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتَصِيرَ إِلَى الْعَرْشِ: الْوَالِدُ لِوَلَدِهِ وَالْمَظْلُومُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ وَالْمُعْتَمِرُ حَتَّى يَرْجِعَ وَالصَّائِمُ حَتَّى يُفِطِرَ.^۲

دعاى مظلوم عليه ظالم

۹۸. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تُرْفَعُ فَوْقَ السَّحَابِ حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا فَيَقُولُ ارْفَعُوهَا حَتَّى أُسْتَجِيبَ لَهُ وَ إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْوَالِدِ فَإِنَّهَا أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ.^۳

دنیا

۹۹. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ اِزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ^۴

۱۰۰. عَنْ هِشَامِ بْنِ سَلَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَابًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ الْحِرْصِ مِثْلَهُ.^۵

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۰، باب من تستجاب دعوته، حدیث ۷.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۰، باب من تستجاب دعوته، حدیث ۶.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۹، باب من تستجاب دعوته، حدیث ۱.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۶، باب ذم الدنيا و الزهد فيها، حدیث ۲۴.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۹، باب حب الدنيا و حرص عليها، حدیث ۱۲.





۹۶. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ دعایی زود اجابت شونده‌تر از دعای شخص غائب برای شخص غائب نیست.

۹۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چهار نفرند که دعایشان بر نمی‌گردد؛ تا اینکه درهای آسمان برایشان گشوده می‌شود و آن دعاها به عرش می‌رسد: پدر که برای فرزند دعا کند، ستم‌دیده که ستمکار را نفرین نماید، عمره‌گزار تا وقتی که برگردد، و روزه‌دار تا اینکه افطار کند.

۹۸. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از دعای انسان ستم‌دیده بر حذر باشید که بالای ابرها قرار می‌گیرد تا اینکه خدای عزوجل به او می‌نگرد و می‌فرماید: این دعا را بالا ببرید تا اجابتش کنم. از دعای پدر بر حذر باشید که از شمشیر تیزتر و کارگرتراست.

۹۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

حکایت دنیا حکایت آب دریا است، هر گاه انسان تشنه از آن بنوشد، تشنگی اش افزون‌تر شود تا اینکه او را بکشد.

۱۰۰. از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

خداوند هیچ دری از امور دنیا را بر بنده‌ای نگشود، مگر اینکه دری مثل آن از حرص و آرزویش باز نمود.





۱۰۱. عَنْ حَنْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام تَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا وَ أَنْتُمْ تُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ لَا تَعْمَلُونَ لِالْآخِرَةِ وَ أَنْتُمْ لَا تُرْزَقُونَ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ لَكُمْ عُلَمَاءُ سَوْءِ الْأَجْرِ تَأْخُذُونَ وَ الْعَمَلِ تُضَيِّعُونَ يُوْشِكُ رَبُّ الْعَمَلِ أَنْ يُقْبَلَ عَمَلُهُ وَ يُوْشِكُ أَنْ يُخْرِجُوا مِنْ ضَيْقِ الدُّنْيَا إِلَى ظُلْمَةِ الْقَبْرِ كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ هُوَ فِي مَسِيرِهِ إِلَى آخِرَتِهِ وَ هُوَ مُقْبِلٌ عَلَى دُنْيَاهُ وَ مَا يَضُرُّهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِمَّا يَنْقُضُهُ!

دنیاى مذموم

۱۰۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ مَا أَلَيْنَ مَسَّهَا وَ فِي جَوْفِهَا السَّمُّ النَّاقِعُ يَحْدَرُهَا الرَّجُلُ الْعَاقِلُ وَ يَهْوِي إِلَيْهَا الصَّيِّ الْجَاهِلُ^۲

۱۰۳. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمَسَ وَ الدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ سَتَّتْ أَمْرَهُ وَ لَمْ يَنْتَلِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَ مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمَسَ وَ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْعَنَى فِي قَلْبِهِ وَ جَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ^۳.

دين دارى

۱۰۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَفْ رَجُلٍ لَا يُفْرَعُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ لِأَمْرِ دِينِهِ فَيَتَعَاهَدُهُ وَ يَسْأَلُ عَنْ دِينِهِ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى لِكُلِّ مُسْلِمٍ^۴.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۹، باب حب الدنيا و حرص عليها، حدیث ۱۳.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۶، باب ذم الدنيا و الزهد فيها، حدیث ۲۲.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۹، باب حب الدنيا و حرص عليها، حدیث ۱۵.
۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱، کتاب فضل العلم، باب سُؤَالِ الْعَالَمِ وَ تَذَاكُرِهِ، حدیث ۵.





۱۰۱. از حفص بن غیاث، از امام صادق علیه السلام که فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام گفت: برای دنیا کار می‌کنید حال آنکه بی کار کردن، در آن روزی داده می‌شوید، ولی برای آخرت کار نمی‌کنید، حال آن که جز با عمل و طاعت، در آنجا روزی تان ندهند. وای بر شما عالمان بدکردار، مزد را می‌گیرید و کار را ضایع می‌کنید. نزدیک است که صاحب کار، کارش پذیرفته شود، و نزدیک است که از تنگنای دنیا خارج و به تاریکی قبر وارد شوند. چگونه اهل علم خواهد بود کسی که در جاده آخرت است و رو به دنیا دارد و آنچه به زیان او است نزد او از آنچه نفعش می‌رساند، محبوب تر است.

۱۰۲. از امام صادق علیه السلام که فرمود: در کتاب علی علیه السلام آمده: حکایت دنیا حکایت مار است، لمس کردنش توأم با نرمی و لطافت، و در درونش سم کشنده است. مرد عاقل از آن می‌پرهیزد و بچه نادان بدان روی می‌کند.

۱۰۳. از عبدالله بن ابی یعفور، از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر که صبح کند و به شب در آید و بزرگ‌ترین همت و علاقه‌اش دنیا باشد، خدای تعالی بینوایی را پیش رویش نهد و رشته کارهایش را از هم بگسلد. چنین کسی جز به همان مقدار از دنیا که خدا قسمتش کرده نرسد. و هر که صبح کند و به شب در آید و بزرگ‌ترین همت و علاقه‌اش آخرت باشد، خدا بی‌نیازی را در قلبش قرار دهد و کارهایش را سامان بخشد.

۱۰۴. از امام صادق علیه السلام که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اُف بر آن که در روز جمعه، خود را برای امر دینش از دیگر کارها فارغ نمی‌کند تا آن روز او را ارج بگذارد و از مسائل دینی‌اش سؤال کند. (در روایت دیگر به جای «هر آن که»، «هر مسلمانی که» آمده است).



١٠٥. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مِنْ أَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا، ثُمَّ قَالَ: لَا أَعْنِي «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» وَإِنْ كَانَ مِنْهُ، وَلَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَحَرَّمَ، فَإِنْ كَانَ طَاعَةً عَمِلَ بِهَا وَإِنْ كَانَ مَعْصِيَةً تَرَكَهَا.

١٠٦. عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ مَنْ شُغِلَ بِذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أُعْطِيَتْهُ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ مَنْ سَأَلَنِي^٢.

١٠٧. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَنْ قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كَانَتْ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ ذَلِكَ الْيَوْمَ^٣.

١٠٨. عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحَرَّاءِ أَخِي أُدَيْمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قِيلَ لَهُ لَبَّيْكَ! مَا حَاجَتُكَ؟^٤

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٨٠، بَابُ اجْتِنَابِ الْمُحَارِمِ، حَدِيثُ ٤.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٠١، بَابُ الِاسْتِغَالِ بِذِكْرِ اللَّهِ، حَدِيثُ ١.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٥١٦، بَابُ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، حَدِيثُ ١.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٢٠، بَابُ مَنْ قَالَ يَا رَبُّ يَا رَبُّ، حَدِيثُ ١.



۱۰۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

از برترین اموری که خدا بر مردمان واجب کرده، ذکر خدا به فراوانی است. البته منظوم «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» نیست، اگر چه این هم ذکر است، اما مقصود به یاد خدا بودن در امور حلال و حرام است، که اگر اطاعت است به آن عمل کند و اگر نافرمانی است، رهایش نماید.

۱۰۶. از هشام بن سالم، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

خدای عزوجل می فرماید: هر که به یاد من باشد و خواسته خودش را فراموش کند، من برتر از آنچه به دیگر نیاز خواهان می دهیم، به او عطا می کنم.

۱۰۷. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر که قبل از برآمدن خورشید و پیش از غروب آن، ده بار بگوید «لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر؛ خدایی جز خدای یکتا نیست. یگانه است و شریک ندارد، فرمانروایی او را است و برای او است حمد و ستایش. زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند و او زنده ای نامیرا است، به دست اوست هر کار خیر و او بر هر امری توانا است». این ذکر، کفاره گناهان آن روز او خواهد بود.

۱۰۸. از ایوب بن حر اخی ادیم، از امام صادق که فرمود:

هر که ده بار بگوید «یارب یارب» گفته شود: لبیک، نیازت چیست؟



١٠٩. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ قَالَ يَا رَبِّ يَا اللَّهُ يَا رَبِّ يَا اللَّهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُهُ قِيلَ لَهُ لَمَّيْكَ! مَا حَاجَّتْكَ؟^١

١١٠. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَعَا الرَّجُلُ فَقَالَ بَعْدَ مَا دَعَا «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَبَسَّلَ عَبْدِي وَاسْتَسَلَّمَ لِأَمْرِي أَفْضُوا حَاجَّتَهُ.^٢

١١١. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَدُبُرِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَهْوَنُهَا الرِّيحُ وَالبَرَصُ وَالجُنُونُ وَإِنْ كَانَ شَقِيحًا مُجِيًّا مِنَ الشَّقَاءِ وَكُتِبَ فِي السُّعْدَاءِ.^٣

١١٢. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تَدْعُ أَنْ تَدْعُو بِهِذَا الدُّعَاءِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحْتَ وَثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَمْسَيْتَ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ فَإِنَّ أَبِي عليه السلام كَانَ يَقُولُ هَذَا مِنَ الدُّعَاءِ الْمَخْزُونِ.^٤

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٢٠، باب من قال يارب يارب، حديث ٣.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٢٢، باب من قال ماشاء الله...، حديث ١.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٣١، باب القول عند الاصبح والامساء، حديث ٢٥.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٣٤، باب القول عند الاصبح والامساء، حديث ٣٧.



۱۰۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر که ده بار بگوید: «یا رب یا الله یا رب یا الله» تا نفسش بند آید، به او گفته شود: لبیک، چه می خواهی؟

۱۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس دعا کند و پس از آن بگوید: «ماشاء الله لا حول و لا قوة الا بالله» خدای عز و جل فرماید: بنده من، خود را تسلیم امر من نمود، پس حاجتش را بر آورید.

۱۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که پس از نماز صبح و مغرب، هفت مرتبه بگوید «بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم» خدای عز و جل هفتاد نوع از انواع بلاها را که آسان تر نشان باد و پیسی و دیوانگی است، از او دور می کند و اگر انسان تیره بختی باشد، نامش را از دفتر تیره بختان پاک می کند و در زمره سعادت مندان می نویسد.

۱۱۲. امام صادق علیه السلام که فرمود:

از یاد مبر که سه مرتبه هنگام شب، این دعا را بخوانی «اللهم اجعلنی فی دزعلک الحصینة الّتی تجعل فیها من تُرید؛ خدایا! قرار ده مرا در پناهگاه محکمی که هر که را بخواهی در آن قرار می دهی» پدرم می فرمود: این از دعاهای ذخیره شده است.



١١٣. عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ:

أَتَيْتُ بَابَ عَيْبِ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَوَافَقْتُهُ حِينَ خَرَجَ مِنَ الْبَابِ «فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ
آمَنْتُ بِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا حَمْزَةَ! إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ
عَرَضَ لَهُ الشَّيْطَانُ، فَإِذَا قَالَ بِسْمِ اللَّهِ قَالَ الْمَلَكُانِ كُفَيْتَ، فَإِذَا قَالَ آمَنْتُ بِاللَّهِ
قَالَا هُدَيْتَ فَإِذَا قَالَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ قَالََا وَقِيَتْ، فَيَتَنَحَّى الشَّيْطَانُ فَيَقُولُ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كَيْفَ لَنَا يَمَنٌ هُدِي وَكُفِي وَوُقِيَ. قَالَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ عِرْضِي
لَكَ الْيَوْمَ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا حَمْزَةَ إِنَّ تَرَكْتُ النَّاسَ لَمْ يَتْرُكوكَ وَ إِنْ رَفَضْتَهُمْ لَمْ
يَرْفُضُوكَ. فُلْتُ فَمَا أَصْنَعُ قَالَ أَعْطِهِمْ مِنْ عِرْضِكَ لِيَوْمِ فَقْرِكَ وَ فَاغْتِكَ ١.

١١٤. عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَخَرَجَ إِلَيَّ وَ شَفَقْتَاهُ تَتَحَرَّكَا نِ فُكُلْتُ لَهُ فَقَالَ أ
فَطَلْتُ لِدَلِكِ يَا ثُمَالِي؟ فُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ إِنِّي وَ اللَّهُ تَكَلَّمْتُ بِكَلَامٍ
مَا تَكَلَّمُ بِهِ أَحَدٌ قَطُّ إِلَّا كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرٍ دُنْيَاةً وَ آخِرِيَّةً. قَالَ فُلْتُ لَهُ
أَخْبِرْنِي بِهِ. قَالَ نَعَمْ مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ «بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ
عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ
الْآخِرَةِ كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرٍ دُنْيَاةً وَ آخِرِيَّةً ٢.

١١٥. عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ لَمْ يَزَلْ فِي حِفْظِ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ وَ كِلَاةَتِهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ ٣.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٤١، باب الدعاء اذا خرج الانسان من منزله، حديث ٢.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٤١، باب الدعاء اذا خرج الانسان من منزله، حديث ٣.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٤٢، باب الدعاء اذا خرج الانسان من منزله، حديث ٨.



۱۱۳. از ابو حمزه ثمالی که گفت:

به در خانه حضرت علی بن الحسین علیه السلام رفتم و هنگام خروج ایشان از خانه، با ایشان روبه رو شدم و شنیدم که می خواند: «بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ؛ به نام خدا، به خدا ایمان دارم و بر خدا توکل می کنم» سپس فرمود: ای ابو حمزه! بنده هر گاه از خانه اش بیرون می آید، شیطان با او همراه می شود. پس هر گاه بگوید «بِسْمِ اللَّهِ» دو فرشته گویند: کفایت شدی و چون بگوید: «آمَنْتُ بِاللَّهِ» گویند: هدایت یافتی و چون گوید: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» گویند: «حفظ شدی» پس شیطان روی بگرداند و شیاطین به یکدیگر گویند: ما را چه به کسی که هدایت یافت و کفایت شد و در امان ماند. سپس عرضه داشت: اللهم ان عرضی لک الیوم؛ خدایا! امروز آبروی من برای تو» و به من فرمود: ای ابو حمزه! اگر مردم را رها کنی، آنها رهايت نخواهند کرد و اگر واگذاری شان، تو را وا نگذارند. گفتیم: چه باید کرد؟ فرمود: از آبروی خود خرج کن برای روز نداری و نیازت.

۱۱۴. از ابو حمزه که گفت:

از امام باقر علیه السلام اجازه حضور خواستم. بیرون آمد در حالی که لب هایش تکان می خورد. عرض کردم: عرض کردم: زیر لب چه می گویند؟ فرمود: متوجه شدی، ای ثمالی و گفتم: فدایتان شوم آری. فرمود: به خدا، به کلامی تکلم کردم که هر کس آن را بگوید، خداوند امور مهم دنیا و آخرتش را کفایت کند. گفتم: چه تکلم کردید؟ فرمود: هر کس هنگام خروج از خانه اش بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورٍ كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ؛ به نام خدا، خدا کافی است مرا، و توکل کردم بر خدا. خدایا من خیر تمام کارهایم را از تو می خواهم و پناه می برم به تو از رسوایی دنیا و عذاب آخرت» خداوند کارهای مهم دنیا و آخرتش را کافی خواهد بود.

۱۱۵. از عمر بن یزید که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس هنگام بیرون رفتن از خانه اش، ده بار سوره قل هو الله احد را بخواند، تا به خانه اش برگردد، پیوسته در حفظ و حمایت خدای عزوجل خواهد بود.



١١٦. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِلرَّصَالِيِّ جُعِلْتُ فِدَاكَ ادْعُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِي الْحَلَالَ فَقَالَ
أَتَدْرِي مَا الْحَلَالُ قُلْتُ الَّذِي عِنْدَنَا الْكَسْبُ الطَّيِّبُ فَقَالَ كَانَ عَيْيُّ بْنُ
الْحُسَيْنِ عليه السلام: يَقُولُ الْحَلَالُ هُوَ قُوْتُ الْمُصْطَفَيْنِ ثُمَّ قَالَ قُلْ أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ
الْوَاسِعِ^١.

١١٧. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلِي: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَفْوَاكَ وَلَا تُشْقِنِي بِنَشْطِي
لِمَعَاصِيكَ وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا
عَجَلْتَّ وَلَا تُعْجِلْ مَا أَخَّرْتَ وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ مَتْعِي بِسَمْعِي وَ
بَصْرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَ انْضُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ أَرِنِي فِيهِ قُدْرَتَكَ
يَا رَبِّ وَ أَفَرِّ بِذَلِكَ عَيْنِي^٢.

١١٨. عَنْ عَلِيِّ بْنِ زِيَادٍ قَالَ:

كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ بَصِيرٍ يَسْأَلُهُ أَنْ يَكْتُبَ لَهُ فِي أَسْفَلِ كِتَابِهِ دُعَاءً يُعَلِّمُهُ إِيَّاهُ يَدْعُو
بِهِ فَيُعْصَمُ بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ جَامِعاً لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكَتَبَ عليه السلام يَحْطِّهُ «بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ وَلَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ عَنِّي يَا كَرِيمَ
الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ
نَجْوَى وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئَ كُلِّ نِعْمَةٍ
قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تَجْعَلَنِي فِي النَّارِ» ثُمَّ تَسْأَلُ مَا بَدَأَ لَكَ^٣.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٤٣، باب الدعاء اذا خرج الانسان من منزله، حديث ٩.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٧٧، باب دعوات موجزات، حديث ١.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٧٨، باب دعوات موجزات، حديث ٤.



۱۱۶. از احمد بن محمد بن ابی نصر که گفت:

به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایتان شوم، گاهی خدای عز و جل را می‌خوانم که روزی حلال نصیبم کند. حضرت فرمود: آیا می‌دانی حلال چیست؟ گفتم: همان که نزد ما شیعه به کسب پاک معروف است. فرمود: علی بن حسین علیه السلام می‌فرمود: حلال، روزی برگزیدگان است. سپس فرمود: بگو «أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ؛ من از تو روزی گسترده‌ات را می‌خواهم.

۱۱۷. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

بگو: خدایا! چنان کن که از تو بیم نمایم گویا می‌بینم و مرا به تقوای سزاوار خود به سعادت رسان و به نشاط در معصیت خود بدبختم مگردان و خیر مرا در قضای خود قرار ده و مقدر خویش را بر من مبارک ساز چندان که پس افتادن آنچه پیش انداخته‌ای را دوست نداشته باشم و نه پیش افتادن آنچه به واپس افکنده‌ای. و بی‌نیازی‌ام را در خودم قرار ده و مرا به گوش و چشمم برخوردار ده و آن دو را وارث من گردان و مرا در برابر آن که بر من ستم می‌ورزد، یاری کن و قدرت خود را در اینکار به من بنما. ای پروردگار من! و بدین کار چشمم را روشن ساز.

۱۱۸. از علی بن زیاد که گفت:

علی بن بصیر به امام صادق علیه السلام نامه‌ای نوشت و درخواست کرد که در پایین نامه‌اش دعایی بنویسد و به او بیاموزد تا آن را بخواند و از گناهان در امان ماند و آن دعا جامع خواسته‌های دنیایی و آخرتی باشد. امام علیه السلام در پاسخ، به خط خود، نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم؛ ای کسی که زیبایی‌ها را برملا کنی و زشتی‌ها را پنهانی و مرا رسوا نگردانی. ای که عفتت کریمانه است، ای که گذشتت نیکو است، ای که بخشایشت وسیع است، ای که دست به رحمت از هم گشوده است، ای همراه با هر نجوا و ای نهایت هر گله و شکایت، ای که بخشش بزرگوارانه است، ای که نعمتت بزرگ است، ای آن که پیش از استحقاق، به نعمت آغاز می‌کنی. پروردگارا! ای آقا! ای مولا! ای فریادرس! بر محمد و خاندان محمد درود بفرست، و از تو می‌خواهم مرا در آتش نگذاری»، آنگاه هر چه می‌خواهی، درخواست کن.



١١٩. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي دُبْرِ الْفَرِيضَةِ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَعَقَرَ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَمَا وَلَدًا.

١٢٠. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله صَلَّى عَلَى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فَقَالَ لَقَدْ وَافَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ سَبْعُونَ أَلْفًا وَ فِيهِمْ جَبْرَائِيلُ عليه السلام يَصَلُّونَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ يَا جَبْرَائِيلُ بِمَا يَسْتَحِقُّ صَلَاتَكُمْ عَلَيْهِ فَقَالَ بِقِرَاءَتِهِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قَائِمًا وَقَاعِدًا وَرَاكِبًا وَمَاشِيًا وَذَاهِبًا وَجَائِيًا.

ذكر قرآني

١٢١. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الْأَيَاتِ أَنْ يَهْبِطْنَ إِلَى الْأَرْضِ تَعَلَّقْنَ بِالْعَرْشِ وَ قُلْنَ أَيُّ رَبِّ! إِلَى أَيْنَ تُهْبِطُنَا؟ إِلَى أَهْلِ الْخَطَايَا وَالدُّنُوبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِنَّ أَنْ اهْبِطْنَ فَوَعَزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَتَلَوَّكُنَّ أَحَدٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ فِي دُبُرٍ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِلَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ بِعَيْنِي الْمَكْنُونَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ نَظْرَةً أَقْضَى لَهُ فِي كُلِّ نَظْرَةٍ سَبْعِينَ حَاجَةً وَ قَبِلْتُهُ عَلَى مَا فِيهِ مِنَ الْمَعَاصِي وَ هِيَ أُمُّ الْكِتَابِ وَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَ آيَةُ الْمُلْكِ ٣.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٦٠١، باب فضل القرآن، حدیث ١١.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٦٠٢، باب فضل القرآن، حدیث ١٣.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٩٨، باب فضل القرآن، حدیث ٢.



۱۱۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید خواندن «قل هو الله احد» پس از هر نماز واجب را ترک کند. هر که آن را بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می‌آورد و او و پدر و مادرش و فرزندان او را می‌آمرزد.

۱۲۰. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

پیغمبر صلی الله علیه و آله بر سعد بن معاذ نماز گزارد و فرمود: هفتاد هزار فرشته که جبرئیل در میانشان بود، بر او نماز گزارند. من به جبرئیل گفتم: به چه چیز سزاوار نماز گزاردن شما گردید؟ گفت: به خواندن «قل هو الله احد» در حال ایستاده و نشسته و سواره و راه رفتن و در رفتن و برگشتن.

۱۲۱. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

چون خدای عزوجل امر فرمود که این آیات به زمین فرود آیند، خود را به عرش الهی آویختند و گفتند: پروردگارا! به کجا سرازیرمان می‌کنی؟ به سوی خطاپیشگان و گناهکاران؟ پس خدای عزوجل به آنها وحی فرمود که پایین روید. به عزت و جلالم سوگند هر کس از خاندان محمد و پیروان ایشان، شما آیات را پس از هر نماز واجبی که در هر روز لازم گردانیده‌ام، بخواند، هر روز هفتاد بار، به چشم پنهان و خاص خود او را بنگرم و با هر نگاه هفتاد حاجتش را برآورم و با وجود گناهی که دارد، پذیرایش شوم. آن آیات عبارت است از «ام الكتاب»، «شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ» و «آیة الكرسي» و «آیة الملک».





۱۲۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تَغْتَرُّوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رَبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَلَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صَدَقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ.

راضی بودن به خواست خداوند

۱۲۳. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ عِبَادًا لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْغَنَى وَالسَّعَةِ وَالصَّحَّةِ فِي الْبَدَنِ، فَأَبْلُوهُمْ بِالْغَنَى وَالسَّعَةِ وَصِحَّةِ الْبَدَنِ، فَيُصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لِعِبَادًا لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَالْمُسْكِنَةِ وَالسَّقْمِ فِي أَسْنَانِهِمْ؛ فَأَبْلُوهُمْ بِالْفَاقَةِ وَالْمُسْكِنَةِ وَالسَّقْمِ، فَيُصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ، وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ أَمْرُ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِي عِبَادَتِي فَيَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَلَذِيذِ سَادِيهِ، فَيَتَهَجَّدُ لِي اللَّيَالِي فَيَتَعَبُ نَفْسَهُ فِي عِبَادَتِي فَأَضْرِبُهُ بِالنَّعَاسِ اللَّيْلَةَ وَاللَّيْلَتَيْنِ نَظْرًا مَنِّي لَهُ وَإِنْقَاءَ عَلَيْهِ فَيَتَامَ حَتَّى يُصْبِحَ فَيَقُومُ وَهُوَ مَاقَتْ لِنَفْسِهِ زَارِيٌّ عَلَيْهَا؛ وَلَوْ أُخْلِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِي لَدَخَلَهُ الْعُجْبُ مِنْ ذَلِكَ، فَيُصَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَرِضَاهُ عَنِ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَجَازَ فِي عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ فَيَتَّبَاعِدُ مَنِّي عِنْدَ ذَلِكَ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ. فَلَا يَتَكَلَّمُ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِتَوَاقِي، فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهَدُوا وَاتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَفْنَوْا أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُقْصَرِّينَ غَيْرَ بِالْغَيْنِ فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهُ عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كِرَامَتِي وَالتَّعِيمِ فِي جَنَاتِي وَرَفِيعِ دَرَجَاتِي الْعُلَى فِي جَوَارِي، وَلَكِنْ فَبِرَحْمَتِي فَلْيَبْقُوا وَبِفَضْلِي فَلْيَتَرَحَّوْا وَإِلَى حُسْنِ الظَّنِّ يَ فَلْيَطْمَئِنُّوا. فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ تَدَارِكُهُمْ وَمَنِّي يُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِي وَمَغْفِرَتِي تُلَبِّسُهُمْ عَفْوِي فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَبِذَلِكَ تَسْمِيَتُ^۲

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۵، باب الصدق و أداء الأمانة، حدیث ۲.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰، باب الرضا بالقضاء، حدیث ۴.



۱۲۲. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

به روزه و نماز خود مغرور مشوید. چه بسا انسان به نماز و روزه چندان وابسته می‌شود که اگر ترکشان کند، به هراس می‌افتد؛ بلکه افراد را به راستگویی و امانت‌داری بیازماید.

۱۲۳. از امام باقر علیه السلام که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عز و جل می‌فرماید: در بین بندگان من کسانی هستند که کار دینشان جز به بی‌نیازی و وسعت روزی و سلامتی تن، اصلاح نمی‌شود، پس آنان را به بی‌نیازی و وسعت روزی و سلامت تن مبتلا می‌کنم و اینچنین، کار دینشان را به صلاح می‌آورم. و بعضی از بندگان مؤمن من، کار دینشان سامان نمی‌پذیرد مگر به تنگدستی و بینوایی و بیماری بدن. پس آنان را به تنگدستی و بینوایی و بیماری در بدن می‌آزمایم و اینچنین، کار دینشان را سامان می‌دهم و من داناترم به آنچه مایه اصلاح امور دینی بندگان مؤمنم می‌شود. بعضی از بندگان مؤمن من، در عبادت من، سختکوشی می‌کنند. از رختخواب و لذت خواب دل می‌کند و در شب‌ها به تهجد با من مشغول می‌شود، پس خود را در عبادت به سختی می‌افکنند. در این هنگام، یک شب یا دو شب او را به خواب می‌اندازم، از سر توجه به او و باقی گذاشتنش بر عبادت. پس به خواب می‌افتد تا صبح و چون برمی‌خیزد، از دست خود عصبانی است و خود را سرزنش می‌کند. اگر او را به همان حال باقی می‌گذارم تا عبادت کند، دچار خودشیفتگی می‌شد و این حالت او را در اعمالش به فتنه می‌افکند و سرانجام به خاطر این خودشیفتگی و از خودرضایی، هلاک و تیره بخت می‌گردید تا آنجا که می‌پنداشت بر عابدان برتری یافته و در عبادتش از حد تقصیر و کوتاهی گذشته است. در این صورت، لحظه به لحظه از من دورتر می‌شد، به گمان این که به من تقرب می‌جوید. کسانی که برای به دست آوردن پاداش من کار می‌کنند، نباید به اعمال خود اعتماد کنند. ایشان اگر تمام کوشش خود را به کار گیرند و خود را به زحمت اندازند و عمر خود را در عبادت من به پایان برند، باز هم مقصرین خواهند بود و در عبادت خود به حقیقت عبادت من نخواهند رسید و در طلب آنچه نزد من است، از کرامت من و نعمت‌های بهشتی و درجات عالی در همجواری من، کوتاهی کرده‌اند؛ بلکه باید به رحمت من اعتماد نمایند و به فضل من شادمان باشند و به گمان نیک بردن به من مطمئن گردند. در این حالت است که رحمت من از آنان دستگیری می‌کند و فضل من آنان را به بهشت من می‌رساند و مغفرت من بر آنان لباس عفو و بخشش می‌پوشاند. بی‌شک من، خدای رحمان و رحیمم و بدین نام، نامیده شده‌ام.





١٢٤. عَنْ أَبِي حَمْرَةَ التَّمَالِيّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَجَّةِ الْوُدَّاعِ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ. وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ. أَلَا وَإِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينِ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ وَلَا يَحْمِلْ أَحَدَكُمْ اسْتِبْطَاءَ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِغَيْرِ حِلِّهِ، فَإِنَّهُ لَا يُدْرِكُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ^١.

١٢٥. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَكْتُوبٌ فِي النَّوْزَةِ ابْنُ آدَمَ كُنْ كَيْفَ شِئْتَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ الْيَسِيرَ مِنَ الْعَمَلِ وَمَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَالِ خَفَّتْ مَمُونَتُهُ وَزَكَتْ مَكْسَبَتُهُ وَخَرَجَ مِنْ حَدِّ الْفُجُورِ^٢.

١٢٦. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَوْ لَا إِخْلَاحُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لَتَقَلَّهْمُ مِنَ الْحَالِ الَّتِي هُمْ فِيهَا إِلَى حَالٍ أَضْيَقُ مِنْهَا^٣.

١٢٧. عَنْ مُثَمَّلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَوْ لَا إِخْلَاحُ هَذِهِ الشَّيْعَةِ عَلَى اللَّهِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لَتَقَلَّهْمُ مِنَ الْحَالِ الَّتِي هُمْ فِيهَا إِلَى مَا هُوَ أَضْيَقُ مِنْهَا^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٧٤، بَابُ طَاعَةِ التَّقْوَى، حَدِيثُ ٢.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٨٢، بَابُ الْبِكَاءِ، حَدِيثُ ٤.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦١، بَابُ فَضْلِ فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ، حَدِيثُ ٥.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦٤، بَابُ فَضْلِ فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ، حَدِيثُ ١٦.





۱۲۴. از ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام که فرمود:

رسول خدا در آخرین حج خود، خطبه خواند و فرمود: ای مردم! به خدا من شما را به تمام آنچه به بهشت نزدیکتان می‌سازد و از آتش دور می‌گرداند، فرمان دادم و از هر آنچه شما را به آتش نزدیک می‌گرداند، و از بهشت دور می‌سازد، باز داشتم. آگاه باشید که جبرئیل در دلم افکنده که هیچ کس نمی‌میرد تا اینکه روزی‌اش را کامل دریافت کند. پس خدا را بپایید و در طلب روزی، خود را به رنج می‌فکنید و مبادا دیر رسیدن روزی شما را بر آن دارد که آن را از راه غیر شرعی بجوید، که به آنچه نزد خدا است جز به اطاعت او نتوان رسید.

۱۲۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

در تورات آمده: ای آدمیزاد! هر طوری که می‌خواهی باش، که هر چه کنی همان بینی. هر که از خدا به روزی اندک خرسند باشد، خدا کار اندکش را خواهد پذیرفت و هر که به روزی حلال کم قانع باشد، زحمتش اندک و کسب و کارش پاک خواهد بود و از محدوده بدکاری بیرون رود.

۱۲۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر نبود که مؤمنان به درگاه خدا، در طلب روزی پافشاری می‌کنند، خداوند آنها را از حالی که دارند به بدتر و سخت‌تر از آن منتقل می‌کرد.

۱۲۷. از مفضل که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر نه که شیعیان در طلب روزی به درگاه خدا اصرار می‌کنند، خداوند آنها را از حالی که دارند به بدتر و سخت‌تر از آن منتقل می‌کرد.





رضا به قضاى الهى

۱۲۸. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

عَجِبْتُ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لَا يَقْضِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ قِضَاءً إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ فُرِصَ بِالْمَقَارِبِ كَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ مَلَكَ مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا كَانَ خَيْرًا لَهُ^۱.

۱۲۹. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ لِشَيْءٍ قَدْ مَضَى لَوْ كَانَ غَيْرُهُ^۲.

رفاقت

۱۳۰. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا اضْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كَانَ أَحَدُهُمَا أَجْرًا وَأَحَبُّهُمَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْفَقَهُمَا بِصَاحِبِهِ^۳.

زيارت يكديگر رفتن

۱۳۱. عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُيَسَّرَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي أَتَخْلُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ وَتَقُولُونَ مَا سِئْتُمْ فَقُلْتُ إِي وَاللَّهِ إِنَّا لَتَخْلُو وَتَتَحَدَّثُ وَتَقُولُ مَا سِئْنَا فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَوِدِدْتُ أَنِّي مَعَكُمْ فِي بَعْضِ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لِأَجِبُّ بِحُكْمِكُمْ وَأَرْوَّاحِكُمْ وَإِنَّكُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ مَلَائِكَتِهِ فَأَعِينُوا بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ^۴.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲، بَابُ الرضا بالقضاء، حديث ۸.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳، بَابُ الرضا بالقضاء، حديث ۱۳.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷۰، باب حسن الصحابة، حديث ۳.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۷، باب تذاكر الاخوان، حديث ۵.





۱۲۸. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
در شگفتم از مسلمان که هر چه خداوند برای او حکم کند و قرار دهد،
خیر او خواهد بود؛ اگر با قیچی ها تکه تکه شود برایش خیر است و
اگر فرمانروای مشرق و مغرب زمین گردد نیز خیر او در آن است.

۱۲۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز درباره کاری که شده بود نمی گفت: کاش جور
دیگر می شد.

۱۳۰. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه دو نفر با هم همراه شوند، پرتوآب تر و
محبوب تر نزد خدا آن کسی است که با همراه خود بیشتر مدارا نماید.

۱۳۱. از ابن مسکان که گفت: امام باقر علیه السلام به من فرمود:
آیا با هم می نشینید و سخن می گوید و هر چه می خواهید بر زبان
می آورید؟ گفتم: آری، به خدا. می نشینیم و سخن می گوئیم و هر چه
بخواهیم بر زبان می آوریم. فرمود: به خدا، دوست دارم در بعض این
نشست ها با شما باشم، به خدا بوی شما و جان های شما را دوست
می دارم. شما بر دین خدا و دین فرشتگان اوئید، پس با پرهیز از
حرام ها و کوشش در اطاعت خدا، (مرا) یاری کنید.





زیارت یکدیگر رفتن

۱۳۲. عَنْ زَيْدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءَ لِقُلُوبِكُمْ وَذِكْرًا لِأَحَادِيثِنَا وَ أَحَادِيثِنَا
تُعْطَفُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فَإِنْ أَحَدْتُمْ بِهَا رَسَدْتُمْ وَ تَجَوَّثُمْ وَ إِنْ تَرَكْتُمُوهَا
صَلَلْتُمْ وَ هَلَكْتُمْ فَحَدُّوا بِهَا وَ أَنَا بِنَجَاتِكُمْ رَعِيمٌ^۱.

زیان

۱۳۳. عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا حَاجَةَ لِلَّهِ فِيمَنْ لَيْسَ لَهُ فِي مَالِهِ وَ بَدَنِهِ نَصِيبٌ^۲.

سرزنش

۱۳۴. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَا:
أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاجِىَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ
عَثْرَاتِهِ وَ زَلَّاتِهِ لِيُعَنِّفَهُ بِهَا يَوْمًا مَا^۳.

۱۳۵. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِدَنْبٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ^۴.

۱۳۶. عَنْ أَبَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
أَنَّهُ قَالَ لَا تُبْذِرِ السَّمَاتَةَ لِأَخِيكَ فَيَرْحَمَهُ اللَّهُ وَ يُصَيِّرَهَا بِكَ وَ قَالَ مَنْ شِمِتَ
بِمُصِيبَةٍ نَزَلَتْ بِأَخِيهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُقْتَلَ^۵.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۶، باب تذاکر الاخوان، حدیث ۲.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۶، باب شدة ابتلاء المؤمن، حدیث ۲۱.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۴، باب من طلب عشرات...، حدیث ۱.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۶، باب التعيير، حدیث ۳.

۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۹، باب الشهاته، حدیث ۱.





۱۳۲. از یزید بن عبدالملک، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
به دیدار یکدیگر بروید که این کار زنده کننده دل‌های شما و یادآور
احادیث ما است. روایات ما شما را به یکدیگر متوجه می‌سازد. اگر به
آنها عمل کردید، هدایت می‌شوید و نجات می‌یابید، اما اگر ره‌ایشان
نمودید، گمراه و هلاک می‌گردید و من نجات شما را ضامنم.

۱۳۳. از عبدالرحمن بن ابی عبدالله و ابی بصیر، از امام صادق علیه السلام که
فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا را نیاز و عنایتی نیست به آن که در مال و
بدنش بلا و مصیبتی نباشد.

۱۳۴. از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که فرمودند:

نزدیک‌ترین حالت بنده به کفر آن است که با کسی به خاطر دینش
برادری کند، آنگاه گناهان و لغزش‌هایش را نگاه دارد تا روزی به آنها
او را سرزنش نماید.

۱۳۵. از عبدالله بن سنان، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر که مؤمنی را به خاطر گناهی سرزنش کند، نمیرد تا اینکه خود به
آن گناه مبتلا شود.

۱۳۶. از ابان بن عبدالملک، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

در گرفتاری برادرت شادمانی مکن که خدا بر او رحمت می‌آورد و
آن گرفتاری را به تو باز می‌گرداند (و فرمود): هر که در مصیبتی که
به برادرش وارد شده اظهار شادی کند، از دنیا بیرون نرود تا اینکه به
آن گرفتار آید.



سودمندترین مردم

۱۳۷. عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ^۱.

شاد کردن مؤمن

۱۳۸. عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:
إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ
أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲.

۱۳۹. عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ سُورٌ [الَّذِي] تُدْخِلُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِ
تَطَرُّدٌ عَنْهُ جَوْعَتَهُ أَوْ تَكْشِيفٌ عَنْهُ كُرْبَتَهُ^۳.

۱۴۰. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ:
كَانَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ
وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا» قَالَ: فَقَالَ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَمَا ثَوَابٌ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ السُّرُورَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ عَشْرُ
حَسَنَاتٍ فَقَالَ إِي وَاللَّهِ وَ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ^۴.

۱۴۱. عَنِ ابْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ أَدْخَلَ السُّرُورَ عَلَى مُؤْمِنٍ فَقَدْ أَدْخَلَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَمَنْ أَدْخَلَهُ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَدْ وَصَلَ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ وَ كَذَلِكَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ كُرْبَاهُ^۵.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، الاهتمام بأمور المسلمین، حدیث ۷.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۷، باب السعی فی حاجة المؤمن، حدیث ۲.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۱، باب ادخال السرور، حدیث ۱۱.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۲، باب ادخال السرور، حدیث ۱۳.

۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۲، باب ادخال السرور، حدیث ۱۴.





۱۳۷. از سیف بن عمیره که گفت: کسی که از امام صادق علیه السلام روایت را شنیده بود، برای من حدیث کرد که آن حضرت علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: آن که سودش برای مردم بیشتر باشد.

۱۳۸. از معمر بن خلاد که گفت: شنیدم امام رضا علیه السلام می‌فرمود: خدا در زمین بندگانی دارد که در برآوردن نیازهای مردم می‌کوشند. اینان همان کسانی‌اند که در روز قیامت در امانند. و هر که شادی را به قلب مؤمنی وارد کند، خدا در روز قیامت دلش را شاد می‌گرداند.

۱۳۹. از مالک بن عطیه، از امام صادق علیه السلام که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: محبوب‌ترین اعمال پیش خداوند، خوشحالی است که به مؤمن برسانی و بدین وسیله گرسنگی‌اش را برطرف سازی یا گرفتاری‌اش را برداری.

۱۴۰. از عبدالله بن سنان که گفت: مردی خدمت امام صادق علیه السلام بود و این آیه را تلاوت کرد: «کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون آنچه کرده‌اند، می‌آزارند، بهتان و گناه آشکاری به گردن گرفته‌اند». (سوره احزاب، آیه ۵۸)

امام صادق علیه السلام فرمود: پاداش آن که مؤمنی را شاد کند، چیست؟
گفتم: فدایتان شوم، ده حسنه. فرمود: به خدا، آری. و هزار هزار حسنه.

۱۴۱. از ابن سنان، از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر که مؤمنی را شاد کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله را شاد کرده، و هر که رسول خدا صلی الله علیه و آله را شاد نماید، آن را به خدا رسانیده. و چنین است هر که اندوهی به مؤمن رساند.



شاد کردن مؤمن

۱۴۲. عَنْ مُضَلِّ بْنِ عُمَرَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَرَى أَحَدُكُمْ إِذَا أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا أَنَّهُ عَلَيْهِ أَذْخَلَهُ فَقَطَّ بَلَّ وَاللَّهِ عَلَيْنَا بَلٌّ وَاللَّهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم.

۱۴۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهور قَالَ:

كَانَ النَّجَاشِيُّ وَهُوَ رَجُلٌ مِنَ الدَّهَاقِينِ عَامِلًا عَلَى الْأَهْوَاِزِ وَفَارِسَ فَقَالَ بَعْضُ أَهْلِ عَمَلِهِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ فِي دِيْوَانِ النَّجَاشِيِّ عَلَيَّ خَرَاجًا وَهُوَ مُؤْمِنٌ يَدِينُ بِطَاعَتِكَ فَإِن رَأَيْتَ أَنْ تَكْتُبَ لِي إِلَيْهِ كِتَابًا قَالَ فَكُتِبَ إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَرَّ أَحَاكَ يَسْرُكَ اللَّهُ قَالَ فَلَمَّا وَرَدَ الْكِتَابُ عَلَيْهِ دَخَلَ عَلَيْهِ وَهُوَ فِي مَجْلِسِهِ فَلَمَّا خَلَا نَاوَلَهُ الْكِتَابَ وَقَالَ هَذَا كِتَابُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَبَّلَهُ وَوَضَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَقَالَ لَهُ مَا حَاجْتُكَ قَالَ خَرَاجٌ عَلَيَّ فِي دِيْوَانِكَ فَقَالَ لَهُ وَكَمْ هُوَ قَالَ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ فَدَعَا كَاتِبَهُ وَأَمَرَهُ بِأَدَائِهَا عَنْهُ ثُمَّ أَخْرَجَهُ مِنْهَا وَأَمَرَ أَنْ يُثْبِتَهَا لَهُ لِقَابِلٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ سَرَرْتُكَ فَقَالَ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِمَرْكَبٍ وَجَارِيَةٍ وَغُلَامٍ وَأَمَرَ لَهُ بِتَخْتِ ثِيَابٍ فِي كُلِّ ذَلِكَ يَقُولُ لَهُ هَلْ سَرَرْتُكَ فَيَقُولُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَكَلَّمَا قَالَ نَعَمْ زَادَهُ حَتَّى فَرَعَ ثُمَّ قَالَ لَهُ احْمِلْ فُرُشَ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي كُنْتَ جَالِسًا فِيهِ حِينَ دَفَعْتَ إِلَيَّ كِتَابَ مَوْلَايَ الَّذِي نَاوَلْتَنِي فِيهِ وَارْفَعْ إِلَيَّ حَوَائِجِكَ قَالَ فَفَعَلَ وَخَرَجَ الرَّجُلُ فَصَارَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَعْدَ ذَلِكَ فَحَدَّثَهُ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ عَلَى جِهَتِهِ فَجَعَلَ يُسَرُّ بِمَا فَعَلَ فَقَالَ الرَّجُلُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كَأَنَّهُ قَدْ سَرَّكَ مَا فَعَلَ بِي فَقَالَ إِي وَاللَّهِ لَقَدْ سَرَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۹، باب ادخال السرور، حدیث ۶.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۰، باب ادخال السرور، حدیث ۹.



۱۴۲. از مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ یک از شما فکر نکنند که چون مؤمنی را خوشحال کند، در حق او چنین کرده، نه؛ به خدا که ما را خوشحال کرده، بلکه به خدا، رسول خدا را شاد کرده است.

۱۴۳. از محمد بن جمهور که گفت: نجاشی، در زمره کدخداهای و حاکمان اهواز و شیراز بود. یکی از کارگزاران وی^۱ به امام صادق علیه السلام عرض کرد: در دفتر نجاشی برای من مالیات سنگین نوشته شده. او انسان مؤمن و معتقد به اطاعت شما است. اگر صلاح می‌دانید، به او، برای من توصیه‌ای بنویسید. امام علیه السلام به نجاشی نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم. برادرت را شاد گردان، خدایت مسرور گرداند. کارگزار نامه را گرفت و نزد نجاشی برد، در حالی که در جلسه عمومی نشسته بود. چون جلسه خلوت شد، نامه را به او داد و گفت: این دست نوشته امام صادق علیه السلام است. نجاشی نامه را بوسید و بر دیدگان گذاشت و گفت: چه می‌خواهی؟ گفت: در دفتر تو مالیاتی سنگین برایم نوشته‌اند، گفت: چه مقدار؟ گفت: ده هزار درهم. نجاشی کاتب را فرا خواند و دستور داد آن خراج را از حساب خود او بپردازد و آن را از دفتر خارج کند و برای سال آینده نیز همان مقدار را از حساب نجاشی، برای آن شخص بنویسد. سپس فرمود: خوشحال شدی؟ گفت: آری! فدایت شوم. پس فرمان داد برای او مرکب و کتیز و غلام آوردند و نیز یک دست لباس، و با دادن هر کدام از آنها به او می‌گفت: «آیا تو را خوشحال کردم؟» و او در جواب می‌گفت: «آری، فدایت شوم» و هر بار که می‌گفت: «آری» بر آنچه می‌داد، می‌افزود تا آخر. نجاشی آنگاه گفت: فرش آن اتاق را که هنگام دادن نامه مولا، در آن نشسته بودیم، نیز با خود ببر و هر نیاز دیگر که داشتی با من در میان بگذار. کارگزار، عطایای نجاشی را ستاند و روزی که خدمت امام صادق علیه السلام رسید، ماجرای بخشش‌های او را آن گونه که واقع شده بود، برای آن حضرت بازگو کرد و حضرت از رفتار او اظهار خوشحالی می‌نمود. آن شخص به امام عرض کرد: ای فرزند رسول الله! گویا کار نجاشی شما را مسرور کرده است؟ فرمود: آری به خدا. بی‌شک او خدا و رسولش را نیز شاد کرده است.



۱. دهقان، معرب دهگان، به معنی صاحب ده یا رئیس ده است که در این زمان او را کدخدا یا دهمدار گویند.

شاد کردن مؤمن

۱۴۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَثْبَتَ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا.

۱۴۵. عَنْ سَدِيرِ الصَّرِيحِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ:

إِذَا بَعَثَ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ قَبْرِهِ خَرَجَ مَعَهُ مِثَالُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ لَهُ الْمِثَالُ لَا تَفْرَعْ وَلَا تَحْزَنْ وَأَبَشِرْ بِالسُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَحَاسِبُهُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمِثَالُ أَمَامَهُ فَيَقُولُ لَهُ الْمُؤْمِنُ يَرْحَمَكَ اللَّهُ نِعْمَ الْخَارِجُ خَرَجْتَ مَعِيَ مِنْ قَبْرِي وَ مَا زِلْتَ تُبَشِّرُنِي بِالسُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ مِنَ اللَّهِ حَتَّى رَأَيْتُ ذَلِكَ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي كُنْتَ أَدْخَلْتَ عَلَيَّ أَخِيكَ الْمُؤْمِنَ فِي الدُّنْيَا خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ لِأُبَشِّرَكَ؟

۱۴۶. عَنْ أَبِي بَانٍ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ قَالَ فَقَالَ:

حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ لَوْ حَدَّثْتَكُمْ لَكَفَرْتُمْ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ خَرَجَ مَعَهُ مِثَالُ مَنْ قَبْرِهِ يَقُولُ لَهُ أَبَشِرْ بِالْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ وَ السُّرُورِ فَيَقُولُ لَهُ بَشِّرَكَ اللَّهُ بِخَيْرٍ قَالَ ثُمَّ يَمُضِي مَعَهُ يَبَشِّرُهُ بِمِثْلِ مَا قَالَ وَ إِذَا مَرَّ بِهَوْلِ قَالَ لَيْسَ هَذَا لَكَ وَ إِذَا مَرَّ بِخَيْرٍ قَالَ هَذَا لَكَ فَلَا يَزَالُ مَعَهُ يُؤْمِنُهُ مِمَّا يَخَافُ وَ يَبَشِّرُهُ بِمَا يُحِبُّ حَتَّى يَقِفَ مَعَهُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا أَمَرَ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ قَالَ لَهُ الْمِثَالُ أَبَشِرْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَمَرَكَ إِلَى الْجَنَّةِ قَالَ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ تُبَشِّرُنِي مِنْ حِينِ خَرَجْتَ مِنْ قَبْرِي وَ أَنْسَتَنِي فِي طَرِيقِي وَ خَبَرْتَنِي عَنْ رَبِّي قَالَ فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي كُنْتَ تُدْخِلُهُ عَلَى إِخْوَانِكَ فِي الدُّنْيَا خُلِقْتُ مِنْهُ لِأُبَشِّرَكَ وَ أُوْنِسَ وَ حَسَنَتَكَ^۳

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۴، باب إخبار الرجل ...، حديث ۲.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۰، باب ادخال السرور، حديث ۸.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۱، باب ادخال السرور، حديث ۱۰.



۱۴۴. از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر گاه کسی را دوست می داری، او را از این دوستی آگاه کن که این کار محبت بین شما را محکم تر می سازد.

۱۴۵. از سدیر صیرفی که گفت: امام صادق علیه السلام در سخنی طولانی فرمود: آنگاه که خداوند مؤمن را از قبرش برانگیزد صورت و مثالی با او از قبر بیرون آید و پیش روی او حرکت کند. هر گاه آن مؤمن هراسی از هراس های روز قیامت را مشاهده نماید، آن مثال به او گوید: نترس و اندوهگین مباش. بشارت باد تو را به شادی و بزرگداشت خدای عزوجل.

تا اینکه در مقابل خدای تعالی قرار گیرد و خداوند حسابی سبک و آسان از او بکشد و فرماید که به بهشت رود، در حالی که آن صورت و مثال پیشاپیش او است. مؤمن به او گوید: خدایت رحمت کناد. خوب همراهی بودی. با من از قبر بیرون آمدی و پیوسته مرا به شادی و کرامتی از سوی خداوند بشارت دادی تا آن که خود آن شادی و کرامت را دیدم. راستی، تو کیستی؟
آن تصویر گوید: من همان شادی هستم که تو در دنیا بر قلب برادر مؤمنت وارد کردی. خدای عزوجل مرا از آن شادی خلق نمود تا تو را بشارت دهم.

۱۴۶. از ابان بن تغلب که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره حق مؤمن بر مؤمن سؤال کردم، پاسخ فرمود: حق مؤمن بر مؤمن بزرگ تر از آن است که می پندارید و اگر از آن حق بگویم، انکار خواهید کرد. مؤمن آنگاه که از قبرش بیرون می آید، تمثالی نیز با او خارج می شود و می گوید: بشارت باد تو را به کرامت و سروری از جانب خداوند. و مؤمن می گوید: خدا تو را مژده خیر دهد. پس یکسره مؤمن را چنین بشارت ها دهد و چون به هراس و دلواپسی بگذرند، آن تمثال گوید: «این برای تو نیست» و چون به امر خیری گذر کنند گوید: «این برای تو است» و پیوسته مؤمن را از آنچه می ترسد، ایمنی دهد و به آنچه دوست می دارد، مژده دهد، تا در پیشگاه خدای تعالی قرار گیرند و خداوند فرماید که مؤمن وارد بهشت شود. در این هنگام، تمثال به مؤمن گوید: بشارت باد تو را که خدای عزوجل فرمودت به بهشت روی. مؤمن به تمثال گوید: خدایت رحمت کناد، تو کیستی که از هنگام بیرون آمدنم از قبر، پیوسته بشارت داده ای و در راه، مایه انس من بوده ای و مرا از پروردگرم آگاه ساخته ای؟
تمثال گوید: من همان شادی هستم که تو در دنیا، نصیب برادرانت کرده ای. من، از آن شادی آفریده شدم تا تو را بشارت دهم و در هنگامه های وحشت، انیس تو باشم.



شاهد اعمال انسان

١٤٧. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَا ابْنَ آدَمَ! أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَأَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ. فَمُتْ فِي خَيْرٍ وَاعْمَلْ فِي خَيْرٍ أَشْهَدُ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهَا أَبَدًا. قَالَ وَكَانَ عَلِيٌّ عليه السلام إِذَا أَمْسَى يَقُولُ مَرْحَبًا بِاللَّيْلِ الْجَدِيدِ وَالْكَاتِبِ الشَّهِيدِ اكْتُبْنَا عَلَى اسْمِ اللَّهِ ثُمَّ يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ^١.

شكر

١٤٨. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَابَ شُكْرِ فَحَزَنَ عَنْهُ بَابَ الرِّيَاذَةِ^٢.

١٤٩. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ، لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ؛ وَالْمُعَافِي الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُبْتَلَى الصَّابِرِ؛ وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُحْرُومِ الْقَانِعِ^٣.

١٥٠. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَشْرَبُ الشَّرْبَةَ مِنَ الْمَاءِ فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَيَأْخُذُ الْإِنَاءَ فَيَضَعُهُ عَلَى فِيهِ فَيَسْمِي ثُمَّ يَشْرَبُ فَيُنْحِيهِ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهُ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ثُمَّ يَنْحِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهُ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ثُمَّ يَنْحِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهُ فَيُوجِبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا لَهُ الْجَنَّةَ^٤.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ٥٢٣، باب القول عند الاصبح والامساء، حديث ٨.

٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٩٤، باب الشكر، حديث ٢.

٣. اصول كافي، ج ٢، ص ٩٤، باب الشكر، حديث ١.

٤. اصول كافي، ج ٢، ص ٩٦، باب الشكر، حديث ١٦.



۱۴۷. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر روزی که برای آدمیزاد پیش می‌آید، آن روز وی را خطاب قرار می‌دهد که: ای فرزند آدم! من، روزی نو و بر تو گواهم. پس در مدتی که با تو هستم، فقط خوبی بگو و خوبی کن، تا در روز قیامت برای تو به خوبی شهادت دهم، که چون بگذرم دیگر هرگز مرا نخواهی دید. (و فرمود): علی علیه السلام هر گاه روز را شب می‌کرد، می‌فرمود: خوش آمدی ای شب نو و ای نویسنده گواه. با نام خدا بنویسید - و نام خدای عز و جل را بر زبان جاری می‌کرد -

۱۴۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خدا دری از سپاس‌گزاری به روی بنده‌ای نگشود مگر در افزایش به رویش باز کرد.

۱۴۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خورنده سپاسگزار، پاداشی همچون روزه دار خاطرخواه خدا، و تندرست سپاسگزار پاداشی همچون گرفتار شکیبا و دهنده سپاس‌گزار پاداشی همچون شخص ندارِ قانع دارد.

۱۵۰. از ابوبصیر که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

گاه کسی از شما جرعه‌ای آب می‌نوشد و خدا به واسطه این عمل، بهشت را بر او واجب می‌گرداند. (سپس فرمود): آن شخص ظرف آب را برمی‌دارد و به دهان نزدیک می‌کند و نام خدا را می‌برد، پس می‌نوشد، و آنگاه با اینکه اشتها دارد، ظرف را دور می‌کند، پس خدا را می‌ستاید و بار دیگر ظرف را به دهان نزدیک می‌کند، می‌نوشد و بار دیگر آن را دور می‌سازد و حمد خدا می‌گوید و برای بار سوم نزدیک دهان می‌آورد و می‌نوشد، پس دور می‌کند و حمد را بر زبان جاری می‌کند و خدا به خاطر این عمل، بهشت را برایش واجب می‌گرداند.



شكر

١٥١. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا لِلْمُبْتَلَى الصَّابِرِ وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ
كَالْمَحْرُومِ الْقَانِعِ^١.

١٥٢. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ مِنْ نِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهَ ظَاهِرًا بِلِسَانِهِ فَتَمَّ
كَلَامُهُ حَتَّى يُؤْمَرَ لَهُ بِالْمَزِيدِ^٢.

١٥٣. عَنْ عُمَرَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِي مَا لَا فَرَزَقَنِي وَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي
وَلَدًا فَرَزَقَنِي وَلَدًا وَسَأَلْتُهُ أَنْ يَرْزُقَنِي دَارًا فَرَزَقَنِي وَقَدْ خِيفْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ
اسْتِذْرَاجًا فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَعَ الْحَمْدِ فَلَا^٣.

١٥٤. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَسُرُّهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ النِّعْمَةِ وَإِذَا
وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَغْتَمُّ بِهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ^٤.

١٥٥. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْبَلَاءِ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَلَا تَسْمِعُوهُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ
يَحْزَنُهُمْ^٥.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٩٤، باب الشکر، حدیث ١.
٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٩٥، باب الشکر، حدیث ٩.
٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٩٧، باب الشکر حدیث ١٧.
٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٩٧، باب الشکر حدیث ١٩.
٥. اصول کافی، ج ٢، ص ٩٨، باب الشکر، حدیث ٢٣.





۱۵۱. از امام باقر علیه السلام، یا امام صادق علیه السلام که فرمود:
شخص تندرست سپاس گزار، پاداشی همچون ناتندرست شکمیا، و
دهنده سپاس گزار، پاداشی همچون محروم قانع دارد.

۱۵۲. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
خداوند به بنده‌ای نعمت ندهد مگر اینکه چون آن نعمت را به قلبش
بشناسد و به زبان ظاهر حمد خدای تعالی گوید و کلامش تمام شود،
دستور آید که بر او بیفزاید.

۱۵۳. از عمر بن یزید که گفت:
به امام صادق علیه السلام عرض کردم: از خدای عزوجل خواستم که مال
فراوانی روزی‌ام کند، و کرد و خواستم فرزندی به من بدهد و داد
و خانه‌ای طلب نمودم و عطا کرد. می‌ترسم این، استدراج و به خود
واگذاشتن باشد. فرمود: به خدا که با وجود سپاس‌گزاری، استدراج
نیست.

۱۵۴. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر گاه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله امر خوشحال کننده‌ای پیش می‌آید،
می‌گفت: خدا را سپاس بر این نعمت. و هر گاه گرفتاری برایشان وارد
می‌شد، می‌گفت: سپاس خدا را بر همه حال.

۱۵۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه گرفتاران را ببینید، خدا را سپاس گوید،
اما به گوش آنها نرسد که ناراحت شوند.



شكر

١٥٦. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيُنْزِلْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرُ عَلَى التُّزْوِيلِ لِلشُّهُرَةِ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى قَرْبُوسِهِ وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ ثُمَّ لِيَحْمِدِ اللَّهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ!.

١٥٧. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عليه السلام يَا مُوسَى! اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبِّ وَكَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَلَيْسَ مِنْ شُكْرٍ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَأَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ قَالَ يَا مُوسَى الْآنَ شَكَرْتَنِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي^٢.

١٥٨. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِذَا أَصْبَحْتَ وَآمَسَيْتَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ: «اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْتُ بِِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ مِنْ دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا» فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ أَدَيْتَ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَفِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ^٣.

شيعه

١٥٩. عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْعَةَ عِنْدَنَا كَثِيرٌ فَقَالَ فَهَلْ يَعْطِفُ الْعُغْبِيُّ عَلَى الْفَقِيرِ وَهَلْ يَتَجَاوَزُ الْمُحْسِنُ عَنِ الْمُسِيءِ وَ يَتَوَاسَوْنَ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ لَيْسَ هُوَ إِلَّا شَيْعَةُ الشَّيْعَةَ مَنْ كَفَعَلُ هَذَا^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٩٨، باب الشکر، حدیث ٢٥.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٩٩، باب الشکر، حدیث ٢٧.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٩٩، باب الشکر، حدیث ٢٨.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ١٧٣، باب حق المؤمن، حدیث ١١.



۱۵۶. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر گاه یکی از شما نعمت خدای عزوجل را به یاد آورد، پس صورت روی خاک بگذارد و شکر خدا گوید و اگر سواره باشد، پیاده شود و صورت روی خاک نهد و اگر از ترس شهرت، نمی تواند، پس صورت بر کوهه زین بگذارد و اگر نمی تواند، صورت بر کف دست بگذارد و خدا را بر نعمتی که داده، سپاس گوید.

۱۵۷. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

از جمله آنچه خدا به موسی علیه السلام وحی فرمود: ای موسی! مرا چنان که شایسته است، سپاس گوی.

گفت: پروردگارا! چگونه حق شکر تو را به جای آورم در حالی که هر شکر من خود نعمتی است از تو؟ فرمود: ای موسی! هم اکنون که دانستی شکر و سپاس، خود از سوی من است، مرا به شایستگی سپاس گفتی.

۱۵۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه صبح کنی و به شب درایی، ده مرتبه بگو: «خداایا! هر نعمت و سلامتی در دین و دنیا که به من رسد، از تو است. یکتایی و شریک نداری. حمد و ستایش ویژه تو است. پروردگارا! به خاطر آن نعمت که به من داده‌ای، شکر و سپاس تو را، تا اینکه خشنود شوی و پس از خشنودی» زیرا اگر تو این ذکر را بگویی، بی شک شکر نعمت‌هایی را که خداوند در آن روز و شب به تو عطا کرده، ادا نموده‌ای.

۱۵۹. از ابواسماعیل که گفت:

به امام باقر علیه السلام گفتم: فدایتان شوم، نزد ما شیعه بسیار است. فرمود: آیا توانگر به فقیر توجه می کند؟ آیا نیکوکار از بدکار در می گذرد؟ آیا به یکدیگر احسان و بخشش می کنند؟ گفتم: نه. فرمود: اینها شیعه نیستند. شیعه کسی است که این اعمال را انجام دهد.



١٦٠. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ فَسَأَلَهُ كَيْفَ مِنْ خَلْفَتٍ مِنْ إِخْوَانِكَ قَالَ فَأَحْسَنَ الثَّنَاءَ وَرَزَى وَأَطْرَى فَقَالَ لَهُ كَيْفَ عِيَادَةُ أَغْنِيائِهِمْ عَلَى فُقَرَائِهِمْ فَقَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ وَكَيْفَ مُشَاهَدَةُ أَغْنِيائِهِمْ لِفُقَرَائِهِمْ قَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ فَكَيْفَ صِلَةُ أَغْنِيائِهِمْ لِفُقَرَائِهِمْ فِي ذَاتِ أَيْدِيهِمْ فَقَالَ إِنَّكَ لَتَذْكُرُ أَخْلَاقًا قَلَّ مَا هِيَ فِيمَنْ عِنْدَنَا قَالَ فَقَالَ فَكَيْفَ تَزْعُمُ هَؤُلَاءِ أَنَّهُمْ شِيعَةٌ!

شيعه واقعي

١٦١. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي يَا جَابِرُ! أَيَكْتَفِي مِنْ انْتِحَالِ التَّشْيِيعِ أَنْ يَقُولَ مُجَبَّنًا أَهْلَ الْبَيْتِ؟! فَوَاللَّهِ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مِنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَاضُّعِ وَالتَّخَشُّعِ وَالأَمَانَةِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَالصُّومِ وَالصَّلَاةِ وَالبِرِّ بِالأَوْلِيَاءِ وَالتَّعَاهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَأَهْلِ الْمُسْكِنَةِ وَالعَارِمِينَ وَالأَيْتَامِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَكَفِّ الأَلْسُنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَكَانُوا أَمَنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الأَشْيَاءِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَعْرِفُ الْيَوْمَ أَحَدًا يَهْدِيهِ الصِّفَةَ فَقَالَ يَا جَابِرُ لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ المَذَاهِبُ حَسْبُ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ أُحِبُّ عَلِيًّا وَآتَوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونُ مَعَ ذَلِكَ فَعَالًا فَلَوْ قَالَ إِنِّي أُحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ فَرَسُولَ اللَّهِ عليه السلام خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ عليه السلام ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ وَلَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِيَّاهُ شَيْئًا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِمْ أَنْقَاهُمْ وَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ يَا جَابِرُ وَاللَّهِ مَا يُتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَمَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَلَا عَلَى اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَوَلِيُّيٌّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ وَمَا تَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالعَمَلِ وَالْوَرَعِ! ٢.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ١٧٣، باب حق المؤمن، حديث ١٠.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٧٤، باب اطاعة التقوى، حديث ٣.

۱۶۰. از محمد بن عجلان که گفت:

نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی وارد شد و سلام کرد. حضرت علیه السلام از او پرسید برادرانت که از آنها جدا شدی، چگونه بودند؟ آن شخص از آنها تمجید کرد و پاکشان دانست و بسیار تعریفشان نمود. حضرت علیه السلام فرمود: احوال پرسی بی نیازان از نیازمندانشان چه اندازه است؟ گفت: اندک. فرمود: دستگیری توانگران از بینوایان چگونه است؟ گفت: اندک. شما اخلاقی را ذکر می کنید که در میان ما کمیاب است. فرمود: پس چگونه خود را شیعه می دانند؟

۱۶۱. از جابر از امام صادق علیه السلام:

[جابر گوید:] امام علیه السلام به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که خود را شیعه می داند، کافی است فقط از محبت ما اهل بیت علیهم السلام بگوید؟ به خدا شیعه ما نیست، مگر آن که تقوای الهی پیشه کند و خدا را اطاعت نماید. اینان شناخته نشوند - ای جابر - مگر به فروتنی و خشوع و ورزی و امانت داری و فراوان یاد کردن خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و همدردی با همسایگان فقیر و بیچارگان و بدھکاران و یتیمان، و راستگویی و خواندن قرآن و جز خیر و خوب درباره مردمان نگفتن. آنها امانت دار امور بستگان خویش اند.

جابر گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا! ما امروزه کسی را با این ویژگی ها نمی شناسیم. فرمود: ای جابر! راه های مختلف، تو را از راه بیرون نبرد. آیا برای شخص کافی است بگوید «من علی را دوست می دارم و پیروی اش می کنم» و با وجود این، اهل کار و عمل نباشد؟ پس اگر بگوید «من رسول خدا را دوست دارم» - حال که رسول خدا بهتر از علی است - اما از سیره و سنت آن حضرت تبعیت نکند، آن محبت هیچ سودی به حال او ندارد.

پس تقوای الهی پیشه کنید و برای به دست آوردن آنچه نزد خداست بکوشید، که بین خدا و کسی قربت و خویشی وجود ندارد. بهترین بندگان نزد خدای عزوجل و گرامی ترین آنها، باتقواترین و عامل ترین آنها در اطاعت است.

ای جابر! به خدا سوگند که جز به اطاعت خدا، به او تقرب نتوان جست و با ما بودن، مایه برائت از آتش نیست و هیچ کس در برابر خدا بهانه و دلیل نخواهد داشت. هر که مطیع خدا باشد، دوست دار ما است و هر که از او نافرمانی کند، دشمن ما است و به ولایت ما نتوان رسید مگر به کار و پرهیز از محرّمات.



١٦٢. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؛ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَمَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تُحُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ، وَمَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تُحُومِ الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ^١.

١٦٣. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

اصْبِرْ عَلَى أَغْدَاءِ التَّعَمُّ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ بِأَفْضَلٍ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ^٢.

صبر جميل

١٦٤. عَنْ جَابِرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ مَا الصَّبْرُ الْجَمِيلُ؟ قَالَ: ذَلِكَ صَبْرٌ لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى النَّاسِ^٣.

صدقه (خاموشى)

١٦٥. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

أَمْسِكْ لِسَانَكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ ثُمَّ قَالَ وَلَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْرُونَ مِنْ لِسَانِهِ^٤.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ٩١، بَابُ الصَّبْرِ، حَدِيثُ ١٥.
٢. اصول كافي، ج ٢، ص ١٠٩، بَابُ كَظْمِ الْغَيْظِ، حَدِيثُ ٣.
٣. اصول كافي، ج ٢، ص ٩٣، بَابُ صَبْرِ، حَدِيثُ ٢٣.
٤. اصول كافي، ج ٢، ص ١١٤، بَابُ الصَّمْتِ وَحِفْظِ اللِّسَانِ حَدِيثُ ٧.



۱۶۲. رسول خدا ﷺ فرمود:

صبر و شکیبایی سه گونه است: صبر هنگام مصیبت و بلا، و صبر بر اطاعت و صبر هنگام معصیت. هر که در هنگام بلا و گرفتاری، شکیبایی ورزد تا با تسلائی نیک آن را پشت سر گذارد، خدا برای او سیصد درجه نويسد که بين هر درجه با درجه ديگر، به اندازه بين آسمان و زمين، فاصله باشد. و هر کس در اطاعت خدا صبوری کند، خدا برایش ششصد درجه نويسد که بين هر کدام به اندازه قعر زمين تا عرش، فاصله باشد.

۱۶۳. از موسی بن جعفر علیه السلام که فرمود:

در برابر دشمنان نعمت صبر پیشه کن، زیرا کسی که نسبت به تو خدا را نافرمانی کرده، بهترین راه تلافی کردن آن است که درباره اش، اطاعت خدا کنی.

۱۶۴. از جابر که گفت:

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: خدایت رحمت کند، صبر جمیل چیست؟ فرمود: صبوری که در آن، شکایت نزد مردم نباشد.

۱۶۵. رسول خدا ﷺ فرمود:

زبان‌ت را نگاه دار، زیرا این کار صدقه‌ای است که برای خود می‌پردازی. سپس فرمود: بنده حقیقت ایمان را نمی‌شناسد تا اینکه زبانش را (از بیهوده گویی) باز دارد.



صلوات

١٦٦. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ إِذَا ذُكِرَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَأَكْثِرُوا الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَلَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَى الْعَبْدِ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَصَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَرَعَبْ فِي هَذَا فَهُوَ جَاهِلٌ مَعْرُورٌ قَدْ بَرِيَ اللَّهُ مِنْهُ وَرَسُولُهُ وَأَهْلُ بَيْتِهِ^١.

١٦٧. عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ قَالَ يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ فَضِيَّتْ لَهُ مِائَةُ حَاجَةٍ ثَلَاثُونَ لِلدُّنْيَا وَالبَاقِي لِلْآخِرَةِ^٢.

١٦٨. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

يَا إِسْحَاقَ بْنَ فَرْوَحَ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفًا مَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا^٣.

١٦٩. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالبَيْتِ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ أَبِي يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَبْزُرْهَا لَا تَطْلِمُنَا حَقَّنَا قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ^٤.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ٤٩٢، باب الصلاة على النبي، حديث ٦.
٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٤٩٣، باب الصلاة على النبي، حديث ٩.
٣. اصول كافي، ج ٢، ص ٤٩٣، باب الصلاة على النبي، حديث ١٤.
٤. اصول كافي، ج ٢، ص ٤٩٣، باب الصلاة على النبي، حديث ٢١.



۱۶۶. از ابویصیر، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر گاه نام پیامبر صلی الله علیه و آله برده شود، فراوان بر او درود فرستید، زیرا هر که یک صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستد، خدا با هزار صف از فرشتگان، هزار درود بر او می فرستد و با این درود و صلوات خدا و فرشتگان بر بنده، هر آنچه خداوند آفریده نیز بر او درود می فرستند. هر که به این عمل رغبت نورزد، نادان و فریب خورده است و خدا و رسول و اهل بیت، از او بری و بیزارند.

۱۶۷. از معاویه بن عمار، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر که صدبار بگوید: «پروردگارا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست» صد حاجتش برآورده می شود، سی حاجت دنیاوی، و بقیه آخرتی.

۱۶۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

ای اسحاق بن فروخ هر که ده بار بر محمد و آل محمد درود فرستد، خداوند و فرشتگان صد درود بر او فرستند؛ و هر که صدبار بر محمد و خاندان محمد درود فرستد، خدا و فرشتگان هزار درود بر او فرستند. آیا این سخن خدای عزوجل را نشنیده‌ای که: «او کسی است که بر شما درود می فرستد، و نیز فرشتگانش، تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد، و نسبت به مؤمنان رحیم است».

۱۶۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

پدرم شنید که مردی خود را از پرده کعبه آویخته بود و می گفت: «اللهم صل علی محمد» پس به او گفت: ای بنده خدا! صلوات را ناقص مکن، در حق ما ستم منما، بگو: «خدایا بر محمد و اهل بیتش درود بفرست».



صلوات

١٧٠. عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَبْدَأُ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى يَنْسَى حَاجَتَهُ فَيَقْضِيهَا اللَّهُ لَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْأَلَهُ إِيَّاهَا.

صله رحم

١٧١. عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
صِلْهُ الْأَرْحَامَ تَزْكِي الْأَعْمَالَ وَتُنْبِي الْأَمْوَالَ وَتَدْفَعُ الْبُلُؤَى وَتُيسِّرُ الْحِسَابَ وَ
تُنْسِي فِي الْأَجَلِ^٢.

١٧٢. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَوْصِي الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْعَائِبَ مِنْهُمْ وَمَنْ فِي أَصْلَابِ
الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَإِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى
مَسِيرَةِ سَنَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ^٣.

١٧٣. عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
صِلْهُ الْأَرْحَامَ تُحَسِّنِ الْخُلُقَ وَتُسَمِّحَ الْكُفَّ وَتُطَيِّبَ النَّفْسَ وَتَزِيدُ فِي الرَّزْقِ
وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ^٤.

١٧٤. عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
أَوَّلُ نَاطِقٍ مِنَ الْجَوَارِحِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ تَقُولُ يَا رَبِّ مَنْ وَصَلَنِي فِي الدُّنْيَا
فَصِلِ الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ وَمَنْ قَطَعَنِي فِي الدُّنْيَا فَاقْطَعْ الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ٥٠١، باب الاشتغال بذكر الله، حديث ٢.
٢. اصول كافي، ج ٢، ص ١٥٠، باب صله رحم، حديث ٤.
٣. اصول كافي، ج ٢، ص ١٥١، باب صله رحم، حديث ٥.
٤. اصول كافي، ج ٢، ص ١٥٠، باب صله رحم، حديث ٣.
٥. اصول كافي، ج ٢، ص ١٥١، باب صله رحم، حديث ٨.





۱۷۰. از هارون بن خارجه، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
گاهی بنده نیازی به درگاه خدای عزوجل دارد. پس با حمد و ثنای
پروردگار شروع می‌کند و آنگاه بر محمد و خاندان محمد درود
می‌فرستد، اما نیاز و حاجت خود را از یاد می‌برد. پس خداوند، بی
آنکه آن نیاز خواسته شده باشد، آن را برآورده می‌سازد.

۱۷۱. از ابوحمزه که گفت: امام باقر علیه السلام فرمود:
پیوند و نیکی با خویشان، اعمال را پاکیزه می‌کند و اموال را می‌افزاید و
بلا را برمی‌گرداند و حساب را آسان می‌سازد و اجل را به تأخیر اندازد.

۱۷۲. از جابر، از امام باقر علیه السلام که فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حاضران و آیندگان از امتم، و آنان که در پشت
مردان و رحم‌های زنان هستند تا قیامت، همه را سفارش می‌کنم به
پیوند و نیکی با خویشان، اگر چه به پیمودن فاصله یکسال راه، چرا که
این عمل، جزء دین است.

۱۷۳. از ابوحمزه، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
پیوند و نیکی با خویشان، اخلاق را نیکو، دست را بخشنده و جان را
پاکیزه و روزی را افزوده می‌کند و اجل را به تأخیر می‌اندازد.

۱۷۴. از یونس بن عمار که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:
اولین عضوی که در قیامت زبان خواهد گشود «رحم» است که می‌گوید:
پروردگارا! هر که مرا در دنیا پیوند داده، امروز بین او و خود پیوند ده و
هر که مرا در دنیا قطع کرده و بریده، امروز پیوند خود و او را قطع نما.



صله رحم

١٧٥. عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ حَافَتَا الصَّرَاطِ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ الرَّحْمُ وَالْأَمَانَةُ فَإِذَا مَرَّ الْوُصُولُ لِلرَّحِمِ الْمُؤَدِّي لِلْأَمَانَةِ نَقَدَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ
إِذَا مَرَّ الْحَائِنُ لِلْأَمَانَةِ الْقَطُوعُ لِلرَّحِمِ لَمْ يَنْفَعَهُ مَعَهُمَا عَمَلٌ وَتَكْفَأُ بِهِ الصَّرَاطُ
فِي النَّارِ

١٧٦. عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحُدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَعْجَلَ الْخَيْرِ تَوَابًا صَلَّةُ الرَّحِمِ^١.

١٧٧. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
مَا تَعَلَّمُ شَيْئًا يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلَّا صَلَّةَ الرَّحِمِ حَتَّىٰ إِنْ الرَّجُلَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثَ
سِنِينَ فَيَكُونُ وَصُولًا لِلرَّحِمِ فَيَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَجْعَلُهَا ثَلَاثًا وَ
ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَكُونُ قَاطِعًا لِلرَّحِمِ فَيَقْضُ
اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَجْعَلُ أَجَلَهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ^٢.

١٧٨. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ فَجْرَةً وَ لَا يَكُونُونَ بَرَّةً فَيَصِلُونَ
أَرْحَامَهُمْ فَتَنِّي أَمْوَالُهُمْ وَ تَطُولُ أَعْمَارُهُمْ فَكَيْفَ إِذَا كَانُوا أَبْرَارًا بَرَّةً^٣.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ١٥١، باب صله رحم، حديث ٧.

٢. اصول كافي، ج ٢، ص ١٥٢، باب صله رحم، حديث ١٥.

٣. اصول كافي، ج ٢، ص ١٥٢، باب صله رحم، حديث ١٧.

٤. اصول كافي، ج ٢، ص ١٥٥، باب صله رحم، حديث ٢١.



۱۷۵. از حنان بن سدیر، از امام باقر علیه السلام که فرمود:

ابوذر - که خدا از او خشنود باد - گوید: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: در روز قیامت «رحم» و «امانت» در دو طرف صراط قرار دارند. آن که صله رحم کرده و امانت دار بوده از صراط بگذرد و به بهشت رود و آن که در امانت خیانت ورزیده و پیوند خویش بریده، هیچ کار خیری سودش ندهد و صراط او را در آتش سرنگون کند.

۱۷۶. از ابو عبیده حذاء، از امام باقر علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کاری که خیرش زودتر از هر چیز دیگر به انسان می رسد، صله رحم است.

۱۷۷. از اسحاق بن عمار که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

جز صله رحم چیزی را سراغ ندارم که عمر را بیفزاید، تا آن جا که شخص عمرش تا سه سال دیگر است، اما چون صله رحم به جای می آورد، خداوند به عمرش سی سال می افزاید و آن را سی و سه سال قرار می دهد و گاه اجل شخص سی و سه سال است و چون پیوند و نیکی با خویشان را قطع کرده، خدا سی سال از عمرش می کاهد و آن را سه سال قرار می دهد.

۱۷۸. از عبدالله بن سنان، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گاه مردمی بد کارند و نیکوکار نیستند، پس صله رحم به جای آورند. در نتیجه اموالشان فراوان می شود و عمرهاشان طولانی، چه رسد به اینکه نیکوکار باشند و صله رحم کنند.



صله رحم

١٧٩. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
إِنَّ صَلَاةَ الرَّحِمِ وَالْبِرَّ لَيَهْوَتَانِ الْحِسَابِ وَيَعْصِمَانِ مِنَ الذُّنُوبِ فَصَلُّوا
أَرْحَامَكُمْ وَبُرُّوا بِإِخْوَانِكُمْ وَلَوْ بِحُسْنِ السَّلَامِ وَرَدَّ الْجَوَابُ^١.

ظلم

١٨٠. عَنْ أَبِي حَمْرَةَ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
لَمَّا حَضَرَ عَلِيٌّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام الْوَفَاةَ صَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ أُوصِيكَ بِمَا
أَوْصَانِي بِهِ أَبِي عليه السلام حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ وَبِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ قَالَ يَا بُنَيَّ
إِيَّاكَ وَظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ^٢.

عالم

١٨١. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ^٣.

١٨٢. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَا مِنْ أَحَدٍ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ إِبْلِيسَ مِنْ مَوْتِ فَقِيهِ^٤.

١٨٣. عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ:
يَا هِشَامُ! قَلِيلُ الْعَمَلِ مِنَ الْعَالِمِ مَقْبُولٌ مُضَاعَفٌ، وَكَثِيرُ الْعَمَلِ مِنْ أَهْلِ
الْهُوَى وَالْجَهْلِ مَرْدُودٌ^٥.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ١٥٧، باب صلة رحم، حديث ٣١.

٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٣٣١، باب الظلم، حديث ٥.

٣. اصول كافي، ج ١، ص ٣١، كتاب فضل العلم، باب صفة العلم و...، حديث ٨.

٤. اصول كافي، ج ١، ص ٣٠، كتاب فضل العلم، باب فقد العلماء، حديث ١.

٥. اصول كافي، ج ١، ص ١٣، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.



۱۷۹. از اسحاق بن عمار که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: پیوند و نیکی با خویشان و احسان کردن، حساب‌رسی را آسان می‌کنند و از گناه در امان می‌دارند. پس با خویشان خود مرتبط و نیکوکار باشید و به برادران خود احسان کنید، هر چند با نیک سلام کردن و پاسخ سلام دادن.

۱۸۰. از ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام که فرمود: چون وقت جان دادن علی بن حسین فرا رسید، مرا به سینه چسبانید و فرمود: ای فرزند! تو را به آنچه پدرم به هنگام مرگ به من وصیت کرده، و آنچه جدم به پدرم وصیت نموده، سفارش می‌کنم: ای فرزند! مبدا ستم کنی بر آن که در برابر تو جز خدا یاری کننده‌ای نمی‌یابد.

۱۸۱. از امام باقر علیه السلام که فرمود: دانایی که از دانش او سود برند، بهتر است از هفتاد هزار عبادت کننده.

۱۸۲. از امام صادق علیه السلام که فرمود: مرگ هیچ مؤمنی نزد ابلیس محبوب‌تر از مرگ انسان فقیه نیست.

۱۸۳. از هشام بن حکم که امام موسی بن جعفر علیه السلام به او فرمود: ای هشام! کار اندک از عالم، پذیرفته و چند برابر است و کار بسیار از هواپرستان و جاهلان ناپذیرفته و مردود.



١٨٤. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَذَلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِرْهَمًا وَلَا دِينَارًا وَإِنَّمَا أُوْرَثُوا أَحَادِيثَ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ، فَمَنْ أَخَذَ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حَظًّا وَافِرًا، فَانظُرُوا عِلْمَكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَهُ، فَإِنَّ فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُولًا يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْعَالِيْنَ وَانْتِحَالَ الْمُبْطِلِيْنَ وَتَأْوِيلَ الْجَاهِلِيْنَ^١.

١٨٥. عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلٌ رَاوِيَةٌ لِحَدِيثِكُمْ يَبْتُ ذَلِكَ فِي النَّاسِ وَيُسَدِّدُهُ فِي قُلُوبِهِمْ وَ قُلُوبِ شِيعَتِكُمْ وَ لَعَلَّ عَابِدًا مِنْ شِيعَتِكُمْ لَيْسَتْ لَهُ هَذِهِ الرَّوَايَةُ أَيُّهَمَا أَفْضَلُ؟ قَالَ: الرَّوَايَةُ لِحَدِيثِنَا يَشُدُّ بِهِ قُلُوبَ شِيعَتِنَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ^٢.

١٨٦. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ مِنْ حَقِّ الْعَالِمِ أَنْ لَا تُكْثِرَ عَلَيْهِ السُّؤَالَ وَ لَا تَأْخُذَ بِتَوْبِيهِ، وَإِذَا دَخَلْتَ عَلَيْهِ وَ عِنْدَهُ قَوْمٌ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا وَ حُصَّهُ بِالتَّحِيَّةِ دُونَهُمْ، وَ اجْلِسْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا تَجْلِسْ خَلْفَهُ وَ لَا تَغْمِزْ بَعْيُنِكَ وَ لَا تُثِيرَ بِيَدِكَ وَ لَا تُكْثِرَ مِنَ الْقَوْلِ قَالَ فُلَانٌ وَ قَالَ فُلَانٌ خِلَافًا لِقَوْلِهِ، وَ لَا تَضَجِّرْ بِطَوْلِ صُحْبَتِهِ. فَإِنَّمَا مَثَلُ الْعَالِمِ مَثَلُ التَّخْلَةِ تَنْتَظِرُهَا حَتَّى يَسْقُطَ عَلَيْكَ مِنْهَا شَيْءٌ، وَ الْعَالِمُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ^٣.

١. اصول كافي، ج ١، ص ٣٠، كتاب فضل العلم، باب صفة العلماء، ...، حديث ٢.
٢. اصول كافي، ج ١، ص ٣١، كتاب فضل العلم، باب صفة العلماء، ...، حديث ٩.
٣. اصول كافي، ج ١، ص ٣٠، كتاب فضل العلم، باب حق العالم، حديث ١.



۱۸۴. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

عالمان، میراث بران پیامبرانند، به این معنی که پیامبران درهم و دینار بر جای ننهادند، بلکه روایاتی از سخنان خود را به ارث گذارده‌اند. هر که به پاره‌ای از آن احادیث عمل نماید، بهره فراوان برده است. بنگرید که علم خود را از که می‌آموزید. در بین ما اهل بیت علیهم السلام، پس از یکی، دیگری که عادل است می‌آید و از دانش، تحریف زیاده‌گویان و ادای ناحق باطل‌گرایان و تأویل جاهلان را می‌زداید.

۱۸۵. از معاویه بن عمار که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی است که احادیث شما را روایت می‌کند و بین مردم می‌پراکند و آنها را در قلوب ایشان و قلوب شیعیان شما راسخ می‌گرداند. و شاید عابدی از شیعیان شما هم باشد که این عمل از او بر نمی‌آید. کدام برترند؟ فرمود: نقل احادیث ما که موجب استحکام قلوب شیعیان شود، از عبادت هزار عابد برتر است.

۱۸۶. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمود:

از جمله حقوق عالم آن است که زیاده از حد از او پرسش نکنی، جامه‌اش را نگیری و هر گاه بر او که با جماعتی نشست، وارد شدی، بر همگان سلام کنی و به عالم سلام مخصوص دهی. در برابرش بنشیننی نه در پشت سرش. به گوشه چشم و با دست به او اشاره نکنی و اقوال این و آن را که با عقیده او ناسازگار است، مدام ذکر نمایی و از مصاحبت طولانی با او آزرده خاطر نشوی، چرا که عالم مثل درخت خرماست که باید منتظر باشی تا چیزی از آن نصیب تو شود. پاداش انسان عالم بیشتر است از ثواب شخص روزه‌دار شب‌زنده‌دار جنگجوی در راه خدا.



١٨٧. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرُ عَنِ الصَّخَاةِ.

١٨٨. عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ: طَالِبُ دُنْيَا وَ طَالِبُ عِلْمٍ، فَمَنْ افْتَصَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ، وَمَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَوْ يَرَاجَعَ وَ مَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَ عَمِلَ بِعِلْمِهِ نَجَا وَ مَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حَظُّهُ^٢.

عبادت

١٨٩. سَمِعْتُ أبا جَعْفَرَ عليه السلام يَقُولُ:

لِمَجْلِسٍ أَجْلِسُهُ إِلَى مَنْ أَتَيْتُ بِهِ أَوْتَقُّ فِي نَفْسِي مِنْ عَمَلِ سَنَةٍ^٣.

١٩٠. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ يَا ابْنَ آدَمَ! تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ غَنَى وَ لَا أَكِلِكَ إِلَى طَلْبِكَ وَ عَنِّي أَنْ أَسَدَّ فَاقَتَكَ. وَ أَمَلًا قَلْبِكَ خَوْفًا مِنِّي وَ إِنْ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ شُغْلًا بِالدُّنْيَا، ثُمَّ لَا أَسَدَّ فَاقَتَكَ وَ أَكِلِكَ إِلَى طَلْبِكَ^٤.



١. اصول کافی، ج ١، ص ٤٤، باب استعمال العلم، حدیث ٣.
 ٢. اصول کافی، ج ١، ص ٤٦، بَابُ الْمُسْتَأْكَلِ بِعِلْمِهِ وَ الْمُبَاهِي بِهِ، حدیث ١.
 ٣. اصول کافی، ج ١، ص ٣٩، باب مجالسة العلماء، حدیث ٥.
 ٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٨٣، بَابُ الْعِبَادَةِ، حدیث ١.



۱۸۷. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
شخص دانا چون به علم خود عمل نکند، پند و اندرزش در دلها قرار
نگیرد، چنان که باران بر صخره و سنگ قرار نگیرد و بلغزد.

۱۸۸. از سلیم بن قیس که گفت:
شنیدم امیرمؤمنان علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو گرسنه اند که
هرگز سیر نمی شوند: دنیا خواه و دانش جو. هر که از دنیا به آنچه خدا
برایش حلال کرده، اکتفا نماید، به سلامت ماند و هر که از راه ناروا
آن را به دست آورد هلاک شود، مگر آنکه توبه کند و باز گردد. و هر
که دانش را از اهلش بگیرد و به آن عمل کند، نجات یابد و هر که به
دانش، دنیا را بخواهد، همان دنیا بهره او است.

۱۸۹. (راوی گوید): شنیدم که امام باقر علیه السلام فرمود:
جلسه‌ای که در آن، پای سخن کسی که به او اعتماد دارم، بنشینم، برای
من از یکسال عبادت اطمینان‌آورتر است.

۱۹۰. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
در تورات نوشته: ای آدمیزاد! از هر کاری برای عبادت من دست بکش،
تا قلبت را از بی‌نیازی پر کنم و تو را به خواسته‌ات وا نگذارم و بر من
لازم باشد که حاجتت را روا سازم و دلت را از خوف خود بینا کنم، اما
اگر خود را برای عبادت من فارغ نکنی، قلبت را از گرفتاری و مشغله
دنیا لبریز می‌کنم و راه نیاز را به رویت نمی‌بندم و تو را به خواسته‌ات
وا می‌گذارم.



عذاب زبان

١٩١. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُعَذَّبُ اللَّهُ اللِّسَانَ بِعَذَابٍ لَا يُعَذَّبُ بِهِ شَيْئاً مِنَ الْجَوَارِحِ فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ عَذَّبْتَنِي بِعَذَابٍ لَمْ تُعَذَّبْ بِهِ شَيْئاً فَيُقَالُ لَهُ حَرَجَتْ مِنْكَ كَلِمَةٌ فَبَلَغَتْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا فَسُفِكَ بِهَا الدَّمُ الْحَرَامُ وَانْتَهَبَ بِهَا الْمَالَ الْحَرَامُ وَانْتَهَكَ بِهَا الْفَرْجَ الْحَرَامَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأُعَذِّبَنَّكَ بِعَذَابٍ لَا أُعَذِّبُ بِهِ شَيْئاً مِنْ جَوَارِحِكَ!

عفت

١٩٢. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنِّي ضَعِيفُ الْعَمَلِ قَلِيلُ الصِّيَامِ وَكَكَيْي أَرْجُو أَنْ لَا أَكُلَ إِلَّا حَلَالًا. قَالَ فَقَالَ لَهُ: أَيُّ الْاجْتِهَادِ أَفْضَلُ مِنْ عَفَةِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ!^١

عفو و گذشت

١٩٣. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْأَوْلِيَيْنَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ أَيْنَ أَهْلُ الْفَضْلِ قَالَ فَيَقُومُ عَنْقُ مِنَ النَّاسِ فَتَلْقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ وَمَا كَانَ فَضْلُكُمْ فَيَقُولُونَ كُنَّا نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا وَنُعْطِي مَنْ حَرَمَنَا وَنَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنَا قَالَ فَيُقَالُ لَهُمْ صَدَقْتُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ.^٢

١. اصول کافی، ج ٢، ص ١١٦، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ١٦.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٨٠، باب العفو، حدیث ٤.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ١٠٧، باب العفو، حدیث ٤.



۱۹۱. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا زبان را چنان عذاب می کند که دیگر اعضا را آن گونه عذاب نکرده است. زبان می گوید: پروردگارا! مرا به عذابی معذب نمودی که هیچ موجود دیگری را آن گونه عذاب نکرده ای. به زبان خطاب شود: کلمه ای از تو بیرون آمد که به شرق و غرب زمین رسید و به واسطه آن خون ناحقی بر زمین ریخت و مال محترمی به غارت رفت و پرده عفتی از هم دریده شد. به عزت و جلالم سوگند! تو را عذابی کنم که هیچ یک از اعضای دیگر را آنگونه عذاب نکرده باشم.

۱۹۲. از ابوبصیر که گفت:

مردی به امام باقر علیه السلام گفت: کار من سست و روزهام اندک است؛ اما امیدم آن است که جز حلال نخورم. امام علیه السلام فرمود: چه کوششی برتر از عفت شکم و شهوت؟

۱۹۳. از علی بن الحسین علیه السلام که فرمود:

در روز قیامت خدای تبارک و تعالی گذشتگان و آیندگان را در یک سرزمین گرد آورد و منادی ندا دهد: برترین ها کجایند؟ گروهی از مردم برمی خیزند و فرشتگان از آنان استقبال می کنند و می گویند: برتری شما به چیست؟ پاسخ می دهند: با آن که از ما می برید، می پیوستیم و به آن که محرومان می داشت عطا می کردیم و از آن که بر ما ستم می نمود، درمی گذشتیم. فرشتگان می گویند: راست می گوئید. وارد بهشت شوید.



١٩٤. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ:

هَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا آدَمُ! إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُخْبِرَكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ فَاخْتَرْتَهَا وَدَعِ اثْنَتَيْنِ، فَقَالَ لَهُ آدَمُ: يَا جَبْرَائِيلُ! وَمَا الثَّلَاثُ؟ فَقَالَ: الْعَقْلُ وَالْحَيَاءُ وَالذِّينُ، فَقَالَ آدَمُ: إِنِّي قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ، فَقَالَ جَبْرَائِيلُ لِلْحَيَاءِ وَالذِّينِ انصَرِفَا وَدَعَاؤُهُ، فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ! إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ، قَالَ فَشَأْنُكُمْمَا وَعَرَجُ!

١٩٥. عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ مَا الْعَقْلُ؟ قَالَ: مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَاكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ. قَالَ: قُلْتُ فَالَّذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ؟ فَقَالَ: تِلْكَ التَّكْرَاءُ تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَهِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَلَيْسَتْ بِالْعَقْلِ^٢.

١٩٦. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّمَا يَدَأُ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا^٣.

١٩٧. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ فَاَنْظُرُوا فِي حُسْنِ عَقْلِهِ، فَإِنَّمَا يُجَارَى بِعَقْلِهِ^٤.

١. اصول کافی، ج ١، ص ١٠، کتاب العقل و الجهل، حدیث ٢.

٢. اصول کافی، ج ١، ص ١١، کتاب العقل و الجهل، حدیث ٣.

٣. اصول کافی، ج ١، ص ١١، کتاب العقل و الجهل، حدیث ٧.

٤. اصول کافی، ج ١، ص ١٢، کتاب العقل و الجهل، حدیث ٩.



۱۹۴. از علی علیه السلام که فرمود:

جبرئیل نزد آدم فرود آمد و گفت: ای آدم! من مأمورم که تو را بین سه چیز مخیر سازم. یکی را برگزین و دو تای دیگر را رها کن. آدم گفت: آن سه کدام است ای جبرئیل؟ گفت: خرد و حیا و دین. آدم گفت: من خرد را برگزینم. جبرئیل به حیا و دین گفت برگردید و او را واگذارید. گفتند: ای جبرئیل! ما مأموریم که با خرد همراه باشیم هر جا که هست. گفت: خود دانید (و بالا رفت).

۱۹۵. از یکی از راویان شیعه، در حدیث مرفوع، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

[راوی گوید:] گفتم: عقل و خرد چیست؟ فرمود: آنچه به واسطه آن، خدای رحمان عبادت شود و بهشت به دست آید. گفتم: پس آنچه در معاویه بود، چه بود؟ فرمود: حيله گری بود، شیطنت بود. این دو به عقل شبیه اند و عقل نیستند.

۱۹۶. از امام باقر علیه السلام که فرمود:

خداوند در روز قیامت، به اندازه عقلی که در دنیا به بندگان عطا کرده، در حسابشان دقیق می شود و می نگرَد.

۱۹۷. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه از کسی حال خوبی مشاهده کردید، به خوبی و حسن خردش بنگرید، چرا که انسان به عقلش مکافات می شود.



١٩٨. مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيُّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَلَانَ مِنْ عِبَادَتِهِ وَدِينِهِ وَفَضْلِهِ! فَقَالَ: كَيْفَ عَقْلُهُ؟ قُلْتُ: لَا أَدْرِي، فَقَالَ: إِنَّ النَّوَابَ عَلَى قَدْرِ الْعَقْلِ، إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ فِي جَزِيرَةٍ مِنْ جَزَائِرِ الْبَحْرِ خَضْرَاءَ نَضْرَةٍ كَثِيرَةٍ الشَّجَرِ ظَاهِرَةِ الْمَاءِ، وَإِنَّ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَرَّ بِهِ فَقَالَ: يَا رَبِّ أَرِنِي نَوَابَ عَبْدِكَ هَذَا، فَأَرَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ فَاسْتَقَلَّهُ الْمَلِكُ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ اصْحَبْهُ، فَأَتَاهُ الْمَلِكُ فِي صُورَةِ إِنْسِيٍّ فَقَالَ لَهُ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا رَجُلٌ عَابِدٌ بَلَعَنِي مَكَانَكَ وَ عِبَادَتُكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ، فَأَتَيْتُكَ لِأَعْبُدَ اللَّهَ مَعَكَ، فَكَانَ مَعَهُ يَوْمَهُ ذَلِكَ فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ لَهُ الْمَلِكُ: إِنَّ مَكَانَكَ لَنَزْهٍ وَ مَا يَصْلُحُ إِلَّا لِلْعِبَادَةِ، فَقَالَ لَهُ الْعَابِدُ: إِنَّ لِمَكَانِنَا هَذَا عَيْبًا، فَقَالَ لَهُ: وَ مَا هُوَ؟ قَالَ: لَيْسَ لِرَبَّنَا بَهِيمَةٌ فَلَوْ كَانَ لَهُ جِمَارٌ رَعَيْنَاهُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَإِنَّ هَذَا الْحَشِيشَ يَضِيعُ. فَقَالَ لَهُ ذَلِكَ الْمَلِكُ: وَ مَا لِرَبِّكَ جِمَارٌ، فَقَالَ: لَوْ كَانَ لَهُ جِمَارٌ مَا كَانَ يَضِيعُ مِثْلَ هَذَا الْحَشِيشِ. فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْمَلِكِ إِمَّا أُثِيبُهُ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ!

١٩٩. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ:

ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلًا مُبْتَلَى بِالْوُضُوءِ وَ الصَّلَاةِ، وَ قُلْتُ: هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: وَ أَيُّ عَقْلٍ لَهُ وَ هُوَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ؟ فَقُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ؟ فَقَالَ: سَلَهُ هَذَا الَّذِي يَأْتِيهِ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ هُوَ؟ فَإِنَّهُ يَقُولُ لَكَ: مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ!

١. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ٨.
٢. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ١٠.



۱۹۸. محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فلانی عبادت و دین و فضل بسیار دارد. فرمود: خردش چگونه است؟ گفتم: نمی دانم. فرمود: پاداش به اندازه خرد و عقل است. مردی از بنی اسرائیل در جزیره‌ای از جزیره‌های دریای سبز که سرسبز و پردرخت و در معرض آب بود، خدا را عبادت می کرد. فرشته‌ای بر او گذر کرد و گفت: پروردگارا! پاداش این بنده‌ات را به من بنما. خداوند پاداش شخص عابد را به فرشته نشان داد و او آن را اندک یافت. پس خدای تعالی به او وحی فرمود که با او همراه شود. فرشته به شکل انسانی نزد عابد رفت. عابد به او گفت: تو کیستی؟ گفت: مردی عابد و آواره مکان که عبادت تو در این مکان به گوشم رسیده، آمده‌ام با تو خدا را عبادت کنم. فرشته در آن روز با عابد همراه گردید و فردای آن روز، رو به عابد کرد و گفت: اینجا مکانی است پاک و سرسبز و جز برای عبادت خدا شایسته نیست. عابد گفت: اما یک عیب دارد. فرشته گفت: چه عیبی؟ حیف که پروردگار ما چهارپایی ندارد. اگر الاغی داشت، در این مکان می چراندیمش و این علف‌ها تباه نمی شد. فرشته به او گفت: اما پروردگار تو الاغی ندارد. گفت: اگر می داشت، این علف‌ها و سبزه‌ها از بین نمی رفت. پس خداوند به فرشته وحی فرمود: او را به اندازه عقلش پاداش می دهم.

۱۹۹. از عبدالله بن سنان که گفت:

برای امام صادق علیه السلام درباره مردی که در وضو و نمازش وسواسی بود، گفتم و اینکه: مردی عاقل و با خرد است. امام علیه السلام فرمود: کدام عقل و خرد؟! در حالی که شیطان را اطاعت می کند. گفتم: چه اطاعتی؟! فرمود: از او بپرس که سرمنشأ وسواس او از کجاست. خواهد گفت: از عمل شیطان است.





٢٠٠. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ، فَتَنُومُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجَاهِلِ، وَإِقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سُخُوصِ الْجَاهِلِ، وَلَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَيَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أُمَّتِهِ، وَمَا يُضْمِرُ النَّبِيُّ ﷺ فِي نَفْسِهِ أَفْضَلَ مِنْ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِينَ، وَمَا أَدَّى الْعَبْدُ فَرَايَضَ اللَّهِ حَتَّى عَقَلَ عَنْهُ، وَلَا بَلَغَ جَمِيعُ الْعَابِدِينَ فِي فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا بَلَغَ الْعَاقِلُ، وَالْعُقَلَاءُ هُمْ أَوْلُو الْأَلْبَابِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا أَوْلُو الْأَلْبَابِ) ١.

٢٠١. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ﷺ:

يَا هِشَامُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَشَّرَ أَهْلَ الْعَقْلِ وَالْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أَوْلُو الْأَلْبَابِ» ٢.

٢٠٢. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ﷺ:

يَا هِشَامُ! إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَدَلِيلَ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ، وَدَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ، وَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيئَةٌ وَمَطِيئَةُ الْعَقْلِ التَّوَاضُعُ، وَ كَفَى بِكَ جَهْلًا أَنْ تَرَكَبَ مَا نُهِيتَ عَنْهُ ٣.

٢٠٣. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ﷺ:

يَا هِشَامُ! إِنَّ الْعَاقِلَ الَّذِي لَا يَشْعَلُ الْحَلَالَ شُكْرَهُ وَلَا يَغْدِبُ الْحَرَامَ صَبْرَهُ ٤.

١. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ١١.

٢. اصول كافي، ج ١، ص ١٣، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.

٣. اصول كافي، ج ١، ص ١٣، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.

٤. اصول كافي، ج ١، ص ١٣، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.





۲۰۰. رسول خدا ﷺ فرمود: چیزی برتر از عقل را خداوند نصیب بندگانش نکرده است. خواب انسان با خرد از بیداری نادان بهتر و بی حرکتی عاقل از حرکت و تلاش جاهل برتر است. خداوند هیچ پیامبر و رسولی را بر نیانگیخت تا اینکه عقل را به کمال رساند و عقل آن پیامبر و رسول از همه عقل‌های امت، بیشتر بود. آنچه پیامبر ﷺ در درون خود پنهان می‌دارد، از کوشش تلاشگران با اهمیت‌تر است و بنده واجبات الهی را آنچنان که باید به جا نیاورد تا اینکه آنها را به نیکی تعقل نماید. همه عبادت‌کنندگان در فضیلت عبادتشان به آنچه شخص عاقل به آن دست یافته، نتوانند رسید و خردمندان همان عاقلانند که خدای تعالی درباره‌شان فرمود: «و متذکر نمی‌شوند، مگر صاحبان خرد».

۲۰۱. هشام بن حکم گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: ای هشام! خدای تعالی خردمندان و انسان‌های فهیم را در کتابش مژده داده است و فرموده: «و بشارت ده بندگان مرا آنان که سخن را می‌شنوند و بهتری‌نشان را دنبال می‌کنند. آنان کسانی‌اند که خدا هدایتشان کرد و آنان همان صاحبان خردند».

۲۰۲. هشام بن حکم گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: ای هشام! هر چیزی را نشانه و دلیلی است و نشانه عقل، فکر کردن است و نشانه تفکر، سکوت. هر چیزی را وسیله‌ای است برای رسیدن، و وسیله رسیدن به عقل، تواضع و فروتنی است. در نادانی تو همین کافی است که به کاری اقدام کنی که از آن نهی شده‌ای.

۲۰۳. هشام بن حکم گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: ای هشام! خردمند کسی است که جستن حلال از شکرگزاری بازش ندارد و امر حرام بر صبوری‌اش غالب نیاید.



٢٠٤. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام:
يَا هِشَامُ! إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ، وَلَمْ يَرْضَ بِالدُّنْيَا مِنَ
الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا، فَلِذَلِكَ رِيحَتْ تِجَارَتُهُمْ^١.

٢٠٥. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام:
يَا هِشَامُ! إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكُوا فُضُولَ الدُّنْيَا، فَكَيْفَ الدُّنُوبَ! وَتَرَكَ الدُّنْيَا مِنَ
الْفُضْلِ وَتَرَكَ الدُّنُوبَ مِنَ الْفُرْضِ^٢.

٢٠٦. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام:
يَا هِشَامُ! إِنَّ الْعَاقِلَ نَظَرَ إِلَى الدُّنْيَا وَإِلَى أَهْلِهَا فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَسْقَةِ،
وَنَظَرَ إِلَى الْآخِرَةِ فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَسْقَةِ فَطَلَبَ بِالْمَسْقَةِ، أَبْقَاهُمَا^٣.

٢٠٧. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام:
يَا هِشَامُ! مَنْ أَرَادَ الْغِنَى بِلَا مَالٍ وَرَاحَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْحَسَدِ وَالسَّلَامَةَ فِي
الدِّينِ، فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْأَلَتِهِ بِأَنْ يُكَمِّلَ عَقْلَهُ، فَمَنْ عَقَلَ
فَنِعَ بِمَا يَكْفِيهِ وَ مَنْ قَنِعَ بِمَا يَكْفِيهِ اسْتَعْنَى، وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ بِمَا يَكْفِيهِ لَمْ
يُذْرِكِ الْغِنَى أَبَدًا^٤.

١. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.
٢. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.
٣. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.
٤. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.



۲۰۴. هشام بن حکم گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: ای هشام! انسان عاقل به کمتر چیزی از دنیا که با حکمت همراه باشد، خشنود است؛ اما به کمتر چیزی از حکمت که با همه دنیا توأم باشد، راضی نیست. این گونه افراد در تجارتشان سود کرده‌اند.

۲۰۵. هشام بن حکم گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: ای هشام! خردمندان، زیادی دنیا را رها کرده‌اند، چه رسد به گناهان، در حالی که رها کردن دنیا فضل است و رها کردن گناهان فرض و واجب.

۲۰۶. هشام بن حکم گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: ای هشام! عاقل به دنیا و دنیا داران نگریست و پی برد که به دنیا جز با مشقت و رنج نتوان رسید و آخرت را نگریست و دانست که آن نیز جز با رنج به دست نیاید، پس خود را به رنج افکند و باقی‌ترین را طلب نمود.

۲۰۷. هشام بن حکم گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: ای هشام! هر که بی‌نیازی بدون مال و ثروت و آسودگی دل از حسادت و سلامت در دین را می‌خواهد، باید به درگاه خدای عزوجل تضرع نماید که عقلش کامل شود، زیرا هر که خرد ورزد، به مقدار کفایت قناعت کند و هر که قناعت نماید، بی‌نیاز شود، اما هر که به آنچه او را کافی است، قانع نباشد، هرگز به بی‌نیازی نخواهد رسید.





٢٠٨. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام:
يَا هِشَامُ! كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ: مَا عَبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ، وَ
مَا تَمَّ عَقْلٌ أَمْرِي حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ سَتَى: الْكُفْرُ وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونَانِ،
وَالرُّشْدُ وَالْحَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولَانِ، وَفَضْلُ مَالِهِ مَبْدُولٌ، وَفَضْلُ قَوْلِهِ مَكْفُوفٌ، وَ
نَصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقُوتُ، لَا يَشْبَعُ مِنَ الْعِلْمِ دَهْرُهُ، الذُّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مَعَ اللَّهِ مِنَ
الْعِزِّ مَعَ غَيْرِهِ، وَالتَّوَاضُعُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الشَّرَفِ، يَسْتَكْبِرُ قَلِيلٌ الْمَعْرُوفِ مِنْ
غَيْرِهِ وَيَسْتَقِيلُ كَثِيرُ الْمَعْرُوفِ مِنْ نَفْسِهِ، وَيَرَى النَّاسَ كُلَّهُمْ خَيْرًا مِنْهُ وَأَنَّهُ
شَرُّهُمْ فِي نَفْسِهِ وَهُوَ تَمَامُ الْأَمْرِ^١.

٢٠٩. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام:
يَا هِشَامُ! إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاهُ^٢.

٢١٠. هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام:
يَا هِشَامُ! إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يُحَدِّثُ مَنْ يَخَافُ تَكْذِيبَهُ، وَلَا يَسْأَلُ مَنْ يَخَافُ مَنَعَهُ،
وَلَا يَعِدُّ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَلَا يَرْجُو مَا يُعْتَفُّ بِرَجَائِهِ، وَلَا يُقَدِّمُ عَلَى مَا يَخَافُ
قُوَّتَهُ بِالْعَجْزِ عَنْهُ^٣.

٢١١. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّيِّ، وَالْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَبَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ^٤.

١. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.

٢. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.

٣. اصول كافي، ج ١، ص ١٢، كتاب العقل والجهل، حديث ١٢.

٤. اصول كافي، ج ١، ص ٢٥، كتاب العقل والجهل، حديث ٢٢.





۲۰۸. هشام بن حکم گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود:

ای هشام! امیرمؤمنان علیه السلام می فرمود: خداوند به چیزی برتر از عقل عبادت نشده است و عقل انسان تمام و کامل نگردد، مگر اینکه در او چند ویژگی باشد: از کفر و بدی اش در امان باشند و عقل و خیرش را امید برند. زیادی مالش بخشیده و زیادی سخنش پوشیده و نصیبش از دنیا روزی رسیده باشد. در تمام عمرش از دانش سیر نگردد و ذلت و خواری با وجود خداوند نزد او محبوب تر باشد از عزت با وجود دیگران، و فروتنی را دوست تر بدارد از بزرگی و علو. خوبی اندک را از دیگران بسیار بیند و خوبی بسیار را از خود اندک و همه مردم را از خود بهتر بداند و خویش را نزد خود بدترین آنها به شمار آورد. تمامیت و کمال عقل همین است.

۲۰۹. هشام بن حکم گفت:

امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: ای هشام! خردمند دروغ نگوید هر چند که دلخواهش در دروغ گفتن باشد.

۲۱۰. هشام بن حکم گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود:

ای هشام! عاقل با کسی که می ترسد تکذیبش نماید، سخن نمی گوید و از کسی که می ترسد ندهد، درخواست نمی کند و چیزی را که قدرت بر آن ندارد، وعده نمی دهد و به آنچه مایه سرزنش او است، امید نمی بندد و به کاری که می ترسد به انجامش نرساند و از دست برود، اقدام نمی کند.

۲۱۱. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

حجت خدا بر بندگان پیامبر است و حجت بین بندگان و خداوند، عقل و خرد.





٢١٢. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ! لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ، وَلَا مَالَ أَغْوَدَ مِنَ الْعَقْلِ^١.

٢١٣. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ كَثِيرَ الصَّلَاةِ كَثِيرَ الصِّيَامِ، فَلَا تُبَاهُوا بِهِ حَتَّى تَنْظُرُوا كَيْفَ عَقَلُهُ^٢.

٢١٤. إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الرَّجُلُ آتِيهِ وَأَكَلَّمُهُ بِبَعْضِ كَلَامِي فَيَعْرِفُهُ كُلَّهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ آتِيهِ فَأُكَلِّمُهُ بِالْكَلَامِ فَيَسْتَوْفِي كَلَامِي كُلَّهُ ثُمَّ يَرُدُّ عَلَيَّ كَمَا كَلَّمْتُهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ آتِيهِ فَأُكَلِّمُهُ فَيَقُولُ أَعِدْ عَلَيَّ، فَقَالَ: يَا إِسْحَاقُ! وَمَا تُدْرِي لِمَ هَذَا؟ قُلْتُ لَا، قَالَ: الَّذِي تُكَلِّمُهُ بِبَعْضِ كَلَامِكَ فَيَعْرِفُهُ كُلَّهُ فَذَلِكَ مَنْ عُنِجَتْ نُظْفَتُهُ بِعَقْلِهِ، وَآمَّا الَّذِي تُكَلِّمُهُ فَيَسْتَوْفِي كَلَامَكَ ثُمَّ يُجِيبُكَ عَلَى كَلَامِكَ فَذَلِكَ الَّذِي رُكِبَ عَقْلُهُ فِيهِ فِي بَطْنِ أُمَّه، وَآمَّا الَّذِي تُكَلِّمُهُ بِالْكَلَامِ فَيَقُولُ أَعِدْ عَلَيَّ فَذَلِكَ الَّذِي رُكِبَ عَقْلُهُ فِيهِ بَعْدَ مَا كَبِرَ فَهُوَ يَقُولُ لَكَ أَعِدْ عَلَيَّ^٣.

٢١٥. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْكَفْرِ إِلَّا قِلَّةُ الْعَقْلِ، قَبِيل! وَكَيْفَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ يَرْقُوعُ رُغْبَتَهُ إِلَى مَخْلُوقٍ فَلَوْ أَخْلَصَ نِيَّتَهُ لِلَّهِ، لِأَنَّاهُ الَّذِي يُرِيدُ فِي أَسْرَعٍ مِنْ ذَلِكَ^٤.

١. اصول کافی، ج ١، ص ٢٥، کتاب العقل و الجهل، حدیث ٢٥.

٢. اصول کافی، ج ١، ص ٢٦، کتاب العقل و الجهل، حدیث ٢٨.

٣. اصول کافی، ج ١، ص ٢٦، کتاب العقل و الجهل، حدیث ٢٧.

٤. اصول کافی، ج ١، ص ٢٨، کتاب العقل و الجهل، حدیث ٣٣.





۲۱۲. از امام صادق علیه السلام که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! هیچ فقری سخت تر از نادانی و هیچ مالی سودمندتر از خرد نیست.

۲۱۳. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه دیدید کسی بسیار نماز می گذارد و فراوان روزه می گیرد، به او ننازید تا بنگرید که عقلش چگونه است.

۲۱۴. اسحاق بن عمار گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاهی سراغ کسی می روم و با او سخن می گویم و او تمام سخن مرا فهم می کند و بعضی از مردم هستند که چون با آنها تکلم می کنم، همه سختم را درمی یابند و آن را به همان صورت به من برمی گردانند، ولی عده ای دیگر چون به آنها سخنی می گویم، می گویند: دوباره بگو. امام علیه السلام فرمود: ای اسحاق! نمی دانی چرا چنین است؟ گفتم: نه. فرمود: آن که با او سخن می گویی، و همه آن را می فهمد، کسی است که نطفه اش با عقل آمیخته شده است، ولی آن کسی که با او تکلم می کنی و او تمام سخنت را به تو باز می گرداند، کسی است که عقل در شکم مادر با او ترکیب شده است، اما آن شخص که با او سخنی می گویی و می گوید: «دوباره بگو» او کسی است که عقل در بزرگی با او ترکیب شده، از این جهت می گوید: «دوباره بگو».

۲۱۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود: بین ایمان و کفر جز کم عقلی نیست. گفته شد: چگونه ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله؟ فرمود: آن که درخواست خود را نزد آفریده ای می برد، اگر نیتش را برای خدا خالص می گرداند، در کمترین وقت، خواسته اش به او داده می شد.



٢١٦. عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبْعِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ:
أَيُّهَا النَّاسُ! اْعَلِّمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ، أَلَا وَإِنَّ طَلَبَ
الْعِلْمِ أَوْجِبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ، مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ قَدْ
قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَصَيْتَهُ وَ سَيِّئِي لَكُمْ، وَالْعِلْمُ مَخْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَ قَدْ
أَمَرْتُمْ بِطَلْبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ!.

٢١٧. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
لَوِدِدْتُ أَنْ أَصْحَابِي ضَرَبَتْ رُءُوسُهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوْا!.

٢١٨. أَبِي هَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ:
قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: اْعُدْ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ أَحِبَّ أَهْلَ الْعِلْمِ، وَلَا تَكُنْ
رَابِعًا فَتَهْلِكَ يَبْغِضُهُمْ!.

٢١٩. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى
الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ رِضًا بِهِ، وَإِنَّهُ يَسْتَعْفِرُ
لِطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخَوَاتِمِ فِي الْبَحْرِ، وَ فَضَّلَ
الْعَالِمَ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ
الْأَنْبِيَاءِ؛ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، وَلَكِنْ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ
أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحَبْطِ وَافِرٍ!.

١. اصول كافي، ج ١، ص ٣٠، كتاب فضل العلم، باب فرض العلمو...، حديث ٤.
٢. اصول كافي، ج ١، ص ٣١، كتاب فضل العلم، باب فرض العلم و...، حديث ٨.
٣. اصول كافي، ج ١، ص ٣٠، كتاب فضل العلم، باب اصناف الناس، حديث ٣.
٤. اصول كافي، ج ١، ص ٣٤، كتاب فضل العلم، باب ثواب العالم و المتعلم، حديث ١.





۲۱۶. از ابواسحاق سبعی از آن که برایش روایت کرد که گفت: شنیدم امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

ای مردم! بدانید که کمال دین در دانش جویی و عملی به دانش است. آگاه باشید دانش جویی بر شما از مال طلبی واجب تر است. مال برای شما تقسیم شده و ضمانت شده است که خدای عادل در میان شما قسمت کرده و آن را ضامن شده و به شما خواهد رسید، اما دانش نزد اهلش مخزون است و شما مأمورید که آن را از اهلش مطالبه نمایید، پس آن را بجوید.

۲۱۷. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

دوست دارم با تازیانه بر سر اصحابم بزنم تا فقه و دین بیاموزند.

۲۱۸. ابو حمزه ثمالی گفت:

امام صادق علیه السلام به من فرمود: یا عالم باش یا دانشجو یا دوستدار اهل علم و جزء دسته چهارم مباش که با بغض و کینه نسبت به آن سه دسته، هلاک خواهی شد.

۲۱۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که راهی بییامد و دانشی طلب کند، خداوند راهی به بهشت برایش می‌گشاید و فرشتگان به خشنودی از طالب علم، بال‌های خویش را برای او می‌گسترند و هر که در آسمان‌ها و زمین است، حتی ماهی دریا، برای دانش جو آموزش می‌طلبد و برتری عالم بر عابد، همچون برتری ماه تمام بر دیگر ستاره‌ها است. عالمان وارثان پیامبرانند، چرا که پیامبران دینار و درهم بر جای ننهاده‌اند، بلکه دانش به یادگار گذاشته‌اند، پس هر که دانش بیاموزد، بهره بسیار برده است.



٢٢٠. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ الَّذِي يُعَلِّمُ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ، فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ وَ عَلِّمُوهُ إِخْوَانَكُمْ كَمَا عَلَّمَكُمْوهُ الْعُلَمَاءُ^١.

٢٢١. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

مَنْ عَلَّمَ خَيْرًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، فُلْتُ فَإِنْ عَلَّمَهُ غَيْرُهُ يَجْرِي ذَلِكَ لَهُ، قَالَ: إِنْ عَلَّمَهُ النَّاسُ كُلُّهُمْ جَرَى لَهُ فُلْتُ: فَإِنْ مَاتَ قَالَ: وَإِنْ مَاتَ^٢.

٢٢٢. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلِبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجَ وَ حَوَّضَ اللَّجْجَ. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَانِيَالٍ أَنَّ أَمَقَّتْ عَيْبِدِي إِلَى الْجَاهِلِ الْمُسْتَحْفُفِ يَحَقُّ أَهْلُ الْعِلْمِ التَّارِكُ لِلْإِقْتِدَاءِ بِهِمْ، وَ أَنَّ أَحَبَّ عَيْبِدِي إِلَيَّ التَّقِيُّ الطَّالِبُ لِلثَّوَابِ الْجَزِيلِ اللَّازِمِ لِلْعُلَمَاءِ النَّابِعِ لِلْحُلَمَاءِ الْقَابِلِ عَنِ الْحُكَمَاءِ^٣.

٢٢٣. حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعِيَ فِي مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا، فَقِيلَ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ^٤.

١. اصول كافي، ج ١، ص ٣٥، كتاب فضل العلم، باب ثواب العالم و المتعلم، حديث ٢.
 ٢. اصول كافي، ج ١، ص ٣٥، كتاب فضل العلم، باب ثواب العالم و المتعلم، حديث ٣.
 ٣. اصول كافي، ج ١، ص ٣٥، كتاب فضل العلم، باب ثواب العالم و المتعلم، حديث ٥.
 ٤. اصول كافي، ج ١، ص ٣٥، كتاب فضل العلم، باب ثواب العالم و المتعلم، حديث ٦.

۲۲۰. از امام باقر علیه السلام که فرمود:

هر که از شما دانشی بیاموزاند، پاداش همچون پاداش یادگیرنده دارد و او را بر معلم برتری است. پس دانش را از اهلش یاد بگیرید و آن را به برادران بیاموزید آن گونه که عالمان، آن را به شما آموخته‌اند.

۲۲۱. از ابوبصیر که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر که کار خیری یاد بدهد، پاداشی مثل عمل کننده به آن کار را دارد. گفتم: اگر آن کار را به نفر دومی بیاموزد نیز آن پاداش را دارد؟ فرمود: اگر به تمام مردم آموزش دهد، آن پاداش هست. گفتم: اگر چه بمیرد؟ فرمود: آری.

۲۲۲. از علی بن حسین علیه السلام که فرمود:

اگر مردم ارزش دانش جوئی را می‌دانستند، دانش را می‌جستند هر چند به ریختن خون‌ها و فرو رفتن در دریاها. خدای تبارک و تعالی به حضرت دانیال وحی فرمود که: دشمن‌ترین بندگان نزد من، شخص نادانی است که حق اهل علم را دست کم شمارد و به آنها اقتدا نکند. و محبوب‌ترین بندگان نزد من شخص پرهیزگاری است که در پی پاداش بزرگ من و ملازم با عالمان و پیرو بردباران باشد و پند حکیمان را بپذیرد.

۲۲۳. حفص بن غیاث گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

هر که دانش بیاموزد و به آن عمل کند و آن را به خاطر خدا به دیگران بیاموزد، در ملکوت آسمان او را به بزرگی یاد کنند و گویند: برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا تعلیم نمود.



٢٢٤. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالَمَ مُحِبًّا لِدُنْيَاهُ فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ، فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لِنَفْسِهِ يَحْوَطُ مَا أَحَبَّ وَقَالَ عليه السلام أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالْدُنْيَا فَيَصُدِّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أَوْلِيكَ فُطَّاعُ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُتَاجِرَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ^١.

عمل اندك

٢٢٥. عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ الْقَلِيلَ عَلَى الْيَقِينِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ^٢.

٢٢٦. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ: لَا يَقْبَلُ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى وَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يُتَقَبَّلُ^٣.

٢٢٧. عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَذَكَرْنَا الْأَعْمَالَ فَقُلْتُ أَنَا مَا أَضَعَفَ عَمَلِي، فَقَالَ: مَهْ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ! ثُمَّ قَالَ لِي: إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى. قُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ كَثِيرٌ بِلَا تَقْوَى؟ قَالَ: نَعَمْ مِثْلُ الرَّجُلِ يُطْعِمُ طَعَامَهُ وَ يَرْفُقُ جِيرَانَهُ وَ يُوَطِّئُ رَحْلَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ دَخَلَ فِيهِ فَهَذَا الْعَمَلُ بِلَا تَقْوَى، وَ يَكُونُ الْأَخْرُ لَيْسَ عِنْدَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ^٤.

١. اصول كافي، ج ١، ص ٤٦، بَابُ الْمُنْتَأَكِلِ بَعْلُوهُ وَ الْمُبَاهِي بِهِ، حَدِيثُ ٤.

٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٥٧، بَابُ فَضْلِ الْيَقِينِ، حَدِيثُ ٣.

٣. اصول كافي، ج ٢، ص ٧٥، بَابُ اطَاعَةِ التَّقْوَى، حَدِيثُ ٥.

٤. اصول كافي، ج ٢، ص ٧٦، بَابُ اطَاعَةِ التَّقْوَى، حَدِيثُ ٧.





۲۲۴. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر گاه دیدید عالمی محبت به دنیا دارد، او را طبق دین خود متهم نمایید، زیرا دوست‌دار یک چیز، پیوسته مراقب آن است و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به داود علیه السلام وحی کرد: بین من و خودت عالم فریفته به دنیا را واسطه قرار مده که تو را از راه محبت من باز می‌دارد. این جماعت، رهزنان راه بندگان من‌اند که مرا می‌خواهند. کمترین کاری که با آنها می‌کنم آن است که شیرینی مناجات با خود را از دل‌هاشان بر می‌کنم.

۲۲۵. از هشام بن سالم که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کار پیوسته اندک که با یقین توأم باشد، نزد خدا برتر است از کار فراوان بدون یقین.

۲۲۶. از امام باقر علیه السلام که فرمود:

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمود: هیچ کاری با تقوا اندک نیست و چگونه اندک باشد کاری که پذیرفته می‌شود؟

۲۲۷. از مفضل بن عمر که گفت:

نزد امام صادق علیه السلام از اعمال و کارها سخن به میان آوردیم. گفتم: چقدر کار و عمل ضعیف و سست است. فرمود: بس کن و استغفار نما. سپس فرمود: کار اندک همراه با تقوا بهتر است از کار بسیاری که بدون تقوا باشد. گفتم: کار بسیار بدون تقوی چگونه؟ فرمود: مثل کسی که خوراکش را به دیگران می‌دهد و با همسایگانش مدارا می‌کند و اسباب راحتی مردمان را فراهم می‌آورد؛ اما هر گاه دری از حرام به رویش گشوده شود، وارد می‌شود، پس این عمل، بدون تقوا است؛ اما دیگری قدرت بر این اعمال ندارد و چون دری از حرام به رویش باز شود، وارد نمی‌شود.



عمل اندك

٢٢٨. عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا فَعَمِلَ عَمَلًا قَلِيلًا جَزَاهُ بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرِ، وَلَمْ يَتَعَاظَمْهُ أَنْ يَجْزِيَ بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرَ لَهُ!

٢٢٩. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَمَلٍ يُدَاوِمُ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّ ٢.

عيب جويى

٢٣٠. عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ رَوَى عَلَى مُؤَمِّنٍ رِوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَهَدَمَ مُرُوءَتَهُ لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلايَتِهِ إِلَى وَلايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ ٣.

غذا دادن به برادران دینی

٢٣١. عَنْ حُسَيْنِ بْنِ نَعِيمٍ الصَّخَّافِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَتَيْتُ إِخْوَانَكَ يَا حُسَيْنُ فُلْتُ نَعَمَ قَالَ تَنْفَعُ فَقَرَاءَهُمْ فُلْتُ نَعَمَ قَالَ أَمَا إِنَّهُ يَحِقُّ عَلَيْكَ أَنْ تُحِبَّ مَنْ يُحِبُّ اللَّهُ أَمَا وَاللَّهِ لَا تَنْفَعُ مِنْهُمْ أَحَدًا حَتَّى تُحِبَّهُ أَتَدْعُوهُمْ إِلَى مَنَزَلِكَ فُلْتُ نَعَمَ مَا أَكُلُ إِلَّا وَمَعِيَ مِنْهُمْ الرَّجُلَانِ وَالثَّلَاثَةُ وَالْأَقْلُ وَالْأَكْثَرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَمَا إِنَّ فَضْلَهُمْ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَطْعَمُهُمْ طَعَامِي وَأَوْطَيْتُهُمْ رَحْلِي وَيَكُونُ فَضْلُهُمْ عَلَيَّ أَعْظَمَ قَالَ نَعَمَ إِنَّهُمْ إِذَا دَخَلُوا مَنَزَلَكَ دَخَلُوا بِمَغْفِرَتِكَ وَمَغْفِرَةَ عِيَالِكَ وَإِذَا خَرَجُوا مِنْ مَنَزَلِكَ خَرَجُوا بِذُنُوبِكَ وَذُنُوبِ عِيَالِكَ ٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٨٧، بَابُ الْاِقْتِصَادِ فِي الْعِبَادَةِ، حَدِيثُ ٣.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٨٢، بَابُ اسْتِزَاءِ الْعَمَلِ وَالْمَدَاوِمَةِ عَلَيْهِ، حَدِيثُ ٣.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٣٥٨، بَابُ الرِّوَايَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ، حَدِيثُ ١.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٢١، بَابُ اطْعَامِ الْمُؤْمِنِ، حَدِيثُ ٨.



۲۲۸. از حنان بن سدیر که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: خدای عزوجل هر گاه بنده‌ای را دوست بدارد و آن بنده کار اندکی انجام دهد، به کار اندکش پاداش بسیار می دهد و بر او سنگین نیست که به کار اندک پاداش بسیار دهد.

۲۲۹. امام باقر علیه السلام فرمود:

چیزی نزد خدا محبوب تر از کار مدام و پیوسته نیست، گرچه اندک باشد.

۲۳۰. از مفضل بن عمر که گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

هر که درباره مؤمنی داستانی بگوید و بخواهد عیب او را بر ملا سازد یا آبرویش را بریزد تا از چشم مردم بیفتد، خداوند او را از سایه پیوند و دوستی با خود به تاریکی پیوند و دوستی با شیطان براند و شیطان هم او را نپذیرد.

۲۳۱. از حسین بن نعیم صحاف که گفت:

امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای حسین! آیا برادرانت را دوست می داری؟ گفتم: آری. فرمود: آیا به فقیرانشان سود می رسانی؟ گفتم: آری. فرمود: اما تو باید هر که را خدا دوست می دارد، دوست بداری. هرگز به برادرانت سود نخواهی رساند، مگر آنکه دوستشان بداری. آیا آنها را به خانه‌ات دعوت می کنی؟ گفتم: آری، بدون یکی یا دو تا، یا کمتر یا بیشتر از آنان، هرگز غذا نمی خورم. پس امام صادق علیه السلام فرمود: بدان که فضیلت آنان بر تو، بیش از برتری تو بر آنان است. گفتم: فدایتان شوم، من غذای خود را به آنان می دهم و اسباب راحتی شان را فراهم می سازم، با اینهمه فضیلت آنان بر من بیشتر است؟ فرمود: آری. زیرا هر گاه آنان داخل خانه تو شوند، با خود آموزش تو و آموزش خانواده تو را آورند و چون بیرون روند، گناهان تو و خانواده‌ات را ببرند.





غذا دادن به برادران دینی

۲۳۲. عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْوَابِئِيِّ قَالَ:

ذَكَرَ أَصْحَابُنَا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ مَا أَتَعَدَّى وَلَا أَتَعَشَى إِلَّا وَمَعِيَ مِنْهُمْ الْإِثْنَانِ وَالثَّلَاثَةُ وَأَقْلُ وَأَكْثَرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَضْلُهُمْ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ وَأَنَا أُطْعِمُهُمْ طَعَامِي وَ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ مَالِي وَأَخْدِمُهُمْ عِيَالِي فَقَالَ إِنَّهُمْ إِذَا دَخَلُوا عَلَيْكَ دَخَلُوا بِرِزْقِي مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيرٍ وَإِذَا خَرَجُوا خَرَجُوا بِالْمَغْفِرَةِ لَكَ^۱.

غذا دادن به مسلمان

۲۳۳. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَأَنْ أُطْعِمَ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُطْعِمَ أُفْقًا مِنَ النَّاسِ قُلْتُ وَ مَا الْأُفُقُ قَالَ مِائَةُ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ^۲.

فرو خوردن خشم

۲۳۴. عَنْ مَالِكِ بْنِ حُصَيْنِ السَّكُونِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَأَثَابَهُ اللَّهُ مَكَانَ غَيْظِهِ ذَلِكَ^۳.

فقر

۲۳۵. عَنْ حَنْفِصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي مُنَاجَاةِ مُوسَى عليه السلام يَا مُوسَى إِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلًا فَقُلْ مَرَحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ وَإِذَا رَأَيْتَ الْغِنَى مُقْبِلًا فَقُلْ دَنْبٌ عَجَلْتُ عَقْرِيَّتَهُ^۴.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۰، باب اطعام المؤمن، حدیث ۲.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۰، باب اطعام المؤمن، حدیث ۲.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۰، باب کظم الغیظ، حدیث ۵.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۳، باب فضل فقراء المسلمين، حدیث ۱۲.





۲۳۲. از ابومحمد وابشی که گفت:

خدمت امام صادق علیه السلام از شیعیان یادی شد، من گفتم: من صبحانه و شامی نخورم جز اینکه یکی دو تن، کمتر یا بیشتر از آنها با من همراهند. امام صادق علیه السلام فرمود: فضیلت آنها نسبت به تو بزرگ تر است از برتری تو بر آنها. گفتم: فدایتان شوم، چگونه ممکن است حال آنکه این منم که به آنها خوراک می دهم و از مال خود به آنها انفاق می کنم و عیالم را خدمتگزار آنها قرار می دهم. فرمود: هر گاه آنها بر تو وارد شوند، با رزق و روزی فراوان خدای عزوجل وارد می شوند و چون خارج شوند، با آمرزش و مغفرت برای تو بیرون روند.

۲۳۳. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام که فرمود:

اینکه مرد مسلمانی را خوراک دهم، برای من بهتر است در خوراک دادن یک «افق» از مردم. گفتم: افق چیست؟ فرمود: صد هزار، یا بیشتر.

۲۳۴. از مالک بن حصین سکونی که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

بنده ای نیست که خشمی را فرو خورد، مگر اینکه خدای عزوجل عزت دنیا و آخرتش را بیفزاید که خداوند فرموده: «فرو خورندگان خشم و عفو کنندگان از مردم، و خدا نیکوکاران را دوست دارد» و خدا به جای خشمی که فرو خورده، او را این پاداش دهد.

۲۳۵. از حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام که فرمود:

در مناجات موسی علیه السلام آمده: ای موسی! هر گاه دیدی که فقر و نداری می آید، بگو: آفرین بر نشانه نیکان، و هر گاه بی نیازی را دیدی که می آید، بگو: گناهی است که عذابش پیش افتاده است.



٢٣٦. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُتَادِيًا يُتَادِي بَيْنَ يَدَيْهِ أَيْنَ الْفُقَرَاءُ فَيَقُومُ عَنْقُ مِنَ النَّاسِ كَثِيرٌ فَيَقُولُ عِبَادِي فَيَقُولُونَ لَبَيْكَ رَبَّنَا فَيَقُولُ إِنِّي لَمْ أَفْقِرْكُمْ لِهَوَانٍ بِكُمْ عَلَيَّ وَ لَكِنِّي إِنَّمَا اخْتَرْتُكُمْ لِمِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ تَصَفَّحُوا وَجُوهَ النَّاسِ فَمَنْ صَنَعَ إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا لَمْ يَصْنَعْهُ إِلَّا فِي فَكَاؤُهُ عَنِّي بِالْحِجَّةِ^١.

٢٣٧. عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قَامَ عَنْقُ مِنَ النَّاسِ حَتَّى يَأْتُوا بَابَ الْحِجَّةِ فَيَضْرِبُوا بَابَ الْحِجَّةِ فَيَقَالُ لَهُمْ مَنْ أَنْتُمْ فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْفُقَرَاءُ فَيَقَالُ لَهُمْ أَقْبَلِ الْحِسَابِ فَيَقُولُونَ مَا أَعْظَمَتْهُمُونَا شَيْئًا مُحَاسِبُونَا عَلَيْهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقُوا اذْخُلُوا الْحِجَّةَ^٢.

٢٣٨. عَنْ مُبَارَكِ غَلَامِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنِّي لَمْ أُعْنِ الْعَنِيَّ لِكِرَامَةِ بِهِ عَلَيَّ وَ لَمْ أُفْقِرِ الْفَقِيرَ لِهَوَانٍ بِهِ عَلَيَّ وَ هُوَ مِمَّا ابْتَلَيْتُ بِهِ الْأَعْيَاءَ بِالْفُقَرَاءِ وَ لَوْ لَا الْفُقَرَاءُ لَمْ يَسْتَوْجِبِ الْأَعْيَاءُ الْحِجَّةَ^٣.

٢٣٩. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ اسْتَدَلَّ مُؤْمِنًا وَ اسْتَحَقَّرَهُ لِقَلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ وَ لِفَقْرِهِ شَهْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦٣، باب فضل فقراء المسلمين، حديث ١٥.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦٤، باب فضل فقراء المسلمين، حديث ١٩.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦٥، باب فضل فقراء المسلمين، حديث ٢٠.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٣٥٣، باب اذى المسلمين...، حديث ٩.



۲۳۶. از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام که فرمود:

چون روز قیامت شود، خدای تبارک و تعالی فرمان دهد که منادی در پیش رویش فریاد برآورد: کجایند فقیران؟ پس گروهی بزرگ از مردم بر پا ایستند، و خداوند فرماید: بندگان من! گویند: لبیک، پروردگارا! فرماید: من شما را فقیر نگردانیدم از آن جهت که نزد من پست و بی ارزشید، بلکه شما را برای چنین روزی اختیار نمودم. حال در مردمان بنگرید و آن که به شما نیکی کرده بجویند که جز در حق من چنین نکرده، پس از طرف من، به او بهشت را پاداش دهید.

۲۳۷. از هشام بن حکم، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

چون روز قیامت شود، گروهی بزرگ از مردم بر پا ایستند که خود را به درگاه بهشت رسانند و در را به صدا در آورند. به آنان گفته شود: کیستید؟ گویند: ما فقیرانیم. گفته شود: آیا پیش از حساب رسی (می خواهید وارد بهشت شوید)؟ گویند: چیزی به ما نداده اید که بنخواهید حسابش را بکشید. خدای عزوجل فرماید: راست می گویند. وارد بهشت شوید.

۲۳۸. از مبارک غلام شعیب که گفت: شنیدم موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید: خدای تعالی فرماید: من توانگر را به خاطر کرامتش بی نیازی ندادم و فقیر را به خاطر خواری اش فقیر نساختم، بلکه با این کار، توانگران را به وسیله فقرا آزمودم و اگر فقیران نبودند، توانگران لیاقت بهشت نمی یافتند.

۲۳۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر که مؤمنی را به خاطر دارایی اندک و فقرش خوار و تحقیر کند، خداوند در روز قیامت، او را پیش چشم همگان رسوا گرداند.





٢٤٠. عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَمَّا أُسْرِيَ بِالْبَيْتِيِّ عليه السلام قَالَ يَا رَبِّ مَا حَالُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَكَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَهَانَ لِي
وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَأَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ
شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي عَنْ وِفَاةِ الْمُؤْمِنِ بِكُرْهُ الْمَوْتِ وَأَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ وَإِنَّ
مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْغِنَى وَلَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ
وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ وَلَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ
لَهَلَكَ وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَّمَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ
إِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّوْفِيقِ حَتَّىٰ أَحْبَبَهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ إِذَا سَمِعْتُهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ
وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي
أَحْبَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ!

٢٤١. عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ مُوسِرٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام تَقِيًّا التَّوْبِ فَجَلَسَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام فَجَاءَ
رَجُلٌ مُعْسِرٌ دَرِنَ التَّوْبِ فَجَلَسَ إِلَى جَنْبِ الْمُوسِرِ فَقَبِضَ الْمُوسِرُ ثِيَابَهُ مِنْ
تَحْتِ فَخَذِيهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام أَ خِفْتَ أَنْ يَمَسَّكَ مِنْ فَقْرِهِ شَيْءٌ قَالَ لَا
قَالَ فَخِفْتَ أَنْ يُصِيبَهُ مِنْ غِنَاكَ شَيْءٌ قَالَ لَا قَالَ فَخِفْتَ أَنْ يُوسِّخَ ثِيَابَكَ قَالَ لَا
قَالَ فَمَا حَمَلَكَ عَلَىٰ مَا صَنَعْتَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي قَرِينًا يُزَيِّنُ لِي كُلَّ قَبِيحٍ
وَيُقَبِّحُ لِي كُلَّ حَسَنٍ وَقَدْ جَعَلْتُ لَهُ نِصْفَ مَالِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام لِلْمُعْسِرِ
أَتَقْبَلُ قَالَ لَا فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ وَلِمَ قَالَ أَخَافُ أَنْ يَدْخُلَنِي مَا دَخَلَكَ!.



١. اصول کافی، ج ٢، ص ٣٥٢، باب اذی المسلمین...، حدیث ٨.
٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦٢، باب فضل فقراء المسلمین، حدیث ١١.



۲۴۰. از ابان بن تغلب، از امام باقر علیه السلام که فرمود:

چون رسول خدا صلی الله علیه و آله به معراج برده شد، گفت: پروردگارا! حال مؤمن نزد تو چگونه است؟ خداوند فرمود: ای محمد! هر که به دوست‌دار من اهانت کند، به جنگ با من برخاسته و من زودتر از هر چیز به یاری دوستداران خود اقدام می‌کنم. من در هیچ کار خود، همچون گرفتن جان مؤمن دچار تردید نشدم که او مرگ را نمی‌پسندد و من ناراحتی‌اش را خوش نمی‌دارم. بعضی از بندگان مؤمن هستند که کارشان جز با فقر و نداری اصلاح نمی‌شود و اگر جز این را برایش قرار دهم، هلاک گردد. هیچ بنده‌ای از بندگان من به چیزی محبوب‌تر از آنچه بر او واجب کرده‌ام، به من تقرب نجوید و او گاه با به جای آوردن نافله‌ها چنان به من نزدیک می‌شود که دوستش می‌دارم و چون دوستش بدارم، گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود و چشم او که با آن می‌بیند و زبان او که با آن تکلم می‌کند و دست او که با آن کار انجام می‌دهد. اگر مرا بخواند پاسخش گویم و اگر از من بخواهد عطایش کنم.



۲۴۱. از عثمان بن عیسی، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

مردی ثروتمند با لباسی پاکیزه خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و نزد آن حضرت نشست. در این هنگام مردی تنگدست با لباس چرکین وارد شد و در کنار آن مرد قرار گرفت. مرد ثروتمند، لباسش را زیر پا جمع کرد (تا به بدن مرد تنگدست نگیرد) رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: ترسیدی چیزی از فقر او به تو بچسبد؟ گفت: نه. فرمود: پس ترسیدی از توانگری‌ات چیزی به او برسد؟ گفت: نه. فرمود: ترسیدی لباس چرکین شود؟ گفت: نه. فرمود: پس چرا این کار را کردی؟ گفت: همدمی دارم که هر کار زشتی را برایم زیبا و هر کار نیکی را برایم زشت جلوه می‌دهد. هم اکنون نیمی از اموالم را برای این مرد قرار دادم. پیغمبر صلی الله علیه و آله به مرد تنگدست گفت: آیا می‌پذیری؟ گفت: نه. مرد ثروتمند گفت: چرا؟ گفت: می‌ترسم مثل تو شوم (و شیطان در وجودم رسوخ کند).

٢٤٢. عَنْ سَعْدَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
الْمَصَائِبُ مِتْحٌ مِنَ اللَّهِ وَالْفَقْرُ مَحْزُونٌ عِنْدَ اللَّهِ.

قرآن

٢٤٣. عَنْ حَفْصٍ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:
لِرَجُلٍ أُتِيَ بِالنَّبَأِ فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ نَعَمْ. فَقَالَ وَلِمَ؟ قَالَ لِقِرَاءَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ.
فَسَكَتَ عَنْهُ. فَقَالَ لَهُ بَعْدَ سَاعَةٍ يَا حَفْصُ! مَنْ مَاتَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا وَشِيعَتِنَا وَلَمْ
يُحْسِنِ الْقُرْآنَ عَلَّمَ فِي قَبْرِهِ لِيَرْفَعَ اللَّهُ بِهِ مِنْ دَرَجَتِهِ فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ
آيَاتِ الْقُرْآنِ. يُقَالُ لَهُ أَفْرَأُ وَأَرَقُ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرِقُ. قَالَ حَفْصٌ فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا
أَشَدَّ حَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَلَا أَرْجَى النَّاسِ مِنْهُ وَكَانَتْ قِرَاءَتُهُ
حُزْنًا فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخَاطَبُ إِنْسَانًا.

٢٤٤. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَتَّبِعِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ
يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ حَمْسِينَ آيَةً.

٢٤٥. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَانَ فِيهِ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ يَتْلُو الْقُرْآنَ يَتَرَاءَاهُ أَهْلُ السَّمَاءِ كَمَا
يَتَرَاءَى أَهْلُ الدُّنْيَا الْكَوْكَبَ الدَّرِّيَّ فِي السَّمَاءِ.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦١، باب فضل فقراء المسلمين، حديث ٢.
٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٦٠٦، باب فضل حامل القرآن، حديث ١٠.
٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٦٠٩، باب في قرآته، حديث ١.
٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٦١٠، باب البيوت التي يقرأ فيها القرآن، حديث ٢.



۲۴۲. از سعدان که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:
مصیبت‌ها عطایی است از سوی خدا و فقر نزد خدا انداخته شده
است.

۲۴۳. از حفص که گفت: شنیدم موسی بن جعفر علیه السلام به کسی می‌فرماید:
آیا دوست داری همیشه در دنیا باقی بمانی؟ گفت: آری. فرمود: برای
چه؟ برای خواندن «قل هو الله احد». پس از مدتی امام علیه السلام به حفص
فرمود: ای حفص! هر که از دوستان و پیروان ما که بمیرد و قرآن را
نیک نیاموخته باشد، در قبرش به او بیاموزند تا به واسطه آن خداوند
مرتبه‌اش را بلند گرداند، چرا که مقامات بهشت به تناسب آیات قرآن
است. به شخص می‌گویند: «بخوان و بالا برو» پس می‌خواند و بالا
می‌رود.

حفص گوید: کسی را ندیدم که مثل موسی بن جعفر بر خویشتن از
همه بیم‌ناک‌تر باشد و امیدوارتر از او هم ندیدم. قرأت قرآنش با حزن
و اندوه بود و هر گاه قرآن می‌خواند، گویا کسی را مخاطب قرار داده
است.

۲۴۴. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
قرآن پیمانی است که خداوند با آفریدگانش بسته، پس سزاوار است که
انسان مسلمان در پیمان خود بنگرد و روزانه پنجاه آیه از آن را بخواند.

۲۴۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر گاه مسلمان در خانه‌اش قرآن تلاوت کند، اهل آسمان‌ها آن خانه
را چنان بنگرند که اهل زمین به ستاره درخشان آسمان نگاه می‌کنند.



٢٤٦. عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ رَفَعَهُ قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ تَوَرَّوْا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ
الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى صَلُّوا فِي الْكِنَائِسِ وَ الْبَيْعِ وَ عَطَّلُوا بُيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا
كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَصَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ
نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا.

٢٤٧. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَائِمًا فِي صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةَ حَسَنَةٍ وَ مَنْ قَرَأَهُ
فِي صَلَاتِهِ جَالِسًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ خَمْسِينَ حَسَنَةً وَ مَنْ قَرَأَهُ فِي غَيْرِ
صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ^١.

٢٤٨. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَ مَنْ
قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الدَّاكِرِينَ وَ مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَ مَنْ
قَرَأَ مِائَتَيْ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْخَاشِعِينَ وَ مَنْ قَرَأَ ثَلَاثَ مِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفَائِزِينَ
وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسِمِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ مَنْ قَرَأَ أَلْفَ آيَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ
مِنْ تَبَرِ الْقِنْطَارِ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفَ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ الْمِثْقَالُ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ
قِيرَاطًا أَصْغَرُهَا مِثْلُ جَبَلِ أُحُدٍ وَ أَكْبَرُهَا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ^٢.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٦١٠، باب البيوت التي يقرأ فيها القرآن، حديث ١.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٦١١، باب ثواب قراءة القرآن، حديث ١.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٦١٢، باب ثواب قراءة القرآن، حديث ٥.



۲۴۶. از لیث بن ابی سلیم، در حدیث مرفوع:

پیامبر ﷺ فرمود: خانه‌هایتان را با خواندن قرآن نورانی کنید و آنها را گورستان نکنید، چنان که یهود و نصاری چنین کردند و در کلیساها و عبادتگاه‌ها نماز گزارند و خانه‌هایشان را بی‌عبادت رها نمودند. بی‌شک هر گاه در خانه‌ای قرآن زیاد تلاوت شود، خیر آن افزون گردد و اهل آن در وسعت قرار گیرند و آن خانه در چشم آسمانی‌ها چنان بدرخشد که ستاره‌های آسمان برای زمینیان می‌درخشند.

۲۴۷. از امام باقر علیه السلام که فرمود:

هر کس ایستاده در حال نماز، قرآن بخواند، خداوند هر حرفی که می‌خواند، صد حسنه برایش ثبت می‌کند و هر کس نشسته در نماز قرآن تلاوت نماید، برایش پنجاه حسنه بنویسد و هر که در غیر نماز، آن را بخواند، به هر حرف برایش ده حسنه قرار دهد.

۲۴۸. از امام باقر علیه السلام که فرمود:

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس شبانه ده آیه بخواند، در زمره غافلان در نیاید و هر که پنجاه آیه بخواند، جزء یادکنندگان خدا به شمار آید و هر که صد آیه بخواند، در زمره پارسایان نوشته شود و هر که دویست آیه بخواند، از فروتنان محسوب شود و هر که سیصد آیه بخواند، در زمره رستگاران در آید و هر که پانصد آیه بخواند، از کوشندگان باشد و هر که هزار آیه بخواند برای او یک قنطار طلا نوشته شود - و قنطار پانصد هزار مثقال طلا است و هر مثقالی بیست و چهار قیرات - که کوچک‌ترین آنها همچون کوه احد و بزرگ‌ترین شان به اندازه فاصله میان زمین و آسمان است.



قرآن

٢٤٩. عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مُتَّعٍ بِبَصَرِهِ وَخَفَّفَ عَنِ الْوَالِدِيهِ وَإِنْ كَانَا كَافِرَيْنِ^١.

٢٥٠. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَلَوْ كَانَا كَافِرَيْنِ^٢.

قلب

٢٥١. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:
تَذَاكَرُوا وَتَلَاَقُوا وَتَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِيثَ جَلَاءٌ لِلْقُلُوبِ؛ إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِينُ كَمَا
يَرِينُ السَّيْفُ جَلَاءُهَا الْحَدِيثُ^٣.

قلب (حب و بغض)

٢٥٢. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ
وَيُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُحِبُّكَ وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ
وَيُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ^٤.

قناعت

٢٥٣. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْمَعَاشِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ^٥.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٦١٣، باب قراءة القرآن في المصحف، حديث ١.
٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٦١٣، باب قراءة القرآن في المصحف، حديث ٤.
٣. اصول کافی، ج ١، ص ٤١، باب سوال العالم وتذاكره، حديث ٨.
٤. اصول کافی، ج ٢، ص ١٢٧، باب حب في الله و...، حديث ١١.
٥. اصول کافی، ج ٢، ص ١٣٨، باب القناعت، حديث ٣.



۲۴۹. از یعقوب بن یزید، در حدیث مرفوع، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر که قرآن را از رو بخواند، از چشم خود بهره مند گردد، و عذاب پدر
و مادرش سبک شود، اگر چه کافر باشند.

۲۵۰. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
خواندن قرآن از رو، عذاب پدر و مادر را تخفیف می دهد، اگر چه
کافر باشند.

۲۵۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
مذاکره کنید و با هم ملاقات نمایید و برای هم حدیث بخوانید که این
کار دلها را جلا می دهد. بی شک دلها نیز همچون شمشیر زنگار
می گیرد و جلا و صیقل آن، حدیث است.

۲۵۲. از امام باقر علیه السلام که فرمود:
هر گاه خواستی بدانی که در وجودت خیری هست، به قلبت نگاه
کن، اگر اطاعت کنندگان از خدا را دوست می داری و معصیت کاران
را دشمن، پس در تو خیری هست و خدایت دوست می دارد. اما اگر
با مطیعان دشمنی و معصیت کنندگان را دوست می داری، پس در
تو خیری نیست و خدا با تو دشمن است، و انسان با کسی است که
دوستش می دارد.

۲۵۳. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر که به روزی اندک از سوی خدا راضی باشد، خداوند به کار اندک
از او خرسند خواهد بود.



قناعت

٢٥٤. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِيَّاكَ أَنْ تُظْلِحَ بَصْرَكَ إِلَى مَنْ فَوْقَكَ فَكَفَى بِمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِتَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَا تُعْجِبَكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ وَقَالَ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنْ دَخَلَكَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَادْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّمَا كَانَ قُوَّةُ الشَّعِيرِ وَحَلْوَاهُ التَّمْرُ وَقُوْدُهُ السَّعْفُ إِذَا وَجَدَهُ!

٢٥٥. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ ابْنُ آدَمَ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ أَيْسَرَ مَا فِيهَا يَكْفِيكَ وَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تُرِيدُ مَا لَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ كُلَّ مَا فِيهَا لَا يَكْفِيكَ^٢.

فقهه

٢٥٦. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْقَهْمَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ^٣

٢٥٧. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا قَهَمَتْ فَقُلْ حِينَ تَفْرَعُ اللَّهُمَّ لَا تَمَقْتَنِي^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ١٣٧، باب القناعت، حديث ١.
٢. اصول کافی، ج ٢، ص ١٣٨، باب القناعت، حديث ٦.
٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٦٦٤، باب الدعابة وضحك، حديث ١٠.
٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٦٦٤، باب الدعابة وضحك، حديث ١٣.



۲۵۴. امام باقر علیه السلام فرمود:

مبادا به بالا دست خود چشم بدوزی. در این باره سخن خدای عزوجل به پیامبرش کافی است که: «اموال و فرزندان آنها تو را شگفت زده نکنند» و فرمود: «هرگز به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنها داده‌ایم، چشم نداشته باش که اینها زینت زندگی دنیا است» پس هر گاه در این باره دچار تردید شدی، زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آور که غذایش جو، شیرینی اش خرما و آتش گیره اش شاخ درخت خرما بود، هرگاه آن را می‌جست.

۲۵۵. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمود: ای آدمیزاد! اگر از دنیا به مقدار کفایت خواهی، کمتر چیز دنیا تو را بس باشد و اگر آنچه را کفایت نکند، می‌خواهی، هر آنچه در دنیا است تو را بس نخواهد بود.

۲۵۶. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

به صدای بلند خندیدن از شیطان است.

۲۵۷. از امام باقر علیه السلام که فرمود:

هر گاه با صدای بلند خندیدی، پس از آن بگو: خدایا! مرا دشمن مدار.



٢٥٨. عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ سُئِلَ مَا بَأَلُ الرَّائِي لَا تُسَمِّيهِ كَافِرًا وَ تَارِكُ الصَّلَاةِ قَدْ سَمَّيْتَهُ كَافِرًا وَ مَا الْحُجَّةُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ لِأَنَّ الرَّائِي وَ مَا أَشْبَهَهُ إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ لِمَكَانِ الشَّهْوَةِ لِأَنَّهَا تَغْلِبُهُ وَ تَارِكُ الصَّلَاةِ لَا يَتْرُكُهَا إِلَّا اسْتِخْفَافًا بِهَا وَ ذَلِكَ لِأَنَّكَ لَا تَحُدُّ الرَّائِي بِأُتَى الْمَرْأَةَ إِلَّا وَهُوَ مُسْتَلِدٌ لِإِثْيَانِهِ إِيَّاهَا قَاصِدًا إِلَيْهَا وَ كُلُّ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ قَاصِدًا إِلَيْهَا فَلَيْسَ يَكُونُ قَصْدُهُ لِتَرْكِهَا اللَّذَّةَ فَإِذَا نُفِيتِ اللَّذَّةُ وَقَعَ الاسْتِخْفَافُ وَإِذَا وَقَعَ الاسْتِخْفَافُ وَقَعَ الْكُفْرُ^١.

کردار حرام

٢٥٩. عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿ وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا ﴾ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ إِنْ كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ الْقَبَاطِيِّ وَ لَكِنْ كَانُوا إِذَا عَرَضَ لَهُمْ الْحَرَامُ لَمْ يَدَعُوهُ^٢.

كفاف

٢٦٠. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: يَحْزَنُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ إِنْ قَتَرْتُ عَلَيْهِ وَ ذَلِكَ أَقْرَبُ لَهُ مِنِّي، وَ يَفْرَحُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ إِنْ وَسَّعْتُ عَلَيْهِ وَ ذَلِكَ أَبْعَدُ لَهُ مِنِّي^٣.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٣٨٦، باب الکفر، حدیث ٩.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٨١، تَابُ اجْتِنَابِ الْمُحَارِمِ، حدیث ٥.

٣. اصول کافی، ج ٢، باب الکفاف، حدیث ٥.



۲۵۸. از مسعدة بن صدقه که گفت:

شنیدم که از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد: چرا به زناکار، کافر نمی گویند و شخص بی نماز را کافر می نامید؟ دلیل این مطلب چیست؟
امام فرمود: زیرا زناکار و مانند او، این عمل را از سر شهوت انجام می دهند، چون بر آنان غلبه می کند، اما شخص بی نماز، ترک نماز نمی کند مگر به خاطر بی اهمیت دانستن آن. دلیل آن که می بینی شخص زناکار نزد زن می رود، تنها برای کامیابی و تنها او را در نظر دارد، اما هر که نماز را ترک می کند، قصد او از ترک نماز، لذت بردن نیست و چون لذتی نیست، پس استخفاف و بی اهمیت دانستن است و در پی آن، کفر خواهد بود.

۲۵۹. از سلیمان بن خالد که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که خدای عزوجل می فرماید: «و به هر کاری که کرده اند، بپردازیم و آنها را غباری پراکنده سازیم». فرمود: به خدا سوگند! اعمال آنها سپیدتر از پارچه های نازک مصری بود، اما چون کار حرامی به آنها روی می آورد، آنها را رها نمی کردند.

۲۶۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

خدای عزوجل فرماید: چون زندگی را بر بنده مؤمن سخت بگیرم، اندوهگین شود، و این نزدیک ترین حالت او به من است. و اگر او را در وسعت قرار دهم، شادمان گردد و این دورترین حالت او از من است.



٢٦١. عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى آدَمَ عليه السلام أَنِّي سَأَجْمَعُ لَكَ الْكَلَامَ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ قَالَ يَا رَبِّ وَمَا هُنَّ قَالَ وَاحِدَةٌ لِي وَوَاحِدَةٌ لَكَ وَوَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَوَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ. قَالَ يَا رَبِّ بَيَّنَّهُنَّ لِي حَتَّى أَعْلَمَهُنَّ. قَالَ أَمَّا الَّتِي لِي فَتَعْبُدُنِي لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَأَمَّا الَّتِي لَكَ فَأَجْزِيكَ بِعَمَلِكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَأَمَّا الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَعَلَيْكَ الدُّعَاءُ وَعَلَيَّ الْإِجَابَةُ وَأَمَّا الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ فَتَرْضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ^١.

گریه

٢٦٢. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَيْرُ ثَلَاثٍ: عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ^٢.

٢٦٣. عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُدَيْدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَقْشَعَرَ جِلْدُكَ وَ دَمَعَتْ عَيْنُكَ فَدُونَكَ دُونَكَ فَقَدْ قُصِدَ قُصْدُكَ^٣.

٢٦٤. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تُظْفِي بِحَارًا مِنْ نَارٍ فَإِذَا اغْرُورِقَتِ الْعَيْنُ بِمَائِهَا لَمْ يَرَهُنَّ وَجْهًا قَرَّ وَ لَا ذِلَّةً فَإِذَا فَاضَتْ حَرَمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرَجَحُوا^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ١٤٦، باب الانصاف و العدل، حدیث ١٣.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٨٠، باب اجتناب المحارم، حدیث ٢.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٧٨، باب الاوقات و...، حدیث ٨.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٨١، باب البكاء، حدیث ١.



۲۶۱. از یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام که فرمود:

خدای عزوجل به آدم علیه السلام وحی فرستاد که: همه سخن‌ها را در چهار کلمه برای تو جمع خواهم کرد. گفت: پروردگارا! آن چهار کلمه کدام است؟ فرمود: یکی از آنها از آن من، یکی از آن تو، سومی در رابطه بین من و تو، و چهارم در رابطه بین تو و مردم است. گفت: پروردگارا! آنها را برای من بیان کن تا بدانم. فرمود: اما آن که از آن من است: مرا بپرست و چیزی را شریک من قرار مده، اما آن که برای تو است، پاداش کار تو را بدهم. آنگاه که از همه وقت به آن نیازمندتری. اما آن که در رابطه بین من و تو است: بر عهده تو است دعا کردن و بر عهده من است اجابت نمودن. اما آن که در رابطه بین تو و مردم است: برای مردم چیزی را بپسند که برای خود می‌پسندی و برای آنها چیزی را مخواه که برای خود نمی‌خواهی.



۲۶۲. از امام باقر علیه السلام که فرمود: هر چشمی در روز قیامت گریان است، مگر سه چشم: چشمی که در راه خدا بیداری کشیده، چشمی که از بیم پروردگار اشک ریخته و چشمی که از حرام‌های الهی بر هم آمده است.

۲۶۳. از علی بن حدید، در حدیث مرفوع، از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر گاه بدنت لرزید و اشکت جاری شد، بگیر، بگیر، بگیر که خواسته‌ات به اجابت رسیده است.

۲۶۴. از محمد بن مروان، از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر چیزی مقدار و وزنی دارد، مگر اشک که یک قطره‌اش دریایی از آتش را فرو می‌نشانند. هر گاه چشم آدمی به اشک پر شود، صورت او خواری و ذلت نبیند و چون اشک جاری گردد، خدا آن را بر آتش حرام سازد و اگر در میان مردمی، یک نفر گریان باشد، مورد رحمت قرار گیرند.



۲۶۵. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ عَيْنٍ إِلَّا وَهِيَ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنًا بَكَتْ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ وَمَا اغْرُورَقَتْ عَيْنٌ بِمَائِهَا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَائِرَ جَسَدِهِ عَلَى النَّارِ وَلَا قَاصِتٌ عَلَى حَدِّهِ فَرَهَقَ ذَلِكَ الْوَجْهَ قَتْرٌ وَلَا ذَلَّةٌ وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا لَهُ كَيْلٌ وَوَزْنٌ إِلَّا الدَّمْعَةُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُظْفِقُ بِالْبَيْسِرِ مِنْهَا الْبِحَارَ مِنَ النَّارِ فَلَوْ أَنَّ عَبْدًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرَحِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تِلْكَ الْأُمَّةَ بِبُكَاءِ ذَلِكَ الْعَبْدِ^۱.

۲۶۶. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً عَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَعَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ^۲.

۲۶۷. عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنْ لَمْ يَجِئِكَ الْبُكَاءُ فَتَبَاكَ فَإِنْ خَرَجَ مِنْكَ مِثْلُ رَأْسِ الدُّبَابِ فَبَجِّ بَجًّا^۳.

۲۶۸. عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دُمُوعٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ مَخَافَةً مِنَ اللَّهِ لَا يُرَادُ بِهَا غَيْرُهُ^۴.



۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۲، باب البكاء، حدیث ۲.
 ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۲، باب البكاء، حدیث ۴.
 ۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۴، باب البكاء، حدیث ۱۱.
 ۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۲، باب البكاء، حدیث ۳.



۲۶۵. از محمد بن مروان، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر چشمی در روز قیامت گریان است، مگر چشمی که از خوف خدا
بگرید و هیچ چشمی از بیم خدای عزوجل پر اشک نشود، جز اینکه
خداوند چشم آن شخص و دیگر اعضایش را بر آتش حرام نماید و
چون اشک بر گونه‌ها جاری شود، آن صورت، خواری و ذلت نبیند
و هر چیزی مقدار و اندازه‌ای دارد، مگر اشک که خدای عزوجل به
اندکی از آن، دریاهایی از آتش را فرو می‌نشانند. اگر در میان مردمی،
یک نفر بگرید، خداوند به گریه آن بنده، بر آن مردم رحمت می‌آورد.

۲۶۶. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر چشمی در روز قیامت گریان است، مگر سه چشم: چشمی که در
برابر حرام‌های خدا فرو افکند و چشمی که در راه اطاعت خدا شب
بیداری کشد و چشمی که در دل شب، از خوف خدا بگرید.

۲۶۷. از اسماعیل جبلی از امام صادق علیه السلام که فرمود:
اگر گریه‌ات نمی‌گیرد، خود را به گریه بزن، پس اگر به اندازه سر
مگس اشک خارج شود، چه خوب چه خوب.

۲۶۸. از ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام که فرمود:
هیچ قطره‌ای نزد خدای عزوجل محبوب‌تر از قطره‌ای اشک نیست که
در دل شب از ترس خدا ریخته شود و جز برای خدا نباشد.



۲۶۹. عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْقِي يَضْرِبُ وَلَا نَكْبَةٍ وَلَا صُدَاعٍ وَلَا مَرَضٍ إِلَّا يَدْنُبُ
وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ
أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَمَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُؤَاخِذُ بِهِ^۱.

۲۷۰. عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
مَا مِنْ نَكْبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا يَدْنُبُ وَمَا يَعْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرُ^۲.

۲۷۱. عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُحْرَمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي
صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِّينِ فِي اللَّحْمِ^۳.

۲۷۲. عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَا يَعْمَلُهَا فَإِنَّهُ رَبَّمَا عَمِلَ الْعَبْدُ السَّيِّئَةَ فَبَرَّاهُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى فَيَقُولُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَعْفِرُ لَكَ بَعْدَ ذَلِكَ أَبَدًا^۴.

۲۷۳. عَنْ مَسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ الْعَبْدَ لِيُحْبَسَ عَلَى ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةَ عَامٍ وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ
إِلَى أَرْوَاحِهِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمُونَ^۵.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۹، باب الذنوب، حدیث ۳.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۹، باب الذنوب، حدیث ۴.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۲، باب الذنوب، حدیث ۱۶.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۲، باب الذنوب، حدیث ۱۷.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۲، باب الذنوب، حدیث ۱۹.



۲۶۹. از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هیچ رگی نزند و پایی به سنگ نخورد و هیچ سردرد و بیماری پیش
نیاید، مگر به خاطر گناه، و این همان سخن خدای عزوجل در کتابش
است که: «هر مصیبتی که به شما می‌رسد، به خاطر کارهایی است که
کرده‌اید و خدا از بسیاری در می‌گذرد». سپس امام فرمود: آنچه خدا
می‌بخشد بیش از مقداری است که مؤاخذه می‌کند.

۲۷۰. از فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام که فرمود:
پای بنده به سنگی نخورد مگر به واسطه گناه و آنچه خدا از آن در
می‌گذرد بیشتر است.

۲۷۱. از ابن بکیر از امام صادق علیه السلام که فرمود:
گاه شخص گناهی می‌کند، و از نماز شب محروم می‌گردد و تأثیر کار
بد در انجام دهنده‌اش از تأثیر کارد در گوشت سریع‌تر است.

۲۷۲. از ابن بکیر از امام صادق علیه السلام که فرمود:
هر که تصمیم به گناهی بگیرد، نباید انجامش دهد. چه بسا بنده گناهی
می‌کند و پروردگار تبارک و تعالی او را می‌بیند و می‌فرماید: به عزت
و جلالم سوگند پس از این، دیگر تو را نخواهم آمرزید.

۲۷۳. از مسمع بن عبدالملک از امام صادق علیه السلام که فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گاه بنده [در قیامت] صد سال به خاطر گناهی از
گناهانش محبوس می‌شود و در همان حال می‌نگرد که همسرانش در
بهشت، در ناز و نعمت‌اند.





۲۷۴. عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هِلَالِ الشَّامِيِّ مَوْلَى لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كَلَّمَا أَحَدَتْ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ
أَحَدَتْ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ^۱.

۲۷۵. عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا عَصَانِي مَنْ عَرَفَنِي سَلَطْتُ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَعْرِفُنِي^۲.

۲۷۶. عَنِ ابْنِ عَرَفَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مُنَادِيًا يُنَادِي مَهَلًا مَهَلًا عِبَادَ اللَّهِ عَنْ
مَعَاصِي اللَّهِ فَلَوْ لَا بَهَائِمُ رُغَعٌ وَ صَبِيئَةٌ رُضَعٌ وَ شُبُوحٌ رُغَعٌ لَصَبَّ عَلَيْكُمْ
الْعَذَابُ صَبًّا تُرْضُونَ بِهِ رَضًا^۳.

۲۷۷. عَنْ زِيَادٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَزَلَ بِأَرْضِ قَرْعَاءَ فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ انْتُوا بِحَطَبٍ فَقَالُوا يَا رَسُولَ
اللَّهِ نَحْنُ بِأَرْضِ قَرْعَاءَ مَا بِهَا مِنْ حَطَبٍ قَالَ فَلَيَاتِ كُلُّ إِنْسَانٍ بِمَا قَدَرَ عَلَيْهِ
فَجَاءُوا بِهِ حَتَّى رَمَوْا بَيْنَ يَدَيْهِ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَكَذَا
تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ ثُمَّ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ طَالِبًا
أَلَا وَإِنَّ طَالِبَهَا يَكْتَتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ^۴.



۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۵، باب الذنوب، حدیث ۲۹.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، باب الذنوب، حدیث ۳۰.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، باب الذنوب، حدیث ۳۱.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۸، باب استصغار الذنب، حدیث ۳.



۲۷۴. از عباس بن هلال شامی از یکی از غلامان موسی بن جعفر علیه السلام که فرمود:

شنیدم که امام رضا علیه السلام می فرمود: هر گاه مردم گناهی انجام دهند که نمی کرده‌اند، خداوند بلایی بر سرشان آورد که سابقه نداشته است.

۲۷۵. از عباد بن صهیب از امام صادق علیه السلام که فرمود:
خدای عزوجل فرماید: هر گاه کسی که مرا می شناسد نافرمانی ام کند، کسی را بر او مسلط نمایم که مرا نشناسد.

۲۷۶. از ابن عرفه از امام رضا علیه السلام که فرمود:
در هر شبانه روز خدای عزوجل را منادی ای است که ندا می دهد: دست نگهدارید از معصیت خدا دست نگه دارید. اگر چهارپایان چرنده و کودکان شیرخورنده و پیران رکوع کننده نبودند، عذاب الهی چنان بر سرتان فرو می بارید که نرم و در هم کوبیده می شدید.

۲۷۷. از زیاد که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمینی بی آب و علف فرود آمد و به همراهانش فرمود: هیزم بیاورید. هر یک از اصحاب مقداری هیزم آوردند و روی هم در برابر رسول خدا قرار دادند. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: گناهان این گونه بر هم انباشته می شوند. از گناهان کوچک بر حذر باشید، زیرا هر چیزی را بازخواست کننده ای است. بدانید بازخواست کننده گناهان، پیش فرستاده‌ها و بر جای مانده‌های مردمان را می نویسد و ما هر چیزی را در امام مبین (نامه اعمال - لوح محفوظ) شماره و ثبت کرده ایم.



۲۷۸. عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
أُبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا لَمْ يَهْمَهُ إِلَّا بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ^۱.

۲۷۹. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
لَوْ عَلِمَ اللَّهُ شَيْئًا أَذَى مِنْ أَقْبَلَتْهُ عَنْهُ وَ هُوَ مِنْ أَذَى الْعُقُوقِ وَ مِنَ الْعُقُوقِ
أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى وَالدِّيَةِ فَيُحِدَّ النَّظَرَ إِلَيْهِمَا^۲.

لعن

۲۸۰. عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:
إِنَّ اللَّعْنَةَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ فِي صَاحِبِهَا تَرَدَّدَتْ بَيْنَهُمَا فَإِنْ وَجَدَتْ مَسَاغًا وَ إِلَّا
رَجَعَتْ عَلَى صَاحِبِهَا^۳.

لعنرش

۲۸۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَوْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَعَ
اللَّهُ عَثْرَاتِهِ وَ مَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ^۴.

متكبر

۲۸۲. عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ:
قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام عَجَبًا لِلْمُتَكَبِّرِ الْفَخُورِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُظْفَةً ثُمَّ
هُوَ عَدَا حَيْفَةً^۵.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۹، باب حب الدنيا و حرص عليها، حدیث ۱۴.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۹، باب العقوق، حدیث ۷.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۰، باب السباب، حدیث ۷.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۵، باب من طلب عثرات...، حدیث ۵.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۸، باب فخر و الکبر، حدیث ۱.



۲۷۸. از زراره و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام که فرمود:
دورترین حالت بنده از خدای عزوجل وقتی است که جز شکم و
شهوت برایش مهم نباشد.

۲۷۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
اگر خداوند چیزی را کمتر از «أف» می دانست، از آن نهی می فرمود،
و آن کمترین مرتبه آزدن پدر و مادر است، و از جمله آزار ایشان آن
است که شخص به پدر و مادرش بنگرد و به آنها خیره خیره نگاه کند.

۲۸۰. از ابوحمزه ثمالی که گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:
هر گاه لعن و نفرین از دهان گوینده اش بیرون آید، بین او و طرف مقابل
مردد ماند، پس اگر جایی بیابد در آن قرار گیرد و گرنه به گوینده اش
برگردد.

۲۸۱. از محمد بن مسلم، یا حلبی، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در پی لغزش های مؤمنین مباشید، زیرا هر که
خداوند از او عیب جوئی کند، رسوایش می سازد، اگر چه در خانه اش
باشد.

۲۸۲. از هشام بن سالم از ابوحمزه ثمالی که گفت:
علی بن حسین علیه السلام فرمود: شگفتا از انسان خودبزرگ بین فخر فروشی
که دیروز نطفه ای بوده و فردا مرداری خواهد شد.





مدارا

٢٨٣. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَيُّمَا أَهْلٍ بَنَيْتَ أُعْطُوا حَظَّهُمْ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الرِّزْقِ وَ الرَّفْقِ فِي تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنَ السَّعَةِ فِي الْمَالِ وَ الرَّفْقِ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ وَ التَّبْدِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفِيقٌ يُجِبُّ الرَّفْقَ^١.

مرگ مؤمن

٢٨٤. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمزَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ بَقَاعُ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَ يُصْعَدُ فِيهَا بِأَعْمَالِهِ وَ تُلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثُلْمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ لِأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ حُصُونُ الْإِسْلَامِ كَحِصْنِ سُورِ الْمَدِينَةِ لَهَا^١.

مسلمان فقير

٢٨٥. عَنِ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فُقَرَاءَ الْمُسْلِمِينَ يَتَقَلَّبُونَ فِي رِيَاضِ الْحِجَّةِ قَبْلَ أُغْنِيَائِهِمْ بِأَرْبَعِينَ حَرِيفًا ثُمَّ قَالَ سَأَضْرِبُ لَكَ مَثَلًا ذَلِكَ إِنَّمَا مَثَلُ سَفِينَتَيْنِ مَرَّ بِهِمَا عَلَى عَائِشٍ فَنَظَرَ فِي إِحْدَاهُمَا فَلَمْ يَرَ فِيهَا شَيْئًا فَقَالَ أَسْرَبُوهَا وَ نَظَرَ فِي الْأُخْرَى فَإِذَا هِيَ مَوْفُورَةٌ فَقَالَ أَحْبَسُوهَا^٣.

مصافحه

٢٨٦. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ وَ تَسَاقَطَتْ عَنْهُمَا الذُّنُوبُ كَمَا يَتَسَاقَطُ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ^٤.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ١١٩، باب الرفق حديث ٩.

٢. اصول كافي، ج ١، ص ٣٨، كتاب فضل العلم، باب فقد العلماء، حديث ١.

٣. اصول كافي، ج ٢، ص ٢٦١، باب فضل فقراء المسلمين، حديث ١.

٤. اصول كافي، ج ٢، ص ١٨٠، باب المصافحه، حديث ٤.





۲۸۳. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

هر خانواده‌ای که بهره خود را از رفق و مدارا دریافت کرده باشند، خداوند در رزق و روزی آنها وسعت دهد و رفق و مدارا در مقدار هزینه زندگانی بهتر است از وسعت در مال، و با این مدارا و اعتدال چیزی از دست نمی‌رود و با ولخرجی چیزی باقی نمی‌ماند، و خداوند رفیق است و رفیق را دوست می‌دارد.

۲۸۴. از علی بن ابی حمزه که گفت: شنیدم امام موسی بن جعفر علیه السلام

می‌فرماید:

هر گاه مؤمن بمیرد، فرشتگان بر او بگریند و نیز مکان‌هایی از زمین که مؤمن در آنها خدا را عبادت کرده و درهایی از آسمان که کارهای او از آنها بالا رفته است. با مرگ مؤمن رخنه‌ای در اسلام پدید می‌آید که چیزی آن را بند نیاورد، زیرا مؤمنان فقیه، دژهای محکم اسلام‌اند، همچون قلعه‌های دیوار شهر.

۲۸۵. از ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام که فرمود:

فقیران مسلمان چهل سال پیش از ثروتمندان مسلمان وارد بهشت شده در باغ‌های آن گردش می‌کنند. برای تو در این باره مثالی می‌زنم. حکایت این مطلب حکایت دو کشتی است که به گمرک می‌رسند. گمرکچی به یکی نگاه می‌کند و آن را خالی می‌یابد و می‌گوید: رهایش کنید و به دیگری می‌نگرد و آن را پر بار می‌بیند و می‌گوید: نگاهش دارید.

۲۸۶. از ابو عبیده حذاء از امام باقر علیه السلام که فرمود:

هر گاه دو مؤمن به یکدیگر برسند و دست بدهند، خدای تعالی به آنها روی کند و عنایت نماید، و گناهانشان همچون برگ‌های درخت، فرو ریزند.



مصيبت

٢٨٧. عَنْ ذَرِيحِ الْمَحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يُعَافَى فِي الدُّنْيَا فَلَا يُصِيبَهُ
شَيْءٌ مِنَ الْمَصَائِبِ!

مؤمن

٢٨٨. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
ضِحْكُ الْمُؤْمِنِ تَبَسُّمٌ^٢

٢٨٩. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَهْلُولٍ بْنِ مُسْلِمِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كِفَّةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ^٣.

٢٩٠. عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحُجَّاجِ قَالَ:
ذَكَرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْبَلَاءَ وَمَا يُخْصُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ
سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً فِي الدُّنْيَا فَقَالَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ
فَالْأَمْثَلُ وَيُنْتَلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدَ عَلَى قَدْرِ إِيمَانِهِ وَحُسْنِ أَعْمَالِهِ فَمَنْ صَحَّ إِيمَانُهُ وَ
حَسُنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاءُهُ وَمَنْ سَخَفَ إِيمَانَهُ وَضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاءُهُ^٤

٢٩١. عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَهْوُلُ عَلَيْهِ فِي تَوَمِهِ فَيَعْتَقِرُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَإِنَّهُ لَيَمُتَّتَهُنَّ فِي بَدَنِهِ فَيُعْفَرُ
لَهُ ذُنُوبُهُ^٥.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٦، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ١٩.
٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٦٦٤، باب الدعابة وضحك، حديث ٥.
٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٤، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ١٠.
٤. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٥٣، باب شدة ابتلاء المؤمن، حديث ٢.
٥. اصول کافی، ج ٢، ص ٤٤٥، باب تعجيل عقوبة الذنب، حديث ٤.



۲۸۷. از ذریح محاربی از امام صادق علیه السلام که فرمود: علی بن حسین علیه السلام می فرمود: من خوش ندارم که شخص در دنیا آسوده خاطر باشد و هیچ مصیبتی به او نرسد.

۲۸۸. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
خنده مؤمن، تبسم و لبخند است.

۲۸۹. از محمد بن بهلول بن مسلم عبدی، از امام صادق علیه السلام که فرمود:
مؤمن همچون کفه ترازو است، هر گاه به ایمانش افزوده شود، بلا و گرفتاری اش افزون گردد.

۲۹۰. از عبدالرحمن بن حجاج که گفت:

نزد امام صادق علیه السلام از بلا و گرفتاری‌هایی که خدای عزوجل به مؤمن اختصاص داده، سخن به میان آمد، فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: بلا و مصیبت چه کسی در دنیا سخت تر است؟ فرمود: پیامبران و آنگاه کسانی که به آنها شبیه‌ترند. مؤمن همیشه، به نسبت ایمان و نیکی اعمالش مبتلا می‌شود. هر که ایمانش درست و کارش نیک باشد، بلایش سخت و بزرگ است و هر که ایمانش سبک باشد و کارش سست، بلا و گرفتاری اش اندک.





٢٩٢. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ: وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ صَبُورٌ عِنْدَ
الْبَلَاءِ شَكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ
لِلأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ إِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَ
الْحِلْمَ وَزِيرُهُ وَ الصَّبْرَ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَ الرَّفْقَ أَخُوهُ وَ اللَّيْنَ وَالِدُهُ¹.

٢٩٣. عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْتَفَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ
عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةٌ يَدَاهُ إِلَى
عُنُقِهِ فَيُقَالُ هَذَا الْحَائِزُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ².

٢٩٤. عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ كَانَتْ لَهُ دَارٌ فَاحْتَاجَ مُؤْمِنٌ إِلَى سُكْنَاهَا فَمَنَعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا
مَلَائِكَتِي أَسْجَلِي عَبْدِي عَلَى عَبْدِي بِسُكْنِي الدَّارِ الدُّنْيَا وَ عِزِّي وَ جَلَالِي لَا
يَسْكُنُ جَنَانِي أَبَدًا³.

٢٩٥. عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ إِذَا أَذْتَبَ ذَنْبًا أَجَلَهُ اللَّهُ سَبْعَ سَاعَاتٍ فَإِنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ لَمْ يُكْتَبْ
عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ إِنْ مَضَتِ السَّاعَاتُ وَ لَمْ يَسْتَغْفِرْ كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ
لَيُدْكَرُ ذَنْبُهُ بَعْدَ عِشْرِينَ سَنَةً حَتَّى يَسْتَغْفِرَ رَبَّهُ فَيَغْفِرَ لَهُ وَ إِنْ الْكَافِرُ لَيُنْسَأُ
مِنْ سَاعَتِهِ⁴.

١. اصول كافي، ج ٢، ص ٢٣٠، باب المؤمن و علاماته و صفاته، حديث ٢.

٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٣٦٧، باب من منع مؤمناً...، حديث ١.

٣. اصول كافي، ج ٢، ص ٣٦٧، باب من منع مؤمناً...، حديث ٣.

٤. اصول كافي، ج ٢، ص ٤٣٧، باب الاستغفار من الذنب، حديث ٣.





۲۹۱. از ابان بن تغلب که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن در خوابش ترسانده شود و خواب هولناک ببیند، پس گناهانش آمرزیده شود و بدنش به رنج کار فرسوده گردد و گناهانش آمرزیده شود.

۲۹۲. از عبدالله بن غالب از امام صادق علیه السلام که فرمود: سزاوار است که در مؤمن هشت ویژگی باشد: بسیار باوقار و محکم در گرفتاری‌ها، شکبیا به هنگام بلا، سیاس گزار به هنگام خوشی‌ها، قانع به آنچه خدایش روزی کرده، به دشمنان ستم نوزد و سربرار دوستان نشود، خود از دست خویش در رنج باشد و مردمان از او در آسایش. دانش دوست یک دل مؤمن، بردباری وزیر او، شکیبایی فرمانده سپاه او، مدارا برادر او و نرم خویی پدر او است.



۲۹۳. از فرات بن احنف از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر مؤمنی مؤمن دیگری را از آنچه نیاز او است باز دارد، در حالی که از پیش خود یا دیگری می‌تواند آن را برآورده نماید، خداوند در روز قیامت او را با رویی سیاه، چشمانی کبود و دستانی بسته به گردن روی پا نگاه دارد. پس گفته شود: این خیانت کاری است که به خدا و رسولش خیانت ورزیده، سپس دستور رسد که او را در آتش افکنند.

۲۹۴. از مفضل بن عمر که گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خانه‌ای دارد و مؤمنی به سکونت در آن محتاج است و صاحبخانه مانع می‌شود، خدای عزوجل فرماید: ای فرشتگان من! آیا بنده من در سکونت دادن بنده من در خانه دنیایی خود بخل ورزید؟! به عزت و جلالم سوگند که هرگز در بهشت‌های من ساکن نخواهد شد.

۲۹۵. از عبدالصمد بن بشیر، از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر گاه بنده مؤمن گناهی کند، خداوند هفت ساعت به او مهلت دهد. اگر آمرزش خواست، چیزی بر او ننویسد. اما اگر آن هفت ساعت سپری شد و استغفار نکرد، یک گناه برای او نوشته شود. گاه مؤمن پس از بیست سال، گناه خود را به یاد می‌آورد و آمرزش می‌خواهد و خدایش می‌آمرزد، اما انسان کافر همان دم، گناه خود را فراموش می‌کند.



٢٩٦. عَنْ مُضَلِّ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ تَنَاوُهُ لِيَعْتَذِرَ إِلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْمُخْرَجِ فِي الدُّنْيَا كَمَا يَعْتَذِرُ الْأَخُ إِلَى أَخِيهِ فَيَقُولُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا أَحْوَجْتُكَ فِي الدُّنْيَا مِنْ هَوَانٍ كَانَ بِكَ عَلَيَّ فَارْفَعْ هَذَا السَّجْفَ فَانظُرْ إِلَى مَا عَوَّضْتُكَ مِنَ الدُّنْيَا قَالَ فَيَرْفَعُ فَيَقُولُ مَا صَرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي مَعَ مَا عَوَّضْتَنِي!

مؤمن فقير

٢٩٧. عَنْ سَعْدَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَلْتَفِتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ شَبِيهَا بِالْمُعْتَذِرِ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا أَفْقَرْتُكُمْ فِي الدُّنْيَا مِنْ هَوَانٍ بِكُمْ عَلَيَّ وَلَكِرُونَ مَا أَصْنَعُ بِكُمْ الْيَوْمَ فَمَنْ رَوَّدَ أَحَدًا مِنْكُمْ فِي دَارِ الدُّنْيَا مَعْرُوفًا فَخُدُوا بِيَدِهِ فَأَدْخِلُوهُ الْحَنَّةَ قَالَ فَيَقُولُ رَجُلٌ مِنْهُمْ يَا رَبِّ إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا تَنَافَسُوا فِي دُنْيَاهُمْ فَتَنَكَّحُوا النِّسَاءَ وَلَبَسُوا الْقِيَابَ اللَّيْتَةَ وَأَكَلُوا الطَّعَامَ وَسَكَنُوا الدُّورَ وَرَكِبُوا الْمَشْهُورَ مِنَ الدَّوَابِّ فَأَعْطَيْتَنِي مِثْلَ مَا أُعْطِيْتَهُمْ فَيَقُولُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَكَ وَ لِكُلِّ عَبْدٍ مِنْكُمْ مِثْلَ مَا أُعْطِيْتُ أَهْلَ الدُّنْيَا مُنْذُ كَانَتِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ انْقَضَتِ الدُّنْيَا سَبْعُونَ ضِعْفًا!

نكوهش نفس

٢٩٨. عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ رَجُلًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَبْدَ اللَّهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَانًا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ، فَقَالَ لِتَنْفِسِهِ مَا آتَيْتُ إِلَّا مِنْكَ وَ مَا الدَّنْبُ إِلَّا لَكَ. قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ، دُمُّكَ لِتَنْفِسِكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ أَرْبَعِينَ سَنَةً^٣.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦٤، باب فضل فقراء المسلمين، حديث ١٨.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٦١، باب فضل فقراء المسلمين، حديث ٩.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ٧٣، باب الاعتراف بالتقصير، حديث ٣.





۲۹۶. از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام که فرمود:

خدای تعالی از بنده نیازمند خود در دنیا، چنان عذرخواهی می‌کند که برادری از برادرش. خداوند می‌فرماید: به عزت و جلالم! تو را در دنیا به خاطر اینکه در نظرم پست و خوار بودی، محتاج نکردم، حال این روپوش را بردار و بنگر که به جای دنیا به تو چه داده‌ام. پس روپوش را برمی‌دارد و می‌گوید: با این عوض که داده‌ای، آنچه از من باز داشتی زبانی نرساند.

۲۹۷. از سعدان که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

خدای عزوجل در روز قیامت، همچون شخص پوزش خواه، به فقیران مؤمن می‌نگرد و می‌گوید: به عزت و جلالم که شما را در دنیا چون در نظرم حقیر و ناچیز بودید، فقیر نگردانیدم. بنگرید که امروز با شما چه خواهم کرد! هر که در دنیا به شما نیکی کرده، دستش را بگیرد و وارد بهشت کنید.

یکی از فقیران مؤمن گوید: پروردگارا! دنیاداران در دنیا از هم پیشی می‌گرفتند: زنان را به نکاح در می‌آوردند، لباس‌های نرم و راحت می‌پوشیدند، خوراک‌های لذیذ می‌خوردند، در خانه‌ها ساکن می‌شدند و بر مرکب‌های گران قیمت می‌نشستند. پس به من مثل آنچه به آنها داده‌ای، عطا فرما. خدای تبارک و تعالی گوید: اینک برای تو و برای هر بنده‌ای مثل تو خواهد بود هفتاد برابر آنچه از آغاز دنیا تا روز نابود شدن دنیا به اهل دنیا عطا کرده و می‌کنم.

۲۹۸. از حسن بن جهم که گفت: شنیدم امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

مردی از بنی اسرائیل چهل سال خدا را عبادت کرد، پس قربانی‌ای به درگاه خدا بُرد، اما پذیرفته نشد. با خودش گفت: ای نفس! جز از تو به من نمی‌رسد و گناه، گناه تو است. در این وقت، خدای تعالی به او وحی فرستاد که: اینکه خود را سرزنش نمودی، از عبادت چهل سال برتر و با فضیلت‌تر بود.



٢٩٩. عَنْ مَسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا زَادَ خُشُوعَ الْجَسَدِ عَلَى مَا فِي الْقَلْبِ فَهُوَ عِنْدَنَا نِفَاقًا^١.

نيت پاک

٣٠٠. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ لَيَقُولُ: يَا رَبِّ! ارزُقْنِي حَتَّى أَفْعَلَ كَذَا وَ كَذَا مِنَ الْبِرِّ
وَوُجُوهِ الْحَيْرِ، فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ مِنْهُ بِصِدْقِ نِيَّةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ
الْأَجْرِ مِثْلَ مَا يَكْتُبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ، إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ^٢.

نيکی به والدين

٣٠١. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبِرَّ وَالِدَيْهِ حَيِّينَ وَ مَيِّتَيْنِ يُصَلِّيَ عَنْهُمَا وَ يَتَصَدَّقَ
عَنْهُمَا وَ يَحُجَّ عَنْهُمَا وَ يَصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ
فَيَزِيدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِرَّهُ وَ صَلَاتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا^٣.

٣٠٢. عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
إِنَّ أَبِي قَدْ كَبِرَ جَدًّا وَ ضَعُفَ فَتَحْنُ حَمِلُهُ إِذَا أَرَادَ الْحَاجَةَ فَقَالَ إِنْ اسْتَطَعْتَ
أَنْ تَلِيَّ ذَلِكَ مِنْهُ فَافْعَلْ وَ لَقَمَهُ بِيَدِكَ فَإِنَّهُ جَنَّةٌ لَكَ عَدًّا^٤.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٣٩٦، باب صفة النفاق و المناق، حديث ٦.

٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٨٥، تأب النيه، حديث ٣.

٣. اصول کافی، ج ٢، ص ١٥٩، باب البر بالوالدين، حديث ٧.

٤. اصول کافی، ج ٢، ص ١٦٢، باب البر بالوالدين، حديث ١٣.



۲۹۹. از مسمع بن عبدالملک از امام صادق علیه السلام که فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن فروتنی ظاهری که بیش از موجودی قلب
باشد، نزد ما نفاق است.

۳۰۰. از امام صادق علیه السلام که فرمود:
بنده مؤمن فقیر گوید: پروردگارا! مرا روزی ده تا فلان و فلان کار نیک
و خیر را انجام دهم. پس اگر خداوند در نیت او صدق و راستی بیند،
برای او پاداش عمل کردن به آن نیت را نویسد، چرا که خدا وسعت
دهنده و کریم است.

۳۰۱. محمد بن مروان که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:
چه مانعی وجود دارد که یکی از شما به پدر و مادرش که زنده‌اند یا
مرده‌اند، نیکی نماید با نمازگزاردن، و صدقه دادن و حج به جای آوردن
و روزه گرفتن از طرف آنها. پاداش این عمل برای آن دو خواهد بود
و مثل آن، برای انجام دهنده. و خداوند به واسطه این نیکی و کمک
شخص به پدر و مادرش، او را خیر فراوان عطا می‌کند.

۳۰۲. از ابراهیم بن شعیب که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:
پدرم خیلی پیر است و ناتوان و ما برای قضای حاجت او را به پشت
می‌گیریم.

امام علیه السلام فرمود: اگر می‌توانی به تنهایی این کار را بکنی، بکن و با دست
خود لقمه در دهانش بگذار که این عمل فردا سپری است برای تو (در
برابر آتش).





۳۰۳. از جابر، از امام صادق علیه السلام که فرمود:

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: ای رسول خدا! من خیلی علاقه مند و مشتاق جهادم. فرمود: پس در راه خدا جهاد کن که اگر کشته شوی، زنده‌ای و نزد خدا روزی می‌خوری و اگر بمیری پاداش تو بر خدا است و اگر بازگردی، از گناهانت برگشته‌ای همچون روز به دنیا آمدنت. مرد گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اما من پدر و مادر پیری دارم که به من انس گرفته‌اند و به جهاد رفتن من برایشان سخت است. رسول خدا فرمود: در این صورت، با پدر و مادرت باش. به خدایی که جانم در دست اوست، یک شبانه روز مأنوس و همدم بودن آنها با تو، از یک سال جهاد، بهتر و برتر است.



۳۰۴. از جابر که گفت: شنیدم مردی به امام صادق علیه السلام می‌گوید:

پدر و مادری دارم که با شما مخالف‌اند. و امام علیه السلام فرمود: به آنها نیکی کن، همچنان که به مسلمانان پیرو ما نیکی می‌کنی.

۳۰۵. از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام که فرمود:

گاه شخصی در زنده بودن پدر و مادرش به آنها خوبی می‌کند؛ اما چون از دنیا بروند، قرض‌های آنها را نمی‌پردازد و برایشان آمرزش نمی‌طلبد، پس خداوند برای او عاق و اذیت پدر و مادر را می‌نویسد. و گاه کسی در حیات پدر و مادرش آن دو را می‌آزارد و در حقشان نیکی نمی‌کند، اما چون بمیرند، قرض‌هایشان را بپردازد و برایشان استغفار می‌نماید و خدای عزوجل او را از نیکوکاران می‌نویسد.



واگذاری امور به خدا

۳۰۶. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام مَا اعْتَصَمَ بِي عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي دُونَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ، ثُمَّ تَكِيدُهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ الْمَخْرَجَ مِنْ بَيْنِهِنَّ. وَمَا اعْتَصَمَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ يَدَيْهِ، وَاسَّخْتُ الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِهِ وَلَمْ أَبَالِ بِأَيِّ وَاِدٍ هَلَكَ^۱.

ورع

۳۰۷. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ عَيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيُّ فَرَحَبَ بِهِ وَقَرَّبَ مِنْ مَجْلِسِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا عَيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ! لَيْسَ مِنَّا وَلَا كِرَامَةً مَنْ كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مِائَةٌ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَكَانَ فِي ذَلِكَ الْمِصْرِ أَحَدٌ أَوْرَعَ مِنْهُ^۲

هدایت و گمراهی

۳۰۸. عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا قَالَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا^۳.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳، بَابُ التَّفْوِضِ إِلَى اللَّهِ وَالتَّوَكُّلِ عَلَيْهِ، حَدِيثُ ۱.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸، بَابُ الْوَرَعِ، حَدِيثُ ۱۰.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۰، بَابُ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِ، حَدِيثُ ۱.





۳۰۶. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

خدای عزوجل به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود: هر که از بندگان من بی توجه به دیگران، به من پناه آورد - و من این را از نیتش بفهمم - و آن گاه آسمان و زمین و هر چه در آنهاست با او مکر نمایند، خود راه چاره‌ای از میان آنها، برایش قرار دهم. و هر که از بندگانم به کسی غیر از من پناهنده شود، - و من این را از نیتش بفهمم - اسباب و وسایل آسمان و زمین را از دستش خارج می‌کنم و زمین زیر پایش را فرو می‌برم و برایم مهم نیست در چه سرزمینی به هلاکت رسد.



۳۰۷. از علی بن ابی‌زید از پدرش که گفت: نزد امام صادق علیه السلام بودم که عیسی بن عبدالله قمی وارد شد و امام علیه السلام او را خوش آمد گفت و نزدیک خود نشانند و فرمود: ای عیسی بن عبدالله! از ما نیست و ارزش و کرامتی ندارد آن که در شهری صد هزار نفری یا بیشتر زندگی کند و در آن شهر، با ورع‌تر و حرام‌گریزتر از او نیز یافت شود.

۳۰۸. از سماعه از امام صادق علیه السلام که فرمود:

[سماعه گوید] اینکه خدای عزوجل می‌فرماید: «هر کس انسانی را جز به قصاص و یا فسادی که در زمین کرده، بکشد چنان است که همه مردم را کشته و هر کس انسانی را نجات بخشد، گویی همه مردم را حیات و زندگی داده است» منظور چیست؟ فرمود: یعنی هر کس انسانی را از گمراهی بیرون آورد و به هدایت رساند، گویا به او زندگی بخشیده و هر که انسانی را از هدایت بیرون کرده و به گمراهی کشاند بی‌شک او را کشته است.

هم نشینی

۳۰۹. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَتِ الْخَوَارِثُونَ لِعِيسَى يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نُجَالِسُ؟ قَالَ: مَنْ يُدْكَرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيُتُهُ وَبِرِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَبِرِعْبِكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ^۱.

یاری برادر دینی

۳۱۰. عَنْ أَبُو بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا اسْتَعَانَ بِهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يُبَالِغْ فِيهَا بِكُلِّ جُهْدٍ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنِينَ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا تَعْنِي بِقَوْلِكَ وَالْمُؤْمِنِينَ قَالَ مِنْ لَدُنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى آخِرِهِمْ^۲.

یقین

۳۱۱. عَنْ سَعِيدِ بْنِ قَيْسٍ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ:

نَظَرْتُ يَوْمًا فِي الْحَرْبِ إِلَى رَجُلٍ عَلَيْهِ ثَوْبَانِ، فَحَرَكْتُ فَرَسِي فَإِذَا هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ: نَعَمْ يَا سَعِيدُ بْنُ قَيْسٍ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدِ إِلَّا وَلَهُ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ وَوَاقِيَةٌ مَعَهُ مَلَكَانِ يَحْفَظَانِهِ مِنْ أَنْ يَسْقُطَ مِنْ رَأْسِ جَبَلٍ أَوْ يَقَعَ فِي بئرٍ فَإِذَا نَزَلَ الْقِضَاءُ خَلَّىا بَيْنَهُ وَبَيْنَ كُلِّ شَيْءٍ^۳.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹، کتاب فضل العلم، بابُ مُجَالَسَةِ الْعُلَمَاءِ، حدیث ۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۲، باب من لم یناصح...، حدیث ۳.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹، بابُ فضل الیقین، حدیث ۸.



۳۰۹. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حواریون به عیسی علیه السلام - روح خدا - گفتند: با که بنشینیم؟ عیسی علیه السلام گفت: کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد و سخنش به علم شما بیفزاید و کارش، شما را به آخرت راغب گرداند.

۳۱۰. ابوبصیر گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس از شیعیان ما که برادرش در حاجتی از او یاری بخواهد و او در برآوردن آن، نهایت سعی خود را نکند، بی شک به خدا و رسولش و به مؤمنان خیانت ورزیده است. ابوبصیر گوید: به امام علیه السلام عرض کردم: منظور شما از «مؤمنان» چه کسانی هستند؟ فرمود: ائمه؛ از امیرالمؤمنین تا آخرین امام.

۳۱۱. از سعید بن قیس همدانی که گفت:

روزی در جنگ نگاهم به مردی افتاد که تنهاد و جامه بر تن داشت [بدون زره]. اسبم را به سوی او حرکت دادم و چون رسیدم، دیدم امیر مؤمنان است. گفتم: ای امیر مؤمنان! در چنین جایی [بدون زره]؟! فرمود: آری! ای سعید بن قیس! هیچ بنده‌ای نیست، مگر اینکه از سوی خداوند دو فرشته نگهبان و نگاهدار برای او قرار داده شده که او را از سقوط از کوه و افتادن در چاه حفظ کنند و چون قضای الهی فرود آید، او را با همه اتفاقات تنها گذارند.



٣١٢. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مِنْ صِحَّةِ يَقِينِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يُرْضِيَ النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَلَا يَلُومَهُمْ عَلَى مَا لَمْ يُؤْرِهِ اللَّهُ فَإِنَّ الرِّزْقَ لَا يُسَوِّفُهُ حَرِيصٌ حَرِيصٌ وَلَا يَرُدُّهُ كِرَاهِيَةٌ كَارِهِ وَلَا أَحَدَكُمْ قَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لِأَذْرِكُهُ رِزْقُهُ كَمَا يَدْرِكُهُ الْمَوْتُ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَعْدِلُهُ وَقِسْطُهُ جَعَلَ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا، وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ فِي الشَّكِّ وَالسَّخَطِ!.

٣١٣. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ:

كَانَ فِي الْكُنْزِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا» كَانَ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدْرِ كَيْفَ يَحْزَنُ، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا وَ تَقَلَّبَهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَرْكَنُ إِلَيْهَا. وَ يَنْبَغِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَنْ لَا يَتَّهَمَ اللَّهَ فِي قَضَائِهِ وَلَا يَسْتَبْطِئُهُ فِي رِزْقِهِ. فَعَلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ! أُرِيدُ أَنْ أَكْتُبَهُ قَالَ فَضَرَبَ وَ اللَّهُ يَدَهُ إِلَى الدَّوَاةِ لِيَضَعَهَا بَيْنَ يَدَيَّ فَتَنَاوَلْتُ يَدَهُ فَفَقَبَلْتُهَا وَ أَخَذْتُ الدَّوَاةَ فَكَتَبْتُهُ!.

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٧، بَابُ فَضْلِ الْيَقِينِ، حَدِيثُ ٢.
٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٥٩، بَابُ فَضْلِ الْيَقِينِ، حَدِيثُ ٩.



۳۱۲. از امام صادق علیه السلام که فرمود:

از نشانه‌های سلامت یقین انسان مسلمان آن است که با خشم خدا مردم را خرسند نمی‌کند و به خاطر آنچه خداوند به آنها عطا کرده، ملامتشان نمی‌نماید چرا که رزق و روزی را نه حرص شخص آزمند می‌تواند پیش آورد و نه ناخرسندی انسان ناخواه می‌تواند برگرداند. اگر کسی از شما همچنان که از مرگ می‌گریزد. از روزی خود بگریزد، روزی اش به او خواهد رسید، همچنان که مرگ او را در خواهد یافت. سپس فرمود: خداوند به واسطه عدالت و داد، راحتی جسم و جان را در یقین و رضایت قرار داد و غم و اندوه را در تردید و خشم.



۳۱۳. از علی بن اسباط که گفت: شنیدم امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

در گنجی که خدای تعالی فرمود: «و زیرش گنجی برای آنها بود» چنین آمده بود: بسم الله الرحمن الرحیم. در شگفتم از کسی که به مرگ یقین دارد، چگونه شادی می‌کند و در شگفتم از کسی که به «قدر» یقین دارد، چگونه اندوهگین می‌شود و در شگفتم از کسی که دنیا و دگرگونی‌های آن را نسبت به اهلش می‌نگرد، چگونه به آن دل می‌بندد. سزاوار است آن که خدا را به عقل دریافته، خدا را در قضایش متهم نسازد و روزی رساندنش را کند نپندارد.

گفتم: فدایتان شوم. می‌خواهم این مطلب را بنویسم. به خدا قسم حضرت دست برد تا دوات را پیش من گذارد. دست ایشان را گرفتم و بوسیدم و دوات را ستاندم و شروع کردم به نوشتن.

